



دانش خانواده



گره آورندگان:

سعید حیدری سورشجانی
دکتر سید کمال صولتی دهکردی
دکتر فرامرز شاهین

فهرست مطالب

شماره صفحه	فصل ۱- تشکیل خانواده
۱	بخش ۱- اهمیت و ضرورت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام.....
۲	جایگاه خانواده.....
۳	اهداف تشکیل خانواده.....
۹	وظایف خانواده.....
۹	بخش ۲- معیارهای همسرگزینی.....
۱۸	ازدواج های دانشجویی.....
۲۲	راهکارهایی برای انتخاب بهتر همسر.....
۲۴	ده اصل مهم برای ازدواج موفق.....
۲۵	خطاهای انتخاب همسر.....
۲۵	بخش ۳- تسهیل ازدواج.....
۲۷	بخش ۴- تبیین خانواده.....
	فصل ۲- تحکیم خانواده
۲۹	بخش ۱- عوامل استحکام خانواده.....
۳۱	بخش ۲- مهارت های تحکیم خانواده.....
۳۳	بخش ۳- ضرورت داشتن رابطه جنسی سالم.....
۳۳	شرایط یک رابطه جنسی خوب.....
۳۴	فواید رابطه جنسی بین زن و شوهر.....
۳۷	مشارکت مردان در بهداشت باروری.....
۳۶	بهداشت جنسی.....

روش کنترل غرایز تا هنگام ازدواج.....	۳۸
بخش ۴- تقویت کارکرد های خانواده.....	۳۸
کارآمدی خانواده.....	۴۲
بخش ۵- نقش اعضای خانواده.....	۴۳
جابجایی نقش ها.....	۴۴
تعارض نقش ها.....	۴۵

فصل ۳- تعالی خانواده

بخش ۱- اصول و مبانی الگوی اسلامی- ایرانی خانواده.....	۴۶
۱- قواعد و اصول حاکم بر خانواده.....	۴۶
۲- حقوق و تکالیف اعضاء خانواده.....	۴۷
حقوق و تکالیف مشترک.....	۴۸
حقوق و مسئولیت های مالی زوجین در خانواده.....	۵۰
حقوق و مسئولیت های غیر مالی زوجین در خانواده.....	۵۱
حقوق فرزند.....	۵۶
۳- رشد فضایل و کرامات اخلاقی و معنوی.....	۵۸
بخش ۲- آداب و سبک زندگی اسلامی- ایرانی در خانواده.....	۶۰

فصل ۴- ایمن سازی خانواده

بخش ۱- موضوع شناسی مسائل و مشکلات خانواده.....	۶۲
بخش ۲- عوامل تضعیف خانواده.....	۶۳
بخش ۳- انحلال خانواده.....	۶۷
الف) طلاق.....	۶۷
عوامل طلاق.....	۶۸

پیامد های طلاق و راهکارهای کاهش طلاق..... ۷۰

راهکارهایی برای برون رفت از طلاق..... ۷۲

ب) سایر عوامل انحلال..... ۷۴

فصل ۵- فرزندآوری و جمعیت

بخش ۱- فرزندآوری و تربیت فرزند..... ۷۵

اهمیت و فواید فرزندآوری..... ۷۵

اخلاق و آداب بارداری و فرزندآوری..... ۸۳

نقش خانواده در تربیت فرزند..... ۸۸

بخش ۲- جمعیت..... ۸۹

سیاست های جمعیتی..... ۹۹

دیدگاه های جمعیتی..... ۱۰۱

ناباروری و راه های درمان آن..... ۱۰۹

بیماری های جنسی..... ۱۲۰

فصل اول: تشکیل خانواده

بخش اول: اهمیت و ضرورت ازدواج و اهداف تشکیل خانواده

اهمیت و ضرورت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام

ازدواج در قاموس هستی، پر آوازه ترین گل واژه جوانی است. با تأمل کوتاهی در فلسفه و نظام خلقت و غایت زوجیت از منظر خالق هستی، به نیکی در می یابیم که هدف اصلی ازدواج فقط ارضای نیازهای غریزی و جنسی نیست، ازدواج صرفاً برای فرزندآوری و بقای نسل نمی باشد، ازدواج تنها برای تشکیل خانواده مستقل نیست و بدون تردید غایت و هدف اصلی ازدواج نمی تواند رهایی از تنهایی و یافتن هم اتاقی و شریک زندگی باشد. هدف اصلی از ازدواج، رسیدن به کمال، آرامش و احساس و تجربه خوشبختی است. بنابراین اصلی ترین معیار انتخاب همسر نیز می بایست با توجه به هدف غایی ازدواج، یعنی نیل به آرامش پایدار تبیین و ترسیم گردد. چنانچه خالق هستی می فرمایند: "از نشانه های او این که همسرانی از جنس خوتان برای شما آفرید، تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان شما مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای انسان های اهل تفکر و اندیشه."^۱

نظام خلقت بر زوجیت استوار است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: "منزه است خدایی که همه پدیده های هستی را جفت آفریده است، چه از نباتات و حیوانات، و چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات و پدیده هایی که شما از آنها آگاه نیستید."^۲ خالق صورتگر، خلقت انسان، این اشرف مخلوقات را در بستر قانون عرشی زوجیت و کفویت، در هیئتی از مؤنث و مذکر، دختر و پسر، زن و مرد در حیات قبل از تولد و به هنگام تشکیل نطفه و فرایند ترکیب پیچیده و شگفت انگیز اسپرم و تخمک در رحم مادر، تصویر و تقدیر می فرماید. در جایی دیگر از قرآن کریم آمده است که: "اوست خدایی که شاکله شما را در رحم مادران، هرگونه که اراده کند (مؤنث یا مذکر) تصویر می نماید، خدایی جز خدای یکتا نیست که او بر هر کار توانا و به هر چیز دانا است."^۳ خداوند مهربان، آن حکیم صورتگر، خلقت انسان را در نیکوترین هیئت می آفریند.^۴ در نگاه اسلام، ازدواج مسیر دینداری را هموار می سازد و مجرد زیستی شخصیت انسان را فرو می کاهد. دوری از ازدواج به دلیل ترس از فقر، نتیجه حيله ای شیطانی برای گسترش فحشا در جامعه است و تأخیر در ازدواج به دلیل ترس از فقر، نتیجه حيله ای شیطانی برای گسترش فحشا در جامعه است و تأخیر در ازدواج به سبب ترس از تنگدستی، بدگمانی به خداوندی است که خود به ازدواج کنندگان وعده حمایت داده است.

^۱ سورة روم آیه ۲۱

^۲ سورة یس، آیه ۳۶

^۳ سورة آل عمران آیه ۶

^۴ سورة تین آیه ۴

در واقع زوجیت، معنایی از سیر کمال یابی انسان است و به یقین فردی که قابلیت ها و کفایت های لازم را برای ازدواج می یابد و از ازدواج دوری می کند و به بهانه های مختلف، ازدواج را به تأخیر می اندازد، به تدریج دنیایی از نگرانی ها، اضطراب ها، اندیشه های وسواسی، بدبینی و نا آرامی های درون را در زندگی تجربه خواهد کرد.

ازدواج یک رابطه عمیقی است که عمری میان زن و مرد جریان دارد و هدف از آن، کامل شدن ابعاد مختلف وجودی زن و مرد می باشد. آدام اسمیت می گوید: نخستین نشانه تمدن بشر، تشکیل خانواده و ازدواج است. ازدواج نه تنها پیوندی معنوی است، بلکه با هستی و وجود مرتبط است. ازدواج موفق نوعی کار هنری است، که در واقعیت ها رشد می کند. ازدواج نه تنها به خاطر تولید مثل، موجودیت یافته، بلکه پیوندی است که شامل دوستی و رفاقت صمیمانه و مطلق، بین زن و شوهر می شود و سرنوشت گذشته، حال و آینده آنها را به هم مرتبط می نماید و آنها در برابر خداوند، مسئول می کند.

اهمیت خانواده به حدی است که بهترین قدم ها، گام هایی اند که در جهت تقویت پیوندهای خانوادگی برداشته شوند و بدترین گام ها، قدم هایی اند که در مسیر جدایی به راه افتند.

در این زمینه، هم به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده توجه شده و هم سازو کارهایی برای حمایت از تشکیل خانواده پیش بینی شده است. آنچه از بررسی دیدگاههای اسلام به دست می آید، این است که تدابیر اتخاذ شده، از یک سوی در پی اصلاحات فرهنگی، در قالب بیان اهمیت ازدواج، نفی تک زیستی و عزوبت، تقویت ایمان به حمایت الهی و افزایش امید به آینده و کم کردن نگرانی های اقتصادی جوانان است، و از سوی دیگر، خانواده ها و اولیای امور، به زمینه سازی ازدواج جوانان فرا خوانده می شوند، و بالاخره از دیگر سوی، بر آسان سازی ازدواج تأکید می گردد؛ «در اسلام هیچ بنیانی نزد خداوند دوست داشتنی تر از تزویج نیست»^۵؛ «هر کس دوست دارد خداوند را در حالی که پاک و مطهر است، ملاقات کند، باید در حالی که زوجی اختیار کرده است، به ملاقات خداوند بشتابد»^۶ «کسی که ازدواج را به علت ترس از تنگدستی ترک کند، به خداوند گمان بد برده است؛ زیرا خداوند می گوید: اگر فقیر باشند، از فضل خود بی نیازشان خواهیم ساخت»^۷

جایگاه خانواده:

نهاد خانواده از عمومی ترین نهادهای اجتماعی است و مهمترین محور و تکیه گاه زندگی اجتماعی می باشد. در اصل می توان گفت خانواده اولین و پایدار ترین جایگاه برای انتقال عناصر فرهنگی به نسل های جدید و شکوفا شدن استعدادها است.

^۵ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴، ح ۲۴۹۰۱

^۶ همان، ج ۲۰، ص ۱۵، ح ۲۴۹۰۲، ص ۱۹، ح ۲۴۹۱۴

^۷ همان، ج ۲۰، ص ۴۲، ح ۲۴۹۸۴، ص ۴۳، ح ۲۴۹۸۶

اهداف تشکیل خانواده

به عقیده برخی اندیشمندان، خانواده سازمانی فعال (active organization)، پویا، زنده و بنیادین است. لذا همانند هر سازمان دیگری، اهداف خاصی برای تشکیل و تداوم آن می توان در نظر گرفت. تشکیل خانواده، پدیده ای است که در نیمه اول زندگی روی می دهد. لذا هدف آن، از آرمان کل زندگی جدا نیست. اما اینکه هدف زندگی کدام است، از دیدگاه های مختلف، پاسخ های متفاوتی برای آن وجود دارد.

از دیدگاه یونگ (C.G Jung)، هدف زندگی، یافتن توفیق و جایی در جهان است.

از دیدگاه فرانکل (Victor Frankle)، هدف زندگی از خود فرا رفتن و جذب معنا و منظوری شدن، است. به این معنی که غرق شدن در کار یا چیزی فراسوی خود، با هدف زندگی، سازگار است. آلپورت نیز معتقد است: « کسانی که از سلامت روان برخوردارند، فعالانه در پی هدفها و رؤیاهای خویشند، و ایثار و حُسن تعهد معنا و هادی زندگی آنهاست».

این گونه به نظر می رسد که تعریف هدف زندگی نسبی است. با این حال برخی هدفهای تشکیل خانواده، اجمالاً عبارتند از:

۱. تحقق جامعه سالم

خانواده واحد بنیادین جامعه و تابعی از آن محسوب می شود. تشکیل خانواده از یک لحاظ به این معناست که به خواستها و تمایلات انسان ها، در حد اعتدال و در محدوده قانونی آن، پاسخ داده شود. در این صورت، موجبی برای آسیب ها، و انحرافات اخلاقی و فرهنگی باقی نمی ماند. در غیر این صورت با کاهش نرخ ازدواج^۱ و نیز بالا رفتن سن ازدواج، زمینه ای به وجود می آید که فرد برای پاسخ به خواست های درونی اش به هر وسیله ای و از هر راهی اقدام نماید. در واقع انگیزه برای ارتکاب اعمال غیراخلاقی به وجود می آید و تداوم این امر به مرور زمان جامعه را به آلودگی و انحطاط می کشاند. از این رو، هر تلاش و کوششی به منظور تشکیل خانواده، در واقع گامی در جهت تحقق جامعه سالم محسوب می شود.

علاوه براین، تشکیل خانواده، موجب افزایش امید به زندگی، حس مسئولیت پذیری، جستجوی شغل و درآمد مکفی، تلاش در جهت ارتقای سطح تحصیل و رشد آگاهی های عمومی در دختران و پسران شده بر نوع زندگی آنان تأثیر می گذارد. هر یک از این مقوله ها در پیشرفت و تحول جامعه ای که در آن زندگی می کنند، تأثیرگذار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که رابطه تشکیل خانواده و سلامت جامعه، رابطه ای منطقی، معقول و با معنا است.

^۱ marriage rating

۲. تداوم نسل

یکی دیگر از اهداف اساسی تشکیل خانواده، تداوم نسل است. شاید انگیزه همه انسانها برای داشتن فرزند به نیرومندی انگیزه ازدواج نباشد. برای این دسته از زوجهای جوان، تشکیل خانواده، شرط لازم و کافی برای فرزندآوری، تلقی نمی شود؛ با این حال می توان عواملی را جستجو کرد که هر کدام انگیزه قابل توجهی برای داشتن فرزند، به حساب آیند. برخی از این عوامل عبارتند از:

■ «رفع یکنواختی زندگی»: فرزند، کانون زندگی را از حالت یکنواختی خارج کرده و به آن شور و نشاط می بخشد.

■ «نیاز به جاودانگی»: هر یک از زن و مرد، فرزند را دلیلی برای تداوم حیات خویش دانسته از این طریق به نیاز «جاودانه ماندن» خود پاسخ می دهند.

■ «جاذبه های خلقت»: ارسطو (Aristotle) معتقد است که جاذبه های خلقت، روح زن و مرد را برمی انگیزد تا در سایه وصال، عشق و محبت متقابل خود را تقویت کنند، و فرزند، ثمره عشق پاک زن و مرد به یکدیگر محسوب می شود.

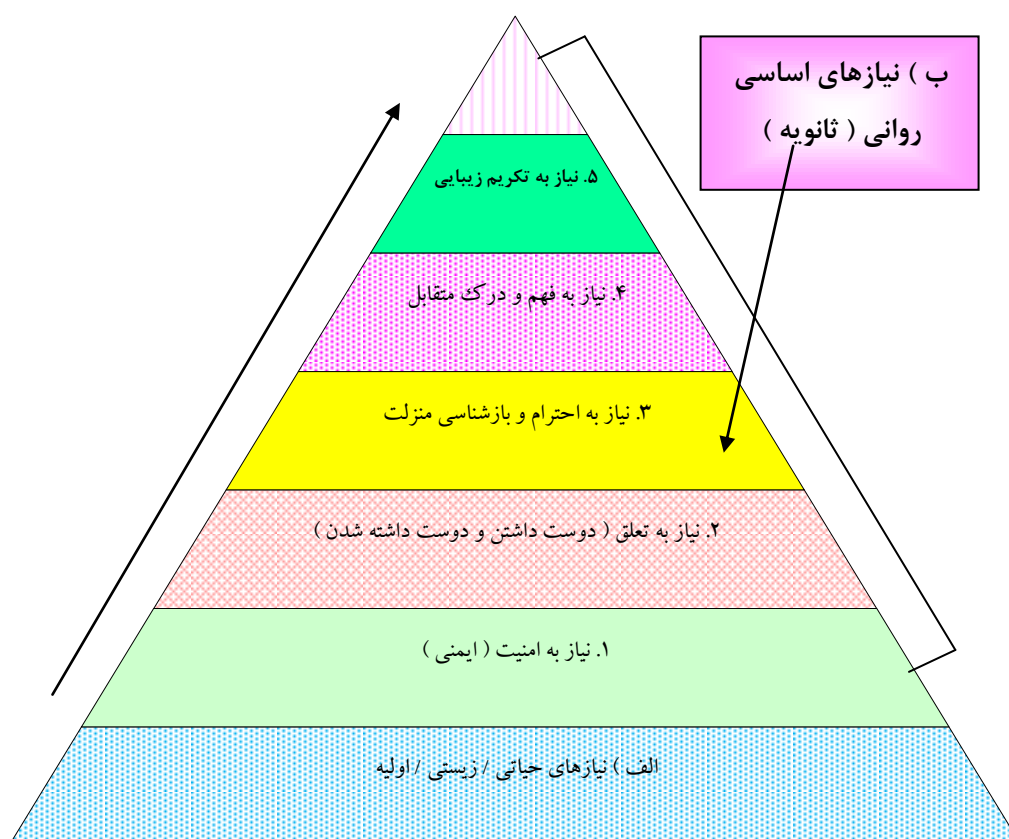
■ «تعالی نسل»: فرزند به جهت برخورداری از زمینه های ژنتیکی که از والدین دریافت می کند، از شباهت هایی با هریک از والدین برخوردار است و چون آدمی به جهت غریزه حب ذات، به خویشتن و آنچه مربوط به اوست و از جمله فرزندانش، علاقه ویژه ای دارد، تشکیل خانواده، نه تنها «تداوم نسل» بلکه به «تعالی نسل» نیز می انجامد. بدیهی است علاقه به فرزند، زمینه ساز تربیت شایسته فرزند است.

■ «معنا بخشیدن به زندگی»: «انگیزه ازدواج»، «تشکیل خانواده» و «تولد فرزند»، به ترتیب حلقه هایی از چرخه حیات (life cycle) مشترک است و با ظهور هر یک، تعلقات روحی و عاطفی جدیدی نیز به وجود می آید. ابتدا احساس تعلق به همسر، وجود آدمی را متأثر می سازد و پس از آن، احساس تعلق به فرزندان و فرزندان به والدین، موجد پیوندهای عاطفی نوینی می شود. این نوع پیوندها، توانایی مکفی را دارا هستند تا والدین را برانگیزند و احساس مسئولیت لازم را در آنان بیافرینند.

۳. تأمین نیازهای اساسی

نیازهای بشر از بدو تولد، زندگی او را تحت تأثیر قرار می دهند. این نیازها به دو دسته با نامهای نیازهای اولیه و ثانویه یا نیازهای حیاتی (survival needs) (زیستی) و نیازهای اساسی (basic needs) روانی تقسیم می شوند. دسته اول، شامل نیاز به اکسیژن، آب و غذا، استراحت، غریزه جنسی و نظیر آنها است. و مؤلفه هایی همچون، امنیت (safely)، تعلق (belonging)، احترام (esteem) و منزلت، فهم و درک (knowledge) متقابل، تکریم زیبایی (beauty) و خودشکوفایی (self-actualization) در دسته دوم قرار می گیرند.

«آبراهام مزلو» (Abraham Maslow)، که نام او تداعی کننده «سلسله مراتب نیازهای Maslow's hierarchy (of needs) آدمی» است، عقیده دارد که ابتدا نیازهای حیاتی (زیستی) به لحاظ اهمیت شان باید ارضاء گردد و همان گونه که در نمودار ۱-۱ مشاهده می شود، آنها قاعده هرم را تشکیل می دهند؛ یعنی همان گونه که تعادل هرم، متکی بر قاعده آن است، تعادل وجود آدمی نیز ابتدا بر پایه تأمین نیازهای حیاتی (زیستی)، استوار بوده پس از آن، زمان ارضاء نیازهای اساسی روانی، فرا می رسد. در این مرحله نیز مراتبی وجود دارد یعنی، ابتدا و مقدم بر همه احتیاج به امنیت باید ارضاء شود، زیرا آرامش حاصل از آن، موجب می شود که فرد بتواند به احتیاجات دیگر خود از حیث روحی و روانی بیندیشد. اینجا است که جامعیت و ظرافت قرآن در این مورد آشکار می شود. زیرا در تبیین هدف تشکیل خانواده، به مؤلفه هایی همچون آرامش روحی، ایجاد پیوندهای دوستی و صمیمیت میان همسران، اشاره می نماید. پس از آن نوبت به نیازهای عالی تر نظیر تعلق، احترام و غیره می رسد. سرانجام در مرحله نهایی، زمان پاسخ به نیاز خودشکوفایی فرا می رسد که در قله هرم مذکور قرار دارد. نحوه و ترتیب قرار گرفتن نیازهای مذکور در هرم زیر مشاهده می شود:



نمودار ۱-۱ هرم مزلو: بررسی جایگاه و منزلت نیازهای اولیه و ثانویه آدمی

ازدواج، موقعیتی را برای زن و مرد مهیا می کند تا در پرتو زندگی مشترک بتوانند، اولاً به بخش قابل توجهی از نیازهای حیاتی خود، یعنی غریزه جنسی، آن هم در محیطی سالم، پاک و مشروع پاسخ دهند و با تکیه بر آرامش به دست آمده از آن، قادر به پذیرش مسئولیت ها و وظایف شان گردند. و ثانیاً به تأمین نیازهای اساسی روانی خود، اهتمام ورزند. رعایت چند نکته زیر به تفاهم عمیقتر همسران می انجامد:

۱. زندگی معقول، حاصل پاسخ متعادل به نیازهای اساسی زوجین است. پاسخ به برخی نیازها و معطل گذاشتن برخی دیگر، نمی تواند به زندگی موفق منجر شود.

۲. هر نیاز، از اهمیتی در حد و اندازه خود برخوردار است. نمی توان از برخی نیازها به بهانه کم اهمیت بودن آنها چشم پوشی کرد. به عنوان مثال برخی از همسران نیاز به غریزه جنسی را مهم تلقی ننموده و لذا فعالانه با آن برخورد نمی کنند، در حالی که رضایت حاصل از رابطه زناشویی قادر است علاوه بر نشاط و شادابی زوجین، استقامت آنان را در حل دشواریهای زندگی افزایش دهد.

برخی پژوهشها، مؤید آن است که رضایت جنسی همسران در سازگاری آنان و نیز پایداری زندگی مشترک، تأثیری مثبت دارد.

۳. آگاهی از نیازهای اساسی موجب می شود که فرد در رابطه با خود و همسرش روشی معقول و منطقی اتخاذ نماید. تداوم این امر به سازگاری فرد با خود (سازگاری شخصی) و نیز سازگاری فرد با همسرش (سازگاری خانوادگی) می انجامد. همسرانی که گوش به زنگ نیازهای روحی یکدیگر هستند و سعی در تأمین به موقع آنها دارند، قادرند اعتماد طرف مقابل را جلب کنند. نباید از یاد برد که اعتماد متقابل همچون پل مستحکمی است که دنیای متفاوت همسران را به یکدیگر پیوند می دهد.

۴. تأمین نیازهای اساسی باید به عنوان یک وظیفه تلقی گردد. چنانچه این وظیفه با رفتارهایی نظیر آزار و منت نهادن آمیخته شود، نه تنها تأثیر مطلوب خود را از دست می دهد. بلکه به فرموده قرآن کریم، موجب نابودی زحمات و اعمال آدمی خواهد شد.

۵. در صورت تأمین بیشتر نیازهای روانی، زمینه برای خودشکوفایی فراهم می شود. منظور از خودشکوفایی، ظهور استعدادها و قابلیت های فرد در بالاترین حد ممکن است. یکی از وظایف همسران جوان، یاری به طرف مقابل برای آشکار شدن توانمندی ها و ظرفیت های او و بهره برداری مناسب از آنها است.

۴. تربیت اجتماعی نسل

از اهداف دیگر تشکیل خانواده، پرورش فرزندان سالم و شایسته است. آنچه باید مورد توجه زوجهای جوان قرار گیرد، صرفاً فرزندآوری نیست، بلکه تربیت فرزندان به شکل کامل و جامع آن، منظور نظر است. چنین هدفی از ابتدای تشکیل خانواده، باید مورد اهتمام همسران جوان باشد.

در توضیح تربیت کامل و جامع می توان گفت که چنین تربیتی، دارای ابعاد متنوعی نظیر عاطفی، اجتماعی، عقلی، فیزیکی و اخلاقی است. تربیت اجتماعی، یکی از مؤلفه هایی است که تحقق آن نیاز به محیط مساعد دارد و خانواده، اولین نهاد تربیتی است که شرایط لازم برای این مؤلفه را داراست.

در زیر، برخی از دلایل مرتبط به نقش کارکردهای خانواده در تربیت اجتماعی فرزندان، ارائه می گردد:

الف) خانواده، اولین و با نفوذترین محیط تربیتی برای فرزندان است. وجود پیوندهای عاطفی میان والدین و فرزندان، راه را برای تحقق ابعاد تربیت از جمله تربیت اجتماعی، هموار می کند.

ب) از زمان تولد تا ۷ سالگی، مهمترین دوران شکل گیری شخصیت محسوب می شود. اثرات تربیتی این دوران به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان تا سالیان دراز همچنان باقی می ماند. از جمله معتقدان به این نظریه، کارن هورنای ((Karen Horney(1885-1952) است. وی یکی از نخستین مروجان روانشناسی اجتماعی است. به اعتقاد وی « هرچه سبب از هم گیسختن و آشفته گی امنیت کودک شود، موجب پیدایش اضطراب بنیادین (basic anxiety) در او می گردد ». چنین اضطرابی که احتمالاً در سالهای بعد نیز او را متأثر خواهد ساخت، به نوعی به احساس کودک از جدا شدن و بی پناه ماندن در دنیای خصومت آمیز مربوط می شود.

ج) والدین، نقش خود را در تربیت اجتماعی فرزند با بهره گیری از روش همانندسازی (الگوگرایی) ایفا می کنند. کودک از سالهای نخستین زندگی، رفتار والدین را اقتباس نموده درصدد درونی ساختن آنها برمی آید. این امر به تدریج، جای خود را به همانندسازی با والد همجنس می دهد و به این طریق رفتار مطلوب جنس خویش را از پدر یا مادر می آموزد. بدیهی است تأثیرپذیری فرزند از والدین، محدود به مشاهده رفتار و الگو پذیری عملی از والدین نیست، بلکه علاوه بر آن ارتباط کلامی والدین نیز بر تکوین شخصیت فرزند اثرگذار است ولی در مقایسه این دو، تأثیر رفتار عینی و مشهود بیش از رفتار کلامی است.

۵. حراست ایمان

هدف دیگر تشکیل خانواده، حفظ و تقویت ایمان است. ایمان به معنای تسلیم توأم با اطمینان خاطر در برابر خداست. در تفسیرالمیزان، این واژه به معنای استقرار اعتقادات در قلب، آمده است. ایمان همانند سایر ویژگی های آدمی در معرض فزونی یا کاستی قرار می گیرد. عوامل زیادی در حفظ و تقویت ایمان مؤثر است، که از جمله آنها می توان به خودسازی، معاشرت صحیح، تفکر هدفمند، مراقبه و نیز تشکیل خانواده اشاره کرد.

متقابلاً عواملی نیز موجب تضعیف ایمان می شود. در این مورد می توان مواردی نظیر هوس گرایی، آرزوهای دور و دراز، اصالت دادن به تمایلات شخصی و ارضای نامشروع غرائز را نام برد. تشکیل خانواده، یکی از عوامل اثرگذار بر حفظ ایمان است. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است که « هر کس ازدواج کند، همانا نیمی از دینش را

کامل کرده است». چنانچه ایمان را مرتبه ای والا از دینداری و دین باوری تلقی کنیم، می توان گفت، ایمان زوجین به وسیله ازدواج حفظ و حراست می شود. دلایل این امر، اجمالاً عبارتند از:

الف (زندگی مشترک، موجب می شود که زن و مرد، نسبتاً سروسامان روحی یافته از پراکندگی فکری به انسجام فکری و از سرگردانی به هدفداری برسند، آنها اکنون تا حدودی می دانند که از زندگی چه می خواهند؟ یا در زندگی چه باید بکنند؟ و این امر بر ارتباط آنان با خدا نیز اثر گذاشته رابطه مطلوبی با پروردگار برقرار می گردد.

ب (وجود غرایز نیرومند در سنین جوانی ، فرد را برمی انگیزد تا برای ارضای آنها چاره ای بیاندیشد. با تحقق ازدواج، بهترین روش برای تأمین غرایز مهیا می شود ولی در غیر این صورت، وسوسه های شیطانی، فرد را به شدت تحت تأثیر گرفته او را برای تأمین غرایز، به هر صورت ممکن، بر می انگیزد و حاصل آن گناهان و پیامدهای روحی ناشی از آنها است.

ج (پیوند زندگی مشترک، زوجین را به نوعی تعهد ایمانی و اخلاقی نسبت به یکدیگر برمی انگیزد به گونه ای که نوعی احساس مسئولیت را در آنها تقویت می کند؛ مسئولیتی که در قبال آن، از دیگران چشم بپوشند. در روایتی آمده است که «چون ازدواج کردی، از غیر همسرت چشم بپوش». این روایت مؤید حقیقتی است. به این معنا که اگر فرد پس از ازدواج همچنان با نگاه های هوس آلود، آزادانه دیگران را زیر نظر بگیرد قلبش را در معرض حسرت و اندوه قرار خواهد داد. لذا ازدواج، موجب نوعی کنترل و نظارت بر نگاه و خواهش قلب می شود. از همین رهگذر، زمینه ساز تقویت ایمان خواهد گردید.

۶. جمال اجتماعی

توجه به این واقعیت که یکی از نیازهای اساسی روانی ، احتیاج به منزلت اجتماعی است، موجب می شود که راهکارهای تأمین آن مورد بررسی قرار گیرد. فرد برای دستیابی به این هدف می تواند، علاوه بر موفقیت های شخصی، از طریق مناسبات اجتماعی نیز اقدام کند. مواردی نظیر ازدواج ، پیوستن به گروه های اجتماعی، تشکیل حلقه های ارتباطی دوستانه، فرصت هایی برای تکوین و تقویت منزلت اجتماعی است. ازدواج هویت جدیدی به انسان می دهد، زیرا او را به محبوبش پیوند می دهد و زندگی وی واجد معنای تازه ای می شود. چنانچه ازدواج آگاهانه صورت بگیرد و فرد با کسی پیوند زندگی برقرار کند که از حیث شخصیت و موقعیت در شرایط والایی قرار دارد، منزلت همسر نیز ارتقاء می یابد.

یکی از تعبیر قرآن کریم در مورد همسران، « لباس » می باشد. با این مضمون که: « آنان (همسران) همچون لباس برای شما هستند و شما نیز برای آنان لباس هستید ».

۷. رشد و بالندگی

ازدواج از یک منظر، ایجاد تحول در سبک و کیفیت زندگی است. زیرا الگوی جدیدی از ارتباطات انسانی می آفریند. این تغییرات شامل مؤلفه های گوناگونی است از جمله انگیزه زندگی. زوج جوان، به درستی در می یابند که انگیزه هایشان در مقایسه با گذشته از جهات کمی و کیفی دگرگون شده و اکنون برای حفظ و تداوم زندگی، انگیزه های بیشتری دارند. یکی از این انگیزه ها، تلاش برای رشد و بالندگی است. به ویژه همسران جوانی که ازدواج را نوعی پیوند فکری و فرهنگی تلقی می کنند، بیش از سایرین از زمینه های رشد و پویای برخوردارند. این دسته از خانواده ها، از همان آغاز با این اندیشه گام در وادی زندگی مشترک می گذارند و همانند جستجوگری که در پی یافتن گمشده ای است، از فرصت های ممکن برای گسترش شخصیت خود، بهره می جویند. آنان همچنان که در این مسیر گام بر می دارند، خود را موفق و سعادتمند احساس می کنند. به بیان آلپورت، «چیزی که به زندگی شور و هیجان می بخشد، تعقیب است نه تسخیر، راه است نه مقصد، تلاش است نه کامیابی». لازمه رشد و بالندگی در زندگی مشترک، وجود انگیزه برای به کمال رسیدن همسر است. این انگیزه همانند انگیزه کمال شخصی، مؤثر و نیرومند است. در این رویکرد، هریک از همسران، صرفاً در اندیشه رشد فردی خود نیستند، بلکه آنها دغدغه رشد همسرشان را نیز دارند و همین امر، زمینه ساز ازدواج متعالی و موفق خواهد شد. نکته قابل ذکر دیگر این است که در تداوم زندگی مشترک، زن و مرد باید به نقش همسر در بالندگی خویش توجه داشته این واقعیت را نیز به او اظهار نمایند. آگاهی فرد از این موضوع که وی در پیشرفت و تعالی همسرش سهم مؤثری دارد، انگیزه او را در استمرار این امر تقویت خواهد کرد.

وظایف خانواده

از مهم ترین وظایف خانواده وظیفه تأمین و بقای نسل و در نتیجه بقای جامعه است. از دیگر وظایف آن نگهداری از فرزندان در مواقعی است که قادر به اداره خود و ادامه حیات نیستند. وظیفه دیگر خانواده، اجتماعی کردن کودک است. یعنی خانواده از طریق آموزش و پرورش، فرزند را با فرهنگ جامعه آشنا می سازد و او را برای همنوایی با جامعه آماده می کند. خانواده در رشد شخصیت کودک نقش اساسی دارد. جنبه های ژرف و عمیق و پنهانی شخصیت انسانی ناشی از تعلیم و تربیت او در دوران کودکی است. از آنجا که نخستین سال های زندگی انسان در خانواده می گذرد و در این دوران است که پایه اولیه شخصیت او گذاشته می شود، می توان به اهمیت خانواده و تأثیری که در شخصیت فرد و پرورش قوای روحی و اخلاقی او دارد کاملاً پی برد.

بخش ۲- معیارهای همسرگزینی:

انسان موجودی انتخابگر است و در بیشتر اوقات زندگی، دست به انتخاب می زند. ولیکن یکی از انتخاب هایی که نتیجه و پیامد آن برای همه عمر، ماندگار خواهد بود، «همسرگزینی» است. و لذا دقت و دوراندیشی در

این گزینش، امری منطقی می نماید. در نگاه اول، معیارهای متنوعی به چشم می خورد که امر انتخاب را قدری دشوار می سازد ولی در نظر گرفتن سه نکته زیر، از دشواری مسأله می کاهد :

* نکته اول این که، ملاک مورد نظر، پدیده ای گذرا نبوده بلکه نسبتاً پایدار باشد . مثلاً عامل زیبایی، ابتدا جلب نظر می کند، و حال آنکه به مرور زمان، رنگ می بازد و در سالهای بالای زندگی، از اثر می افتد، در حالی که خصوصیات اخلاقی نظیر ادب، متانت یا بزرگواری، بستگی به عامل گذشت زمان ندارد و به تدریج احتمال قوت گرفتن آنها نیز هست.

* نکته دوم این که، ملاک موردنظر، صرفاً جنبه بیرونی و ظاهری نداشته باشد بلکه درونی بوده و ریشه در اعماق وجود انسان داشته باشد. ویژگیهای شخصیتی نظیر تدبیر زندگی و اخلاقیت و امثال آن، جنبه ذاتی و درونی دارد، در حالی که خصوصیتی نظیر تمکن مالی، جنبه عارضی داشته عامل ریشه داری تلقی نمی شود.

* نکته سوم این که، ملاک مورد نظر به نحوی حافظ ارزشهای باشد نظیر باورهای دینی و ایمان که قادر به حراست از زندگی مشترک است. در حالی که همه ملاکها این گونه نیستند ؛ نظیر جذابیتهای ظاهری که به لحاظ موقعیت خاص خود در صورتی که فرد از تسلط نیرومندی برخوردار نباشد، وی را مستعد برخی آسیب های اخلاقی می سازد. آموزه های دین توصیه می کنند در انتخاب همسر به دو ویژگی مهم دینداری (ترس از خدا و ارتباط با او) و حسن خلق توجه شود. این دو امتیاز در زندگی خانوادگی که بر پایه تعهد و صمیمیت بنا می شود و در سراسر مسیر خود ، ناهمواری های فراوانی را پیش رو دارد، بسیار ارزشمند است.

تنوع معیارها

تنوع و پیچیدگی معیارها، بعضاً پدیده همسرگزینی را با دشواری مواجه می کند، با این حال شناخت معیارها و میزان اهمیت آنها تا حدودی از این دشواری می کاهد. از این رو به برخی از مهمترین ملاکها اشاره می کنیم:

۱- معیارهای روانشناختی

آگاهی و اطمینان از سلامت روانی و تعادل عاطفی طرف مقابل قبل از عقد، امری کاملاً مهم و حیاتی است. گاهی اوقات به جوانی که دچار بیماری روانی شده است توصیه می کنند که ازدواج کند. اگر این جوان با سابقه بیماری روانی و اختلال جدی شخصیت ازدواج کند دوباره سلامت خود را باز می یابد! متأسفانه در بیشتر موارد، این قبیل ازدواج ها دوام چندانی ندارد و تبعات ناخوشایندی به همراه خواهد داشت. در این بخش موضوعاتی همچون شخصیت فرد، ساختار آن، تیپ شخصیتی مثل درونگرا (Introvert) یا برونگرا (extravert/extrovert)، صفات شخصیتی (متانت، وقار) یا رویکردهای شخصیتی (مثبت گرا، منفی گرا یا واقع گرا) مورد بررسی قرار می گیرد. هدف این بررسی، یافتن فصل مشترکها یا مشابهت ها میان زن و مرد است تا زمینه ای برای تفاهم قرار گیرد. البته لازم به ذکر است که کمتر مواردی می توان یافت که چنین شناختی در ابتدا برای زوجین حاصل

شود و چنین انتظاری هم از آنان نمی رود بلکه هدف، انجام تلاش و کوششی آن هم در حد توان طرفین است که به طور نسبی از ویژگیهای روانشناختی یکدیگر، معرفتی کسب کنند و آن را نقطه اتکایی برای شناخت عمیق یکدیگر در طول زندگی مشترک قرار دهند. معیارهای روانشناختی در مقایسه با برخی ملاکهای دیگر، از جنبه پایداری بر خوردار است.

۲- قیافه و هیئت ظاهر:

بدیهی است که قیافه فرد از نظر دختر و پسر داوطلب ازدواج مهم است و نظریات اعضای خانواده و نزدیکان (دخالت های بی مورد در مورد هیئت ظاهر) نباید موجبات ایجاد تردیدهای غیر ضروری در پذیرش متقابل گردد. در برخی از موارد پدر و مادر ها بدون توجه به این مسئله که این زوج می تواند زوج آرامشگری برای برای همدیگر باشند، به صورت نسنجیده و با نگرشی ناقص و سطحی، برداشت ناخوشایند خودشان را نسبت به قیافه دختر/پسر اعلام می نمایند. اصولاً این معیار نمی تواند به عنوان معیار اصلی مطرح شود. مقبولیت هیئت ظاهر هرگز نمی تواند تضمین گر آرامش روان و امنیت خاطر در زندگی مشترک شود.

از نگاه عده ای، وجود برخی ویژگیها نظیر زیبایی و جذابیت در زوجین به ویژه در زن، عامل مهمی در ازدواج تلقی می شود. البته نمی توان تأثیر این عوامل را انکار کرد ولیکن تا چه اندازه باید برای آن اهمیت قائل شد؟

وجود زیبایی و جذابیت به تنهایی نمی تواند برای تشکیل زندگی کفایت کند. زیرا زندگی مشترک، وظایف، مسئولیت ها و به تبع آن دشواری هایی دارد که با تأکید بر زیبایی نمی توان از عهده آنها برآمد، لذا زیبایی و جذابیت برای پیوند زن و مرد نقطه شروع مناسبی است ولیکن شرط کافی، محسوب نمی شود. چنانچه در کنار زیبایی ظاهری، ویژگیهای دیگری نظیر رفتار مناسب و منش مطلوب وجود نداشته باشد، زندگی مشترک حالت کسل کننده پیدا می کند و از شور و جاذبه تهی می شود. این نوع زندگی، شبیه آن است که آدمی بنشیند و ساعات و روزهای متمادی به تابلوی زیبایی خیره شود، این حالت اگر چه در ابتدا جالب توجه است ولی به مرور زمان، عادی شده و شاید بعدها و به دلایل دیگر ملال آور گردد.

در روایتی از پیامبر (ص) آمده است که «هر کس تنها برای جمال (زیبایی) با زنی ازدواج کند، خواسته خود را در وجود او نیابد». و برخی روایات، «ازدواج با زن زیبایی که در خانواده ای ناصالح و آلوده پرورش یافته، مورد نهی قرار گرفته است» و باز از رسول اکرم (ص) نقل شده است که نهی کردند از اینکه زنی را (صرفاً) برای مال یا جمالش بگیرند و فرمودند: «مالش موجب طغیان و جمالش مایه تباهی اوست، در ازدواج دین و ایمان زن را در نظر بگیرید».

۳- معیارهای علمی و فرهنگی

عواملی همچون میزان تحصیلات، مدارج علمی، اندوخته های فرهنگی زن و مرد و نیز آشنایی به فناوری و مهارت های جدید، به عنوان بخشی از ملاک های ازدواج، مورد تأمل جوانان قرار می گیرد. آنان غالباً می خواهند میزان و نوع تأثیر این مؤلفه را بر زندگی مشترک بدانند تا به انتخابی آگاهانه دست یابند.

بی شک، تناسب میزان تحصیلات و تجانس رشته های دانشگاهی، عامل مثبت و تأثیرگذاری بر روند تفاهم زوجین محسوب می شود، زیرا انگیزه کافی و فضای فرهنگی، برای ارتباط کلامی و روحی با یکدیگر وجود دارد و این امر می تواند زمینه ساز همگرایی فکری و فرهنگی عمیق تر شود ولی نباید چنین نتیجه گیری کرد که فقدان این پدیده، علت ناسازگاری و عدم تفاهم زوجین تلقی شود، زیرا این نوع عوامل بسته به زمینه فکری و معرفتی زن و مرد، مورد تفسیر قرار می گیرد.

۴- معیارهای تکوین رشد

موضوع دیگری که در انتخاب همسر، قابل بررسی می باشد، مسأله سن زوجین است و این که چه سنینی برای ازدواج دختر و پسر مناسب تر بوده و اختلاف آنان از لحاظ سن چه اندازه باید باشد.

صاحب نظران غالباً از تعیین محدوده سنی خاصی در این زمینه پرهیز نموده آن را منوط به تحقق عامل دیگری با عنوان رشد فکری (mature mind) یا بلوغ روانی می دانند، یعنی معتقدند که ابتدا فرد باید به رشد فکری لازم برسد و آنگاه برای تشکیل خانواده اقدام نماید. بنابراین اگر کسی به این مرحله نرسد هنوز شایستگی لازم را برای این امر، نخواهد داشت. در اینجا برای روشن تر شدن مطلب بهتر است به مبحث سن ازدواج بپردازیم:

سن ازدواج

به طور کلی هر جوانی با رسیدن به دوره بلوغ جنسی و گذر از آن، در صورت رشد مطلوب جسمانی و دارا بودن هوشمندی و کفایت های عقلانی و تعادل عاطفی و سلامت روانی، بی گمان تعهد و توان مسئولیت پذیری اجتماعی و قابلیت و صلاحیت همسری را در خود می یابد و می تواند به انتخاب فردی که او را همسری مطلوب می انگارد بپایدیشد. عده ای این شرایط را در حدود ۱۸ تا ۲۰ سالگی می یابند و جمعی نیز تا حدود ۲۵ سالگی و حتی بیشتر از آن نمی توانند شایستگی لازم، بلوغ فکری و تعهد مسئولیت پذیری اجتماعی را بدست آورند. بنابراین، با توجه به متغیرها و مؤلفه های گوناگون در مورد سن، نمی توان برای مناطق مختلف شهری و روستایی ایران و جهان، سن مشخصی را به عنوان سن مطلوب ازدواج تعیین کرد. لذا بیان این نکته و اظهار این باور و باز خورد کلیشه ای که "در ازدواج حتماً باید دختر خانم ها چند سال کوچک تر از آقا پسر ها باشند" نمی تواند همواره دارای مبنای علمی، منطقی، عقلانی و بالطبع حجت شرعی نیز باشد؛ هرچند غالباً دختران زودتر به بلوغ جنسی می رسند.

در واقع لازم است به دور از باورهای فرهنگی حاکم بر جامعه که گاه می تواند به عنوان یکی از موانع اساسی در ازدواج بهنگام جوانان تلقی گردد، تأمل و تفکر دوباره ای در موضوع سن و اصلی ترین مؤلفه های آن صورت گیرد و از توصیه و تأکید کلیشه ای بر کوچک بودن یا بزرگ تر بودن سن دختر به هنگام ازدواج پرهیز شود. به طور کلی توجه بدین نکته شایسته و بایسته است که "سن حقیقی" انسان برآیندی از سه مؤلفه است:

(۱) سن شناسنامه ای یا سال تولد

(۲) سن زیستی و بیولوژیکی

(۳) سن روانی و عقلانی و سرزندگی حیاتی

هیچ گاه عاقلانه نیست که در زمینه سن صرفاً با توجه به شناسنامه و تاریخ تولد به صورت تک بعدی و سطحی نگر و بدون در نظر گرفتن سن حقیقی طرف مورد نظر به قضاوت نشست. سن شناسنامه ای فقط یکی از ابعاد و مؤلفه های سن حقیقی جوان تلقی می گردد. بدون شک در کنار سن شناسنامه ای، سن بیولوژیک یا زیستی هم مهم است. بدین معنا که همه انسان ها و افرادی که در یک روز به دنیا می آیند، با توجه به عوامل ارثی، محیطی، نقل و انتقالات ساختار ژنتیکی، رشد و تحول زیستی انسان، به خصوص در دوران جنینی، و حتی قبل از آن، چگونگی تولد و مراحل اولیه رشد با هم متفاوت می باشند. به عنوان مثال فرد جوانی را می بینیم که در سن ۳۵ سالگی همه موهایش سفید شده و یا شکستگی پوست او حکایت گر آن است که سن زیستی او به مراتب بیش از ۳۵ سال است و در مقابل فرد ۵۰ ساله ای هیچ یک از علائم مذکور را نداشته و سن زیستی او کمتر از سن شناسنامه ای او است.

نکته مهم دیگر در تبیین موضوع سن و تفاوت های سنی دختر و پسر به هنگام ازدواج، توجه به سن روانی و بلوغ عقلانی داوطلبان ازدواج است. سن روانی یا گستره انرژی حیاتی و میزان پویایی و سرزندگی افراد مختلف در سنین مشابه با هم تفاوت دارد و به طور کلی نشاط، سرزندگی، پویایی فکر، بلوغ عقلانی و قابلیت مطلوب همسری، قدرت و مهارت ابراز احساسات، نگرش ها و انگیزه های تلاش به امید آفرینی و امید بخشی، توانمندی ها و مهارت های کلامی، هوش هیجانی و ارتباطات اجتماعی، نشان دهنده میزان انرژی حیاتی، سن روانی و بلوغ عقلانی افراد است. همواره رابطه معنا داری بین هر سه ساختار سن وجود دارد. به عبارت دیگر، شرایط روانی فرد بر وضعیت زیستی او تأثیر می نهد و شرایط زیستی فرد نیز بر وضعیت روانی او مؤثر است.

بنابراین، گاه خانمی یافت می شود که از نظر شناسنامه ای دو یا سه سال بزرگتر از آقای داوطلب ازدواج است؛ اما از نظر سن زیستی، بسیار جوان تر از آقا به نظر می آید و از نظر سن روانی، بلوغ عقلانی، قابلیت مطلوب همسری و آرامش بخشی فوق العاده مثبت اندیش و با انرژی و نشاط است.

در مجموع در مورد موضوع سن و تفاوت سن خانم ها و آقایان به هنگام ازدواج، به سادگی، هیچ دلی علمی، منطقی، عقلانی و جهان شمولی مبنی بر اینکه حتماً باید سن دخترها به هنگام ازدواج کمتر از پسران باشد، وجود ندارد. بنابراین نه تنها هیچ مانعی نمی تواند بر سر راه دخترها و پسرهای هم سن و سال داوطلب ازدواج

که دراری دیگر مؤلفه ها و شرایط و کفایت های لازم برای زوجیت باشند قرار گیرد، بلکه در مواقعی نیز چنانچه دختر خانمی با دارا بودن شایستگی های لازم برای زوجیت، یک یا چند سال از آقا پسر داوطلب ازدواج با وی بزرگتر است، انجام عقد و زوجیت بسیار مبارک خواهد بود.^۹ گاهی خانواده ها میان این باور کلیشه ای و غلط خود محصورند که حتما باید سن شناسنامه ای دختر کمتر از پسر باشد و گاه این نگرش منفی و سطحی می تواند به عنوان عاملی بازدارنده بر سر راه ازدواج موفق دو جوان داوطلب ازدواج قرار گیرد. این در حالی است که رسالت اصلی کارگزاران فرهنگی جامعه اسلامی ایران با اندیشه و تفکر جهان شمول، فراهم ساختن زمینه ازدواج بهنگام، با تأکید بر انتخاب دقیق و عروسی آسان است.

۵- معیارهای مادی و اقتصادی

یکی از ملاکهای موردنظر همسران، ارزیابی موقعیت مالی و اقتصادی طرف مقابل به ویژه توانمندی مادی مرد است. زیرا از یک سو او مدیر زندگی و مسئول تأمین معیشت خانواده است و از سوی دیگر برخی از زنان، ضریب امنیت زندگی خود را بر مبنای توانایی اقتصادی همسران، تنظیم می کنند و لذا مایل هستند که از همان آغاز، مرد از بنیه مالی خوبی برخوردار باشد تا احساس ایمنی بیشتری داشته باشند و این امر در حد یک گزینه برای انتخاب مطرح می شود. از نگاه برخی مردان، وضعیت مالی زن و خانواده اش نیز حائز اهمیت زیادی است؛ به گونه ای که در کنار برخی معیارهای انتخاب و بعضاً حتی مقدم بر آنها، جای می گیرد. حال باید به بررسی جایگاه طرفین و میزان اهمیت آن پرداخت.

در ارزیابی مسأله باید ابتدا این واقعیت را پذیرفت که تأمین خواسته های مادی و اقتصادی، پاسخی به نیازهای حیاتی، زیستی و اولیه است. به عقیده برخی از روانشناسان نظیر مزلو، این دسته از نیازها، در حکم تکیه گاه و مبنا برای نیازهای روحی و روانی است، یعنی ابتدا باید به تأمین نیازهای زیستی اهتمام نمود و پس از آن به نیازهای روانی. ولی توجه به نکات زیر می تواند محدوده منطقی این نیازها را مشخص نماید:

۱. پاسخ متعارف به نیازهای اقتصادی و معیشتی زن و زندگی، یکی از وظایف و مسئولیتهای مرد است و زن با در نظر گرفتن شرایط مرد از حیث مالی، شایسته نیست تکلیفی بیش از طاقت، متوجه همسرش نماید.
۲. مسائل رفاهی و اقتصادی خانواده در عین حال که تأثیرگذار بر شرایط روحی و روانی همسران است، نباید از حد و اندازه سازوکار زندگی خارج شده به هدف زندگی تبدیل شود.

^۹ در بسیاری موارد، آمار طلاق بین زوج هایی که خانم ها چند سالی از آقایان بزرگ تر هستند، به مراتب کمتر از مواردی است که خانم ها کوچک تر از آقایان هستند.

۳. در بدو تشکیل زندگی، غالباً شرایط مطلوب اقتصادی مهیا نیست، بلکه به مرور زمان و در سایه تلاش مرد و همراهی زن، این شرایط فراهم می گردد؛ لذا در امر انتخاب همسر، وضعیت فعلی مرد از نظر اقتصادی، نباید این ذهنیت را بیافریند که در آینده نیز همین شرایط حاکم بر زندگی است.

۴. شایسته است که جوانان با یقین به وعده پروردگار به انگیزه محدودیت اقتصادی، ازدواج را به تأخیر نیندازند و اطمینان به لطف الهی داشته باشند که فرمود: «... اگر از نیازمندان و مستمندان باشند، خدا از فضل خود بی نیازشان سازد».

۵. ازدواج با انگیزه مادی و اقتصادی، نقطه مناسبی تلقی نمی شود. تشکیل خانواده، عالی ترین پیوند دو انسان یا به عبارتی اتصال دو روح یا دو شخصیت است، لذا رویکرد صرفاً اقتصادی، به این پیوند آسیب وارد می کند و فرد با چنین انگیزه ای از مقصد عالی حیات که همان تکامل روحی است به تدریج فاصله گرفته با آن بیگانه می شود. در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده :

« هرکس تنها به منظور مال، زنی را به همسری انتخاب کند، خداوند او را به همان مال وای می گذارد». و در روایتی دیگر فرمود: « مال زن، موجب طغیان او می شود ».

۶- معیارهای اخلاقی و دینی:

ملاک دیگری که برای بسیاری از دختران و پسران در همسرگزینی، اهمیت خاصی دارد، شاخصهای اخلاقی و دینی است. آنان مایل هستند در مورد خصوصیات اعتقادی و ارزشی همسر آینده خود، چیزهای بیشتری بدانند تا بر اساس آنها، تصویر روشن و دقیقی از زندگی مشترک، مشترکات، تمایزها، هم اندیشی ها و نیز چالش ها داشته باشند. این گونه به نظر می رسد که آگاهی از این مسائل به آنها آرامش خاطر بیشتری می بخشد. علاوه بر این، وجود ویژگیهای اعتقادی و اخلاقی، بیش از هر عامل دیگری می تواند « اعتماد آفرین » باشد. زیرا برخورداری از کرامتهای اخلاقی و باورهای دینی، نه تنها آدمی را متحول می کند، بلکه در طرف مقابل نیز اطمینان خاطر زیادی ایجاد می کند که همین امر زمینه ساز تفاهم اولیه زوجین است و تداوم آن در طول زندگی، نقش تعیین کننده ای دارد.

واقعیت این است که فرد دین باور در نگاه دیگران، یعنی انسانی که دارای درجه ای از خودساختگی، رفتار اطمینان بخش و پایبندی به ارزشهای اخلاقی باشد. به عبارت دیگر، حضور دین به معنای حضور مجموعه ای از آداب، اخلاق، سلوک و رفتار ارزشمند است. در برخی از فرمایشات رسول اکرم (ص)، آمده است که :

« همیشه در ازدواج، همسر با ایمان انتخاب کنید ». یا « در ازدواج، دین و ایمان زن را در نظر بگیرید ».

از بررسی روایات و احادیث، چنین استنباط می شود که تنها ملاکی که به طور مطلق و در همه موارد، به آن تأکید شده است، مقوله دین و ایمان است و معلوم می شود که وجود این عامل، نوعی تضمین برای دوام، بقاء و

تفاهم زندگی مشترک محسوب می شود. در روایتی آمده است که « دختر را به ازدواج فرد با ایمان درآورید زیرا اگر دختر را دوست داشته باشد به او محبت و نیکی خواهد کرد و اگر او را دوست نداشته باشد، به او ظلم نخواهد کرد ».

معیارهای همسرگزینی از منظر ارزش های اسلامی شامل:

الف) همسانی، هم اندیشی و وحدت در ایمان به خالق زوج آفرین مؤمن بودن یعنی مبرا شدن از آفت های رشد؛ یعنی متصف شدن به برترین صفات و ویژگی های شخصیت و آراسته شدن به والاترین فضیلت ها و جاودانه ترین زینت ها. مؤمن کسی است که دلش همواره مملو از ایمان به معنای هستس و همه وجودش ذکر هستی بخش باشد.

وحدت در ایمان و مؤمن بودن داوطلبان در ازدواج این است که دو نفر وجودشان منبع آرامش باشد و با وارستگی و شکوفایی وجود، دلشان از هر نوع نا آرامی و نا امنی و تردید و تشمت آزاد باشد.

ب) همسانی و وحدت در سلامت و پاکی نفس: یکی از اساسی ترین معیارهای ازدواج، برابری و مساوات در طهارت و پاکدامنی و مصونیت نفس از کشش های نفسانی و به دور بودن از انحرافات جنسی است. خوشا به حال دختران و پسرانی که به هنگام ازدواج و جاری شدن عقد برای نخستین بار برق نگاه پاک و بکرشان روشنگر دل هایشان تقدیم همدیگر می شود. این زوج ها بالاترین لذت حیاتی و آرامش روانی را در زندگی مشترک تجربه می کنند.

ج) همسانی و وحدت در قابلیت تن پوشی متقابل روانی و نفسانی: خداوند در قرآن می فرماید: آنان لباس شما هستند و شما لباس آنانید.^{۱۰} و این لباس پوشش روانی و جنسی زن و شوهر برای یکدیگر است. به تعبیر قرآن، همسران برتر آنانی هستند که زیبا ترین، آراسته ترین، فاخرترین و مقاوم ترین لباس و پوشش فطری روانی- حمایتی یکدیگر باشند. لباس همسر بودن یعنی: گرما بخشیدن، زدودن سردی ها، پوشاندن عیب ها و پنهان داشتن کاستی ها، محرم راز بودن، مصون داشتن از آفت ها و آلودگی ها، آرام جان بودن، تنوع بخشیدن به زندگی، متناسب بودن و نزدیک ترین همراه و همراز است.

د) همسانی و وحدت در همدلی، ابراز محبت و نوازشگری: محبت یعنی گذشت، ایثار، صداقت، شجاعت، عدالت، صبوری، احسان و ...

^{۱۰} سوره بقره، آیه ۱۸۷

محبت یک احساس محض و یک کلام یا یک هدیه نیست، محبت متعالی ترین رفتارهاست. محبت در قاموس روانشناسی و واقعیت زندگی مشترک، عمیق ترین، پایدارترین، جدی ترین و در عین حال زیبا ترین معانی را دارد. محبت پاسخی به گرانقدر ترین نیاز فطری انسان است.

رفتار صبورانه، از زیبا ترین منش های همسران با محبت است. همسران صبور همسران با محبت هستند و رفتار محبت آمیز بدون صبر پیشگی معنا ندارد. احسان این واژه زیبا و گویای محبت و صفت نیکوی همسران برتر است. شکی نیست که هدیه دادن به همسر (حتی یک شاخه گل)، آن هم از سر صدق و صفای دل برای ابراز محبت و مودت از بارز ترین مصادیق احسان است. در یک کلام: همسران برتر با محبت ترین انسان ها هستند.

به علت تنوع معیارها ۳ نکته را باید مد نظر گرفت تا دشواری مسئله کم شود:

نکته اول: ملاک یا معیار مورد نظر پدیده ای گذرا نباشد بلکه نسبتا پایدار باشد. مثلا زیبایی ظاهری به مرور زمان رنگ می بازد اما وقار و ادب بستگی به گذشت زمان ندارد.

نکته دوم: ملاک یا معیار مورد نظر صرفا جنبه بیرونی و ظاهری نداشته باشد و در اعماق وجود فرد ریشه داشته باشد مثلا مدیریت و تدبیر در زندگی خصوصیت درونی فرد می باشد و تمکن مالی جنبه عارضیتی داشته و عامل ریشه داری تلقی نمی شود

نکته سوم: ملاک مورد نظر حافظ ارزشهای انسانی باشد. مثلا ایمان و ثبات شخصیت سبب حراست از زندگی است اما تیپ و جذابیت ظاهری در صورت نبود تسلط و ثبات شخصیت سبب آسیب اخلاقی می شود.

۷. عدم اعتیاد و عدم وابستگی به مواد روانگردان و تصاویر مجازی

اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی از سوی داوطلبان ازدواج، یکی از عوامل مهم ناکامی ها و شکست های زندگی مشترک است. در بررسی وضعیت زیستی طرف مقابل باید اطمینان یافت که هیچ گونه آلودگی و عادت نامطلوب زیستی همچون گرایش به مشروبات الکلی، استعمال مواد مخدر و حتی سیگار و غیره وجود ندارد. چه بسا جوانانی که با سابقه اعتیاد قبلی در دوران ترک اعتیاد ازدواج می کنند و زمانی که با ناکامی های مکرر در زندگی مشترک مواجه می شوند، به دلیل همان شخصیت ضعیف و خود شیفته و ناپایدار، مجددا به اعتیاد و مصرف مواد مخدر گرایش پیدا می کنند که به این مهم هم باید توجه کرد. البته در بیشتر موارد ممکن است افراد دوباره به سمت اعتیاد برگردند اما در محدود مواردی افراد، کاملا اعتیاد خود را کنار گذاشته و تحت هیچ شرایطی گرایش دوباره به این مواد پیدا نخواهند کرد.

در این میان، توجه به عدم اعتیاد الکترونیکی و عادت زندگی به برنامه های صوتی-تصویری و لجام گسیختگی جنسی داوطلبان ازدواج از اهمیت زیادی برخوردار است. متأسفانه بعضا مشاهده شده است که برخی از جوانان به دلایلی شدیداً در حصار اعتیاد فزاینده الکترونیکی و اسارات لجام گسیختگی فرهنگی واقع شده و سلامت روان، پویایی شناختی و تعادل شخصیتی ایشان به طور قابل ملاحظه تحت تأثیر اعتیادشان به تماشای تصاویر

بی پروای عمل‌های جنسی قرار گرفته است. اعتیاد به این برنامه‌ها باعث اختلال جدی در روابط مطلوب، خوشایند و رضامندانه زوجین می‌گردد. تماشای روزافزون این تصاویر، به تدریج قابلیت‌ها و کفایت‌های همسری را کاهش داده و با ایجاد تمایلات غیرطبیعی نفسانی و تنوع طلبی غیرعادی جنسی در ایشان زمینه‌های پیدایش اضطراب و افسردگی را در زوجین بیشتر می‌نماید.

۸. آگاهی از بیماری‌های پیش‌رونده و سخت‌درمان

شایسته است که داوطلبان ازدواج از سلامت عمومی یکدیگر آگاهی کامل داشته باشند و هیچ نوع بیماری را از همدیگر پنهان ننمایند. زمانی که پیمان زوجیت بر صداقت استوار نباشد، به یقین آرامشی را به دنبال نخواهد داشت.

نکته: سعی کنید در انتخاب همسر، بیشتر بر اساس عقل و منطق خود تصمیم‌گیری کنید و بر پایه احساسات خام و غریزی خود متکی نباشید. البته این دو باید در کنار هم قرار گیرند؛ بیاد داشته باشید دل حرف آخر را باید بزند، و نه حرف اول را.

ازدواج‌های دانشجویی

در چند سال اخیر پدیده ازدواج دانشجویی روند رو به رشد و نسبتاً موفقی داشته است. به لحاظ همپوشی دوره دانشجویی با بخشی از سالهای آغازین جوانی، می‌توان این ازدواج‌ها را پیوندهای آغاز جوانی تلقی کرد. ازدواج دانشجویی، همچون تجربیات دیگری که جدید و مبتکرانه است، در معرض آزمون‌هایی قرار می‌گیرد که متضمن فرصت‌ها، مزیت‌ها و نیز محدودیتهایی می‌باشد. اینک به بررسی موارد قوت و ضعف ازدواج‌های دانشجویی می‌پردازیم و تأکید می‌کنیم که منظور زوج‌های دانشجویی هستند که در مقطع اولین سالهای جوانی، پیوند زندگی مشترک خود را منعقد می‌کنند.

فرصت‌ها و مزیت‌ها

برخی از فرصت‌های مثبت و سازنده ازدواج‌های مذکور، اجمالاً عبارتند از:

۱. طولانی کردن جوانی

اندیشه پایدار ساختن جوانی، از دیرباز ذهن انسان‌ها را به خود مشغول ساخته است. یکی از پاسخ‌های قابل قبول، حفظ شور و نشاط سالهای جوانی است که منجر به تداوم آن در سالهای بعد می‌شود. ازدواج دانشجویی، پیوند به موقعی است که از همان آغاز با شور و نشاط ویژه‌ای همراه است و زمینه‌ای برای بهره‌گیری بیشتر از این سرمایه روحی مهیا می‌کند. زوج‌های دانشجو، در مقایسه با دختران و پسران مجردی که غالباً تنهایی را تجربه می‌کنند، فرصت انس و الفت با همسر جوانی می‌یابند که علاوه بر خروج از دایره تنهایی، معنا و مفهوم جدیدی

نیز در زندگی شان پیدا می کنند و معنাজویی، مقدمه ای برای شور و نشاط بیشتر جوانی و بهانه ای برای مقابله در برابر مشکلات زندگی است.

۲. تعدیل انتظارات متقابل

سالهای دانشجویی، با روح ساده زیستی، آمیختگی خاصی دارد. همان ساده زیستی ارزشمندی که از دیرزمان، موجد حرکت‌های انقلابی بوده است؛ پدیده ای که اگر نبود، جنبش‌های دانشجویی نیز وجود پیدا نمی کرد. لذا زوج‌های دانشجو به همین اعتبار، انتظارات چندانی از حیث معاش و معیشت از یکدیگر ندارند. زیرا غالباً ارزش زندگی را در معنویت، مکارم اخلاقی و رشد پیشرفت علمی و تخصصی می جویند و بر همین اساس و نیز خصلت قناعت، یکدیگر را مورد بازخواست‌های مادی و اقتصادی قرار نمی دهند و در نتیجه فرصتی می یابند تا روح تفاهم، صمیمیت و دوستی را در خانواده، گسترش دهند. بدیهی است، اتکاء نظام خانواده بر بنیان‌هایی همچون ساده زیستی، کم توقعی، قناعت و روح بزرگواری و ارزش گرایی، فرصتی می آفریند تا زوج‌های دانشجو، سطح زندگی و روابط مشترک را به الگوی خانواده متعالی ارتقاء بخشند. نکته قابل توجه اینکه معنای حقیقی «زهد» از نگاه حضرت امیر (ع)، «برداشت کم و بازدهی زیاد» تعبیر شده است.

۳. کاهش فاصله نسلها

یکی دیگر از مواهب ازدواج دانشجویی، تنظیم طبیعی فاصله سنی والدین و فرزندان است. زوج‌های جوانی که در آغاز زندگی مشترک، صاحب فرزند و به تعبیر دیگر، امانتدار حق تعالی می شوند، از این فرصت بهره مند خواهند شد که فاصله سنی قابل قبولی با فرزندشان پیدا کنند و این امر در تفاهم میان دو نسل (والدین و فرزندان) اثر مطلوبی دارد. به عنوان مثال، زمانی که فرزندان به سنین نوجوانی می رسند، والدین، هنوز خود را جوان احساس می کنند و لذا فاصله چندانی میان نسلها احساس نمی شود و بدیهی است که از درجه سازگاری نسبتاً بالایی برخوردار خواهند شد و نشانه‌های آن در دوستی، صمیمیت و همدلی میان والدین و فرزندان پدیدار می گردد. در مقابل، زوج‌هایی که در سالهای نسبتاً بالا و در اواخر جوانی و حتی بعد از آن ازدواج می کنند، طبیعتاً فاصله سنی زیادی با فرزندان شان پیدا کرده کمتر قادر خواهند بود خود را در موقعیت نوجوانان و جوانان شان قرار داده از منظر آنها به زندگی، جهان، آرزوها و آرمانها بنگرند و از این رو میزان سازگاری و تفاهم موجود میان آنها کاهش می یابد. هر قدر فاصله سنی میان نسلها بیشتر شود، دستیابی به تفاهم، کمتر می شود. البته بعضاً والدین مسنی نیز هستند که علی رغم فاصله سنی زیاد، سعی موفقی در پر کردن این خلأ دارند ولیکن این قاعده کلی نیست. طولانی شدن فاصله سنی زیاد، ابتدا ممکن است به گسست نسلها و در ادامه به تضاد نسلها بیانجامد.

۴. افزایش سطح انگیزش (motivation)

ازدواج، رویداد مثبتی است که در کنار همه مواهب و آثار ارزشمند آن، بر شدت و تنوع انگیزه های زوجین می افزاید و هر یک درصدد بر می آیند تا با افزایش کارآمدی و قابلیت خود، زندگی مشترک را در مسیر موفق قرار دهند.

ازدواج در آغاز جوانی، بیش از سایر ازدواجهای، انگیزه های زوجین را تحت تأثیر قرار می دهد؛ زیرا جوانی، دوره مهم و بی نظیری در زندگی است که فرد خود را قادر می بیند به چالشهای زندگی پاسخ دهد و از میدان مبارزه، عقب نشینی نکند. در حقیقت، جوان، زندگی را فرآیندی طولانی و مداوم از مبارزات کوچک و بزرگ می بیند و به لحاظ غرور و عزت نفس (self-esteem)، تن به شکست نمی دهد. او در پی افتخار، سربلندی و سرافرازی است و این مهم از مسیر مبارزه با مشکلات، تأمین می شود. بنابراین ازدواج دانشجویی، انگیزه زوجین را متحول نموده اراده هایشان را بر می کشد تا به خود و دیگران اثبات نمایند که می توانند موفق باشند. صداقت دوران جوانی و شرافت دانشجویی، عامل دیگری است که آنها را بر می انگیزد تا به همه میثاق هایشان به ویژه عهد و پیمان با همسر، وفادار بوده آنها را در حد توان خویش، محقق سازند.

از پیامدهای ارتقاء انگیزش، افزایش سعی و تلاش زوجهای دانشجو در فعالیتهای درسی است. غالباً ازدواج منجر به تحول درسی و آموزشی دانشجویان می شود، زیرا احساس می کند که از نوعی تمرکز فکری برخوردارند و بهتر از گذشته می دانند که چه می خواهند و چه باید بکنند. لذا به مرور زمان، پیشرفت محسوسی در روند تحصیلی آنان مشاهده می شود. بعضاً عده ای از آنان، جوای کار و شغل مناسبی هستند و این امر نیز موجب می شود با سرعت و کیفیت بهتری، دوران تحصیل را به پایان برسانند.

۵. آرامش روحی به موقع

اگرچه آرامش روحی، پیامد منطقی و طبیعی ازدواج محسوب می شود و لیکن در ازدواجهای دانشجویی، آرامش مورد نظر به موقع حاصل می شود، زیرا زوجین در آغاز بهار زندگی همسر اختیار کرده قادرند از حداکثر شور و نشاط جوانی که در اختیار آنها است، بهره گیرند. آنان، اکنون فرصتهای زیادی دارند تا در پرتو اطمینان درونی حاصل از ازدواج، زندگی موفق را برای خویش طراحی کنند زیرا از توانایی خود و شریک زندگی شان اطمینان دارند و به لطف و عنایت الهی امیدوار بوده با حل اضطراب های دوره جوانی به وسیله ازدواج، همه سرمایه های وجودی شان را برای سازندگی و فردای بهتر به کار گیرند.

اگر ازدواج در سالهای بعد از جوانی و با تأخیر انجام شود، باز هم آرامش روانی را به دنبال خواهد داشت، اما فرصت و زمان کمتر و محدودتری برای زوجین باقی می ماند تا از برکات آرامش به دست آمده بهره گیرند. نکته مهم این است که ازدواج به عنوان نقطه عطف زندگی در کدام مرحله از عمر قرار گیرد. اگر در ربع اول زندگی،

یعنی آغاز جوانی قرار گیرد، در سه ربع باقیمانده آن، از سرمایه آرامش و اطمینان بهره مندی حاصل خواهد شد و چنانچه در نیمه زندگی واقع شود، فقط در نیم باقیمانده زندگی، از آثار و برکات آن استفاده خواهد شد.

آسیب ها و محدودیت ها

رویکرد به مزیت های ازدواج های دانشجویی، ما را نباید از پاره ای محدودیت ها یا تهدیدها، غافل کند. اگر چه محدودیتهای این امر، سهم ناچیزی در مقایسه با مزایای آن دارد ولیکن شایسته است که نگاهی جامع به هر دو جنبه آن داشته باشیم. برخی از محدودیت های موردنظر عبارتند از :

۱. انتخاب شتابزده

غالباً اندیشمندان، جوانی را سرشار از احساس و عاطفه می دانند. گرچه در نگاه اول، وجود عواطف نیرومند، نقطه قوت و ارزنده ای برای این دوره زندگی به شمار می رود ولی از جهاتی می تواند بر تصمیم گیری های مهم زندگی، و از جمله ازدواج، تأثیر نامطلوبی گذارد. به عنوان مثال جوانانی که شیفته زیبایی و جمال اند، زمانی که در معرض برخی جلوه ها و جاذبه ها قرار می گیرند، بلافاصله تحت تأثیر واقع شده احساس و عاطفه را مبنایی برای تصمیم جدی قرار می دهند و به بزرگترین انتخاب زندگی شان یعنی همسرگزینی اقدام می نمایند که بعضاً عملی عجولانه بوده فاقد دقت و باریک بینی کافی است. و به لحاظ اینکه، جوانی دوره تغییر و تحول در ابعاد گوناگون زندگی و به ویژه در حوزه تفکر، نظر و اندیشه است، بعضاً ممکن است تصمیم فعلی جوا، چندان ثابت و پایرجا نباشد و در معرض دگرگونی قرار گیرد. بنابراین، اگر دانشجویان در همسرگزینی، تنها به خواش دل و احساس و عاطفه اکتفا کنند و معیارهای منطقی و عقلانی را از داوری خود کنار زنند، امکان آسیب زایی ازدواج، همچنان وجود خواهد داشت. لذا به دانشجویان توصیه می شود در همسرگزینی، علاوه بر تأثیر اولیه ای که از طرف مقابل دارند، به بازشناسی احساس خود و ارزیابی دقیقتر آن بپردازند. مزایا و معایب احتمالی آن را در نظر گرفته با تحلیل عمیق تری ملاحظه کنند که در یک ارزشیابی صحیح، غلبه با کدامیک از این دو (مزایا و معایب) است و در صورت تردید، موضوع را با مراکز مشاوره و مشاوران با تجربه و متخصص مسائل خانوادگی و ازدواج، مطرح نموده به نوعی قاطعیت و صراحت در این تصمیم گیری دست یابند. ترجیحاً در این زمینه می توانند از مصلحت اندیشی والدین شان نیز استفاده کنند.

۲. انگیزه های ناکارآمد

سالهای دانشجویی به یک معنا و برای شماری از جوانان، به منزله آغاز یک دوره تنهایی و غالباً دور از خانواده، شهر و دیار محسوب می شود. از لحاظی، تنهایی فرصتی برای علم آموزی است و برخی بزرگان نیز معتقد بودند که « علم در غربت حاصل می شود ». شاید دلیل آنان، قطع تعلقات و دلبستگی های محیط، شهر و دیار و دوستان است که به طالب علم، مجال کافی می بخشد تا بتوانند همه توان خویش را در این راه به کار گیرند.

ولی از نگاه دیگر، تنهایی، زمینه ساز برخی غفلت ها است. جوانانی که از تنهایی رنج می برند و عوامل جایگزین نیز وجود ندارد تا این خلأ روحی را پر کند، ممکن است به سهولت با یک دیدار و گفتگو یا وعده و وعیدهایی متقاعد شوند که ازدواج آنان را از تنهایی می رهند و به همه مشکلات آنا خاتمه می دهد. لذا در بازشناسی انگیزه برخی از دانشجویان، عامل فرار از تنهایی و ایجاد هم صحبتی به چشم می خورد که البته می تواند شرط لازم برای ازدواج محسوب شود ولی شرط کافی نیست. مسئولیت ها و وظایف و کارکردهای زندگی مشترک سنگین تر از آن است که صرفاً و با اتکا بر یک انگیزه، بتوان آنها را به انجام رساند و متقابلاً ظرفیت ها و توانمندی های طرفین باید بسی بیشتر از یک احساس هم صحبتی در نظر گرفته شود تا ازدواج موفقی پدید آید.

۳. مقایسه های محنت زا

یکی از آفاتی که زوج دانشجو و زندگی مشترک آنها را تهدید می کند، ترتیب دادن مقایسه هایی میان همسر و دیگران است. این نوع مقایسه ها پنهان بوده و چون غالباً بروز خارجی ندارد، لذا ایجاد نگرانی در طرف مقابل نمی کند ولی به مرور زمان، آثاری نظیر برودت عاطفی، رنجش و بی تفاوتی در رفتار یکی از همسران یا هر دو ظاهر می شود. واقعیت این است که برخی از زوج های دانشجو به لحاظ موقعیت کلاس و عرصه های همکاری نزدیک میان دانشجویان در کارهای عملی نظیر آزمایشگاه، کارگاه، فعالیتهای گروهی و نظایر آنها با افرادی از جنس مخالف، خواه ناخواه آشنا شده از ویژگیهای مثبت علمی، آموزشی، اجتماعی و سایر فعالیتهای آنان، آگاه می شوند و بلافاصله طرف مورد نظر را که از جنس مخالف است با همسرشان مقایسه می کنند و چون همه یا بخشی از مزایای موردنظر را در همسرشان مشاهده نمی کنند، به نقطه ای می رسند که شریک زندگیشان از چشم می افتد و همیشه در حسرت فرد موردنظر به سر می برند و همین امر، زمینه انجماد عاطفی را میان زوجهای جوان مهیا می سازد.

راه کارهایی برای انتخاب بهتر همسر

* تهیه فهرست تفاهم:

فهرستی درباره مشخصات همسر دلخواه خود بنویسید و در دسترس خود قرار دهید، هدفمند خواهید بود و اگر طبیعت بخواهد کنترل فکر و احساس شما را به دست بگیرد و در برابر موقعیت نابینایتان کند، با آن مقابله خواهید کرد. یک فهرست را بر اساس اولویت های مورد نظر خود تنظیم کنید به طوری که بدانید کدام یک برای شما اهمیت بیشتری دارد. یکی از فواید این روش این است که مانع انتخاب های سست می شود، زیرا متأسفانه مبنای بسیاری از انتخاب ها در دسترس بودن افراد است. تصویر شخصیت کاملی که در نظر دارید با او

ازدواج کنید، شما را در انتخاب همسر یاری می دهد. البته به یاد داشته باشید که هیچ فردی جامع هء صفات نیست و تنها کمال موجود ذات اقدس الهی است.

* لزوم گفتمان:

شاید اکثر شما این بیت را شنیده باشید: «تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد». شما با استفاده از گفتگو می توانید از روحیات و شخصیت همسر آینده تان شناخت بهتری کسب نمایید. برخی افراد، نسبت به برخی شخصیت ها حساسیت ویژه ای دارند و نمی توانند با هم زندگی کنند. برای مثال افراد خونسرد و آرام، افراد درونگرا و گوشه گیر را نمی پسندند. برخی ممکن است به جای افراد عاطفی فردی را ترجیح دهند که دارای تیپ منطقی و عقلانی باشد یا بالعکس.

در این گونه گفتگوها هر یک از دو طرف، صادقانه به معرفی خود و بیان خصوصیات اصلی خویش می پردازد و خواسته های خود را از طرف مقابل و زندگی مشترک با او بیان می کند. این گفتگوها ممکن است بر پایه مسائلی چون:

- ◆ مدیریت خانواده و نقش زن و مرد.
- ◆ شرایط مادی زندگی.
- ◆ روش های حل اختلاف و تبادل نظر در زندگی مشترک.
- ◆ رفت و آمدها و معاشرت ها.
- ◆ و مسائل دیگر که مورد علاقه و شاید تأکید هر دو طرف است.

* نقش و اهمیت مشاوره:

اندیشمندی می گوید: زناشویی در حقیقت پیوندی است که از درختی به درخت دیگر می زنند. اگر خوب گرفت، هر دو بارور می شوند و اگر بد شد، هر دو خشک می شوند. ولی متأسفانه دیده می شود که همان باغبانی که در انجام پیوند دو گیاه آنقدر دقت به خرج می دهد، در مورد پیوند ازدواج جگر گوشه اش با دیگری آنقدر ها هم دقت نمی کند. اغلب کسانی می توانند کانون های خانوادگی خوبی تشکیل دهند که خودشان در کانون های خانوادگی خوبی تربیت شده باشند.

ازدواج هایی که بدون در نظر گرفتن نکات ضروری زندگی و بدون مشاوره با افراد با تجربه و دلسوز، و به اصطلاح فقط به دنبال دوستی ها و عشق های آن چنانی انجام شده است، دیری نگذشته که با جدایی همراه شده است. پس باید قبل از انجام هر اقدامی، تمامی جوانب و پیامدهای این پیوند در نظر گرفته شده است و اینجاست که لزوم وجود یک مشاور توانا می تواند در این انتخاب صحیح کمک کننده باشد. جهت پیشگیری از مشکلات بعدی و مشخص نمودن میزان هماهنگی و نزدیکی بین دو زوج و میزان موفقیت پیوند ازدواج آنها، مراجعه به یک مشاور و روانشناس با تجربه، مانع زیان های غیر قابل جبران مادی و معنوی ناشی از طلاق خواهیم شد.

با مشاوره میزان هماهنگی دیدگاههای دو طرف (در زمینه های زیستی، روانی، اجتماعی، شخصیتی، رفتاری، فرهنگی، اقتصادی، اعتقادی، جغرافیایی، قومی، خانوادگی، فردی و بسیاری مسائل دیگر) روشن شده و با دیدی باز و با علم و اطلاع کافی از تمامی جوانب موضوع، پیوند زناشویی خود را منعقد می سازند.

ده اصل مهم برای ازدواج موفق

۱- درباره کسی که قصد ازدواج با او را دارید، اطلاعات کافی را به دست آورید، به قدری تدبیر به خرج دهید تا ازدواج با او برایتان قابل توجیه باشد.

۲- با کسی ازدواج کنید که در برخی از ارزش هایش با شما شباهت داشته باشد.

۳- تنها در صورتی ازدواج کنید که هم شما و هم کسی که با او ازدواج می کنید، از سلامت روانی و عاطفی برخوردار باشید.

۴- با کسی ازدواج کنید که در نظر شما جذاب باشد؛ اما قبل از ازدواج رسمی خویشتن دار باشید.

۵- وقتی ازدواج کنید که نسبت به همسران مهر و علاقه عمیق داشته و او را دوست بدارید، بدانید که دوست داشتن و مهر عمیق (برخلاف شهوت) پایدار باقی می ماند. عشق جالب و هیجان انگیز است، اما دوست داشتن آن چیزی است که ازدواج را به موفقیت می رساند. دوست داشتن و وفاداری در ازدواج، سبب می شود تا زن و شوهری عشق و محبت خداوندی را بهتر دریابند. دوست داشتن می تواند نیروی محرکه ازدواج موفق باشد و آن را از حیات و سلامتی آکنده سازد. می تواند ساختاری را ایجاد کند که زندگی کردن در آن، حتی با وجود مسائل دشوار و گرفتاری ها، ارزشمند باشد.

۶- صمیمیت کلامی را بیاموزید، با ابراز احساسات کلامی، صمیمیت و عشق شما نسبت به یکدیگر افزایش می یابد.

۷- قبل از ازدواج، راه حل و فصل اختلافات و روش های ایجاد صمیمیت را بیاموزید.

۸- تنها در صورتی ازدواج کنید که بتوانید به ازدواج تان متعهد گردید و این تعهد باید تا آخر عمر دوام یابد (تأهل و تعهد امر بسیار مهمی است. ریشه بسیاری جدایی ها ناشی از عدم تعهد و خیانت نسبت به طرف مقابل است).

۹- اگر پدر، مادر، نزدیکان و بستگان شما بر ازدواج شما مهر تأیید زدند، به اتفاق آنها جشن بگیرید و اگر مخالف بودند، قبل از هرگونه تصمیم گیری با تدبیر و تعقل به سخنان آنها گوش فرا دهید.

۱۰- ازدواج زمانی موفق محسوب می شود که شما با فردی ازدواج کنید که به اندازه شما، برای موفقیت در ازدواجش تلاش کند و از همه مهم تر شما را دوست بدارد و به رشد و تعالی و افزایش حرمت نفس شما کمک کند.

خطاهای انتخاب همسر:

- ✚ سرعت بیش از اندازه در انتخاب همسر جایز نیست. نامزدی و آشنایی (در یک مدت زمان معقول) بسیار مؤثر است.
- ✚ بهتر است در سن خیلی پایین ازدواج نکنید و بگذارید به اندازه کافی شناخت پیدا کنید.
- ✚ بیش از حد برای ازدواج اشتیاق نشان ندهید، به مشتاقان دیگر هم اجازه ندهید شما را به ازدواج زودهنگام و نسنجیده وادار کنند.
- ✚ برای راضی کردن دیگران ازدواج نکنید. این شما هستید که با انتخاب صحیح سود می برید و با انتخاب نادرست ضرر می کنید.
- ✚ قبل از اینکه کسی را از همه جهات شناخته اید، با او ازدواج نکنید.
- ✚ با توقعات بی جا ازدواج نکنید.
- ✚ با کسی که از همراهی با او خسته می شوید، ازدواج نکنید.
- ✚ با کسی که آنچه را که دوست می دارد و مقدس می شمارد و نمی تواند با شما آن را تقسیم کند (شما را شریک خود احساس کند) ازدواج نکنید.
- ✚ به خاطر ترحم با کسی ازدواج نکنید.
- ✚ به خاطر این که عاشق فردی شده اید، با او ازدواج نکنید.
- ✚ به خاطر تنهایی و درماندگی ازدواج نکنید.
- ✚ دچار کوری جنسی نشوید و به خاطر گرسنگی جنسی ازدواج نکنید.
- ✚ به خاطر اصلاح شدن برخی عادت های غلط خود ازدواج نکنید اول باید این عادت های غلط اصلاح شوند.
- ✚ به خاطر احساس گناه ازدواج نکنید.
- ✚ برای پر کردن خلأهای احساسی و روحی خود ازدواج نکنید.
- ✚ به خاطر مسائل مادی ازدواج نکنید.

بخش ۳- تسهیل ازدواج

پیامبر خدا (ص) در فرایند ازدواج و تأسیس محبوب ترین بنای حیات همواره بر دقت در انتخاب همسر مطلوب برای نیل به کمال آرامش و انجام (مراسم) ازدواج آسان تأکید می فرمودند: بهترین ازدواج ها آن است که آسان تر انجام گیرد.

پیامبر خدا (ص) همواره بر توجه و دقت لازم در انتخاب همسر مؤمن و آرامش گر تأکید داشته اند و پس از انتخاب سفارش می کردند که در انجام عقد و نکاح و آماده شدن زمینه زندگی مشترک سخت گیری نشود و در این ارتباط می فرمایند:

«وقتی کسی که اخلاق و منش و تدین او مایه رضایت است به خواستگاری می آید، زمینه ازدواج وی را فراهم کنید تا شاهد فراوانی فتنه و فساد در زمین نشوید».

ایشان همچنین بر عدم سخت گیری در تعیین مهریه تأکید فرموده و بهترین مهریه ها را کمترین آنها می دانستند و در این باره فرمودند: بهترین زنان امت من کسانی هستند که رویشان نکوتر و مهرشان کمتر است، یا در جای دیگر می فرمایند: بهترین مهریه ها آن است که سبک تر باشد. مهریه باعث ایجاد مهر و محبت بین زن و شوهر می شود و نفس مهریه به زن مقام می دهد؛ یعنی ای مرد اگر طالب زن هستی، باید برایش متاعی بپردازی نه این که آنرا مفت به دست آوری. اما حد و میزان مهریه هم باید معقول تعیین شود. مهریه سنگین باطل نیست؛ اما نکوهش شده و عامل بی برکتی زندگی است. مهریه سنگین باطل نیست اما نکوهش شده است و عامل بی برکتی دانسته شده است. مهریه سنگین نه تنها مهر و محبت را می برد، بلکه باعث ایجاد کینه و بی اعتمادی می شود.

مانع تراشی بر سر ازدواج باید از میان برداشته شود و رفع این موانع از واجبات امر ازدواج به شمار می آید. در رفع موانع ازدواج تک تک آحاد جامعه سهیم هستند. آداب و رسوم دست و پا گیری که جامعه آن را پذیرفته اند و در هر قومیتی به گونه ای کم و بیش به عنوان سنت و رسوم دیرینه، جزء لاینفک ازدواج قرار داده ایم. حاشیه های غیر ضروری این مهم به قدری از متن آن زیاد تر شده است که اصل متن را زیر سؤال برده است و همه با هم مانعی در راه امر خدا شده ایم!

قطعا شرایط ازدواج نیز مانند شرایط نماز است. اگر بر جوانی واجب شد، شرایط تحصیل ازدواج هم بر او واجب می شود. دستور خداوند نه تنها به جوانان بلکه به دیگر مسلمانان نیز تحصیل شرایط ازدواج را واجب دانسته است. به طور مثال: اگر در جامعه ای بر یک میلیون جوان امر ازدواج واجب باشد، بر دولت مردان و دیگر افراد مسئول نیز واجب است که شرایط ازدواج آسان را فراهم نمایند. بر نمایندگان مجلس و قانون گذاران است که قوانین تسهیل ازدواج جوانان را به تصویب برسانند. بر اعضای شوراهای شهر و روستا است که امکانات شهر و روستا را در جهت ازدواج جوانان مهیا کنند. بر پدر و مادر و بزرگان آن جوان است که زمینه ازدواج جوانشان را مهیا سازند. بانک ها، قرض الحسنه ها و سیستم بانکی کشور باید با اختصاص و اعطای تسهیلات خود به امر ازدواج، در رونق بخشیدن به این مهم گام های اساسی بر دارند. بر این اساس، وقتی ازدواج واجب است، تسهیل ازدواج هم بر همگان واجب می شود و باید زمینه های شکل گرفتن ازدواج جوانان را همه فراهم آورند.

بخش ۴- تبیین خانواده

تعریف خانواده:

خانواده گروهی از افراد (دو نفر یا بیشتر) که میان آنها رابطه خویشاوندی برقرار است، در مکان واحدی زیست می کنند و تغذیه مشترک دارند.

خانواده یک واحد اجتماعی است که با ازدواج زن و مرد شکل می گیرد و با وجود فرزندان تکامل می یابد.

کلیه تعاریف از جامعه شناسی خانواده دو وجهه مشترک دارد:

۱. ویژگی اساسی و غیر قابل تفکیک خانواده صمیمیت است

بدیهی ترین، اساسی ترین و اصلی ترین وظیفه خانواده اجتماعی کردن و تربیت نسل آینده است.

تیپ شناسی خانواده

برخی جامعه شناسان خانواده را دو نوع هسته ای و گسترده می دانند.

خانواده هسته ای: متشکل از زن و شوهر و فرزندان. متلاشی شدن خانواده با مرگ یکی از زوجها یا طلاق رخ می دهد. این گونه خانواده ها بیشتر در شهر ها وجود دارند.

خانواده گسترده: چندین نسل زیر یک سقف زندگی می کنند پدر بزرگ و مادر بزرگ ها، نوه ها و نتیجه ها این خانواده پایدارتر از خانواده هسته ای است. این گونه خانواده ها بیشتر در جوامع روستایی و عشایری وجود دارند.

ویژگی خانواده گسترده: ارتباطات انسانی بیشتر، انتقال بهتر اندوخته های فکری و فرهنگی و تسهیل رشد فکری و اجتماعی نسلها.

خانواده ها از حیث کیفیت روابط درونی و میزان استحکام به ۴ تیپ تقسیم می شوند

الف) خانواده متلاشی: شکستن واحد خانواده به علت آنکه یک یا چند تن از اعضا نتوانند تکالیف نقش خود را آنطور که باید و شاید انجام دهند.

انواع خانواده متلاشی یا گسسته:

۱. طلاق یا جدایی

۲. عدم ثبات: عدم تشکیل خانواده در کنار هم و یا عدم حضور یکی از همسران و انجام تکالیف مربوط به نقش او توسط دیگری.

۳. خانواده درون تهی: زندگی در کنار هم بدون وجود روابط و حمایت عاطفی که با اصطلاح «طلاق روانی» هم شناخته می شوند.

۴. غیبت غیر اردادی: مرگ یا زندان

۵. شکست غیر ارادادی: بیماری و معلولیت یکی از اعضا که سبب انجام تکالیف فرد بطور غیرارادی می شود
(ب) خانواده متزلزل: به خانواده دشوار، نابسامان و نامتعادل هم معروف می باشند با خانواده درمانی می توان
این خانواده ها را به خانواده متعادل نزدیک کرد.

ویژگی خانواده متزلزل:

۱. از هدف اصلی بازمانده است
۲. جایگاه و منزلت بعضی از اعضا مشخص نبوده یا حفظ نشده است.
۳. امید به زندگی وجود ندارد
۴. به علت نبود مدیریت تصمیم گیری مشکل است.
۵. جذابیت زندگی کاهش یافته و انگیزه چندانی برای پایبندی اعضا به میثاق زندگی وجود ندارد.
۶. توزیع مسئولیت عادلانه نیست و انجام وظایف مشوقانه نمی باشد
۷. مشکلات و مسائل جزئی به راحتی به بحران بزرگ تبدیل می شود.
۸. انتقاد ها به شکل مستمر، مستقیم و غیر منصفانه است.

(ج) خانواده متعادل: به خانواده بهنجار، متوازن و موفق نیز معروف است

ویژگی خانواده متعادل:

۱. هر فرد در موقعیت خویش و مورد حمایت دیگران
۲. توزیع عادلانه عواطف، مسئولیت ها و امتیازات
۳. امنیت و جذابیت مکفی سبب دلبستگی به خانواده
۴. مدیریت متکی بر روابط انسانی و با مشورت و هماهنگی
۵. تبادل عاطفی به شیوه قلبی، کلامی و عملی وجود دارد.

(د) خانواده متعالی: خانواده متکامل، بالنده و خودشکوفای که عالی ترین الگوی زندگی در خانواده ها می باشد.

ویژگی خانواده متعالی:

۱. شکوفایی استعدادها و ظرفیت ها
۲. توجه ها معطوف به آینده است
۳. هویت افراد پرمعنا، روشن و منسجم
۴. کار و مسئولیت به زندگی دوام و معنا می بخشد
۵. تفسیر و تعبیر وقایع و رویدادها خوش بینانه است.

فصل دوم: تحکیم خانواده

بخش ۱- عوامل استحکام خانواده

استحکام خانواده از دیدگاه اسلام:

همت دین آن است که روابط زناشویی، پیوسته نشاط برقرار باشد؛ استهلاک قوا و تنش ها به پایین ترین حد برسد؛ حتی الامکان خانواده با طلاق گسسته نشود و در صورت وقوع طلاق، پیامد های آن به حداقل برسد. تأکید آموزه های اسلامی بر توجه به دو حین حسن خلق و دین داری، به ویژه از ناحیه شوهر، می تواند این اثر مهم را در پی داشته باشد که هم روابط خانوادگی بر مدارا و گذشت پایه ریزی شود و هم ترس از خداوند به مثابه مهار کننده ای قوی در عرصه خصوصی عمل کند.

نگاهی به سیاست اسلام در زمینه مهار خشونت های خانگی، به ویژه در احادیث نبوی، نشان نگاهی جامع است. اسلام همت اصلی خود را به فرهنگ سازی و تقویت بنیاد های اخلاقی معطوف کرده و بر چند مطلب مهم پای فشرده است:

۱- تأکید بر مدارا و حسن خلق:

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «هر کس با تساهل، نرمی و راحتی رفتار کند، خداوند بر آتشش حرام گرداند.»

۲- دعوت به صبر و مهار خشم:

«آن کس که خشم خود را در حالی که توان اعمال آن را دارد، مهار کند، خداوند او را از ایمان و آرامش سرشار خواهد ساخت.»^{۱۱}

۳- نهی از زمینه سازی خشونت:

برخی از آموزه ها به این مهم رهنمون شده اند که گاه شخص با ایجاد فشار روانی، عدم تمکین در برابر موقعیت و جایگاه دیگران و سهل انگاری در برابر موقعیت و جایگاه دیگران و سهل انگاری در انجام مسئولیت ها، خود زمینه های خشونت با خویش یا گسست روابط خانوادگی را هموار می کند.

^{۱۱} ابن ابی جمهور احسائی، ص ۷۲۸، ج ۲۷۷۸؛ محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۰، ج ۷.

به همسران سفارش شده است تا با ایجاد زمینه های مثبت اخلاقی به رفع کدورت ها، تقویت پیوند مودت و نشاط آفرینی بپردازند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «هنگامی که مرد هسرش را با نگاه می نوازد و همسرش نیز به او می نگرد، خداوند نیز نظر رحمتش را بر آن دو می افکند.»

۴- کم کردن زمینه های بدبینی:

خشونت ها گاه برخاسته از رفتارهایی اند که خواسته یا ناخواسته، زمینه ساز، گمان بد و کنش دیگران است.

۵- تعدیل انتظارات از یکدیگر:

هرچند خطاب های دینی به ترسیم مسئولیت ها پرداخته اند، می کوشند با کم کردن انتظارات و پذیرش عذر و قصورها و ایجاد فضای گذشت و رضامندی از داشته ها زمینه های خشونت را از میان بردارند. «دخترم، از همسرت چیزی مخواه، مگر آنکه او خود برای تو آماده کند.»^{۱۲}

۶- تقبیح خشونت و سفارش به مهار آن

در اینجا خشونت چه به معنای خشونت جسمی و چه خشونت روانی و زیر فشار گذاشتن دیگری، زشت شمرده شده و به نظر می رسد سیاستی اتخاذ شده است تا با فرهنگ سازی، شخص خشن، هم زیر افکار عمومی و هم عذاب وجدان قرار گیرد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «آیا گمان می برید که نیرومندی در حمل سنگ گران است؟ نیرومندی آن است که دل شما از خشم لبریز شود، سپس بر آن غلبه کنید.»

۷- دعوت به اصلاح رابطه زناشویی و نهی از ایجاد اختلاف های خانوادگی:

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «فرزند آدم، هیچ کرداری به ارزشمندی نماز و اصلاح رابطه میان مؤمنان و حسن خلق ندارد.»

سیاست دیگر اسلام برای استحکام بخشیدن به خانواده، چنان که اشاره شد، کم کردن زمینه های طلاق و سفارش به سازگاری است.

خانواده به معنای خاص آن، با پیمان ازدواج و پیوند همسری زن و مردی هوشمند، آگاه و برخوردار از بلوغ فکری و قابلیت های اجتماعی و کفایت های مسئولیت پذیری پایه گذاری می شود و این زوج ستون اصلی تنها نهاد فطری و طبیعی بشر یعنی «خانواده» را تشکیل می دهند. سلامت و سعادت جامعه به سلامت و پویایی

^{۱۲} محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱ (به نقل از: تفسیر عیاشی)؛ نیز ر. ک. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص

نظام خانواده وابسته است و سلامت، تعادل و تعالی نظام خانواده نیز به کیفیت روابط بین زن و شوهر بستگی دارد.

ازدواج طبیعی ترین پاسخ به نیاز فطری انسان به امنیت درون و آرامش روان است. برخورداری زن و شوهر از آرامش روان و آسودگی خاطر، مطلوب ترین بستر را برای اعتلای وجود و شکفتن همه قابلیت ها و نیل به احساس خود شکوفایی و فلاح فراهم می آورد.

در گستره هستی خانواده تنها نهاد فطری بشر است و همه نهاد های اجتماعی، مسجد و مدرسه، دانشگاه و اداره، کارخانه و بازار، نهاد های ثانویه و فرعی محسوب می شوند و در یک نگاه بصیرانه برای بقا و تعالی خانواده ها تأسیس شده اند. در کانون خانواده، اصلی ترین ستون های خانواده زن و شوهری هستند که با ازدواج خود بانی خانواده شده و بدان معنا بخشیدند. پرواضح است که کمال خانواده در کمال روابط زن و شوهر معنا می یابد.

روش های ایجاد خانواده سالم

مفهوم « خانواده سالم »، همچون « شخصیت سالم »، تأمل برانگیز است. با شخصیت سالم، مفاهیمی همچون سلامت روان، تداعی می شود و با خانواده سالم، مؤلفه هایی نظیر پیوندهای محکم میان اعضا، ارتباطات انسانی پویا و بالنده و هدفها و آرمانهای مشترک به ذهن آدمی خطور می کند. اما به راستی خانواده سالم چه ویژگی هایی دارد؟ داد و ستدهای فکری و عاطفی اعضای این خانواده چگونه است؟ و آیا امکان تحقق خانواده سالم تا چه اندازه منطقی به نظر می رسد؟

برای پاسخ به این قبیل سؤالات ناگزیر از بررسی های دقیقی هستیم. ابتدا این که معیارها و ضابطه های همسرگزینی را مورد بازنگری قرار دهیم. زیرا هیچ انتخابی همانند همسرگزینی از آثار و پیامدهایی به درازای یک عمر و ادامه نسل برخوردار نیست. این گام اول محسوب می شود. در گام دوم، برای تحقق خانواده سالم، ضرورت دارد به تبیین شیوه های تثبیت، استحکام و مودت در خانواده پرداخته شود و راهکارهای عملی در این زمینه مورد توجه قرار گیرد و بالاخره در سومین گام، وظایف والدین نسبت به فرزندان، تبیین شود. در حقیقت، بازشناسی حقوق فرزند، انگیزه ای است تا والدین با مسئولیت شناسی توأم با آگاهی بتوانند به تربیت نسل صالح و شایسته ای اقدام کنند.

بخش ۲- شیوه های استحکام مودت در خانواده (مهارت های تحکیم خانواده)

در زیر به چند مورد از مهارت های تحکیم خانواده اشاره می کنیم:

۱. ارتقاء ارتباطات انسانی: زوجین باید گوش به زنگ نیازهای روحی و روانی یکدیگر باشند و و تأمین به موقع و متعادل نیازها را مبنای برای ارتباطات انسانی قرار دهند زیرا مناسباتی که بر پایه توجه به احتیاجات روحی

طرف مقابل باشد از ضریب موفقیت بالاتری برخوردار است. ارتباط میان انسان ها در «حرف زدن» و «گوش کردن» است

الف) ارتباط کلامی: «خوب سخن گفتن» بیانگر روش: کلام مودبانه و محترمانه، «سخن خوب گفتن» بیانگر محتوا: مطالب و مضامین با ارزش.

ب) هنر خوب شنیدن یا گوش دادن فعال: بالاترین دقت و توجه به اظهارات طرف مقابل که نشان دهنده میزان اهمیت و احترام به او می باشد.

۲. تبادل عاطفی پایدار: همسرانی که از هنر مهم نثار محبت به شریک خود برخوردارند کامیابی بیشتری دارند.

۳. همدلی: یعنی احساس دیگری را درک کردن، مشکلات بعد از ازدواج برای همه زوج ها وجود دارد همدلی سبب می شود تا فشارهای درونی تخلیه شود و برون ریزی هیجانی رخ دهد و با بیان سختی ها و مشکلات روح و روان تصفیه شده و تداوم زندگی حفظ شود.

۴. احترام و تکریم منزلت: زوجین به شدت تمایل دارند نزد همسرشان از احترام و جایگاه رفیعی برخوردار باشند.

۵. مثبت نگری و مثبت گرایی: امید به آینده و ایجاد دلگرمی بعضا نقطه عطفی در زندگی فرد می شود و بررسی ها نشان داده یکی از عوامل اصلی بد رفتاری ها و ناسازگاری های خانوادگی دلسردی و نا امیدساز آینده است.

۶. شناخت علائق فرد: به معنای درک مهمترین بخش شخصیت فرد می باشد. تامین علائق اصولی و منطقی یکدیگر سبب رضایت خاطر و افزایش شادکامی در زندگی و موجب عمیق تر شدن پیوند های عاطفی می گردد.

۷. گذشت و سعه صدر: ارتباط نزدیک علاوه بر شناخت نقاط مثبت سبب شناخت ضعف ها، کاستی ها و نقاط ضعف نیز می شود که در این مرحله ضرورت اغماض و گذشت احساس می شود. برای تحقق این امر توجه به نکات زیر مفید است:

۱. محو اصلی زندگی صمیمیت است لذا اجازه ندهید مسائل جزئی خدشه ای بر آن وارد کند.

۲. در مسائل اخلاقی مانند غیرت نسبت به همسر از حد اعتدال فراتر نروید.

۳. در صورت عذرخواهی فرد از خطایش بگذرید.

۴. در مواجهه با مشکلات خویشترداری کنید و توقات خود را کاهش دهید.

اما افزون بر موارد فوق مسئله دیگری نیز وجود دارد که می تواند زندگی زوجین را تحت الشعاع خود قرار دهد و آن ضرورت داشتن رابطه جنسی سالم است.

بخش ۳- ضرورت داشتن رابطه جنسی سالم:

رابطه جنسی امری طبیعی است، که بین هر زن و شوهری رخ می دهد. متأسفانه در فرهنگ ما تماس جنسی حکم تابو را دارد و کمتر در مورد آن صحبت می شود؛ غافل از این اگر این رابطه به طور صحیح انجام نگیرد، می تواند در تیرگی روابط بین زوجین نقش بسزایی داشته باشد و اگر به طور صحیح برقرار شود، یکی از مهم ترین و اساسی ترین عوامل حسن تفاهم می باشد.

شیخ طوسی می فرماید: از جمله رفتارهای معروف با زوجه این است که نزدیکی با او از روی فهم و آموزش (فقه) باشد تا هر دو از آن لذت ببرند.^{۱۳}

با این وجود، چه کسی می تواند این نیاز طبیعی روح و جسم آدمی را نفی کند؟ خوشبختانه از نظر دین اسلام آمیزش جنسی عملی پسندیده است و به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است. بسیار حدیث ها از پیامبر (ص) وجود دارد که آشکارا امتش را به ازدواج و مباشرت جنسی سالم دعوت می کند. زوجین هرگز نباید تصور کنند با عمل فیزیکی صرف سر و کار دارند. در این صورت هم خود را از لذت عمیق جسمی و روحی محروم کرده اند و هم به حسن تفاهم بین خود لطمه زده اند. عمل جنسی یک رابطه دو طرفه است و هر دو طرف باید بدان تمایل داشته باشند و از آن لذت ببرند. شوهری که هنگام رابطه جنسی فقط به فکر خود است و به خواسته های همسرش اهمیت نمی دهد، باید هر چه زودتر در رفتار خود تجدید نظر کند. این مرد نمی داند که این رفتار می تواند مثل تیغ دو سری عمل کند که نیروی جسمی و روانی هر دو طرف را تحلیل برد. در نتیجه ممکن است زن دچار سرد مزاجی شود و ادامه زندگی آنها را با مشکل مواجه سازد؛ البته عدم ارضای مطلوب نیازهای جنسی مرد نیز می تواند باعث بروز تهدید در ادامه زندگی مشترک و فرد را به سوی روابط جنسی ناسالم سوق دهد. زنی که نتواند تمایلات همسرش را برآورده کند، از او مردی سرد و پرخاشگر می سازد که بر روابط عاطفی زوجین نیز می تواند تأثیر نامطلوبی بگذارد.

شرایط یک رابطه جنسی خوب

- ④ زوج از نظر روحی و جسمی باید آمادگی لازم داشته باشند.
- ④ محیط باید کاملاً مستعد عمل هم بستری باشد. (محیط باید آرام و بدون مشغله های ذهنی باشد).
- ④ عامل زمان بسیار مهم است. بیشتر در ساعات آخر شب توصیه می شود، به شرطی که مرد خسته از کار روزانه و نگران فردا نباشد. در کل عدم خستگی جسمانی زوج شرط اساسی است. البته نزدیکی نباید لزوماً به شب ها موقوف گردد و نباید زمان خاصی برای آن تعیین گردد و باید بنا به آمادگی زوجین صورت گیرد.
- ④ رابطه جنسی خوب باید با مقدمه چینی کامل، گفتگوی مهربانانه و عاشقانه و نوازشگری همراه است. برقراری روابط عاطفی مناسب می تواند اجاق یک رابطه جنسی مناسب بین زوجین را برافروخته سازد.

^{۱۳} شیخ طوسی در صفحه ۱۳ المبسوط از آیه شریفه ای در سورة نساء استفاده کرد و چنین گفته است.

مردان بسیار سریع می توانند برانگیخته شوند اما در زنان وجود آرامش روانی و ارتباط عاطفی، پیش شرط لازم برای این عمل است.

- ❶ هر دو طرف تمام تلاش خود را می کنند تا طرف مقابل از لذت کامل و معقولی برخوردار شود.
- ❷ رابطه جنسی کامل و درست بلافاصله پس از برقراری تماس جنسی به پایان نمی رسد. دو شریک جنسی مطلوب به هم پشت نمی کنند و نمی خوابند؛ بلکه اجازه می دهند رابطه شان با حرف های محبت آمیز و عشق ورزی ادامه یابد.

ارضای جنسی

آمیزش زن و شوهر به عنوان یک کار ثواب در آموزه های دینی مطرح شده است. هر چند ارضای جنسی فلسفه تشکیل خانواده نیست، اما جزء فواید و کارکردهای آن می باشد. انسان نیازهای مختلفی دارد که باید ارضا شود و یکی از آنها غریزه جنسی است؛ که از قوی ترین آنهاست. این نکته حائز اهمیت است که اگر ارضای جنسی به درستی انجام نگیرد، زمینه ساز خشونت، خیانت و طلاق در بین زوجین است.

فواید روابط جنسی بین زن و شوهر

از آنجا که رابطه درست و فعال جنسی، تأثیری بسزا در نشاط و آرامش و کارآمدی زوج ایفا می کند، آموزه های دینی هیچ گاه ریاضت جنسی را تأیید نمی کنند. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: « هر کس مایل بر فطرت من باشد، باید از سنت من پیروی کند و یکی از سنت های من آمیزش با همسران است.» بر کسی پوشیده نیست که نزدیکی جنسی بین زن و شوهر یک فعالیت مفرح بوده و تداوم بخش نسل های انسانی است. اما فواید دیگری نیز دارد که می توان موارد زیر را از جمله آنها برشمرد:

سوختن کالری: ۳۰ دقیقه مقاربت می تواند به طور تقریبی ۸۵ کالری یا بیشتر از فرد انرژی بگیرد.

کمک به کاهش استرس: نزدیکی جنسی نهایتاً می تواند باعث کاهش فشار خون و علاوه بر آن کاهش استرس در افراد شود.

افزایش هورمون ها: نزدیکی جنسی منظم می تواند باعث افزایش هورمون تستسترون در مردان شود که این هورمون نقش مهمی را در تقویت استخوان ها و ماهیچه ها بر عهده دارد. در خانم ها نیز باعث افزایش هورمون استروژن می شود که در تراکم استخوان ها و پیشگیری از بیماری های قلبی عامل مؤثری است.

افزایش ایمنی بدن: تحقیقات نشان می دهد که اشخاصی که در هفته یک یا دو بار نزدیکی دارند، ۳۰٪ بیشتر از بقیه ایمونو گلوبولین A را در بدن خود دارند که این باعث افزایش سیستم ایمنی بدن و مبارزه با عفونت هایی نظیر سرما خوردگی و آنفولانزا می شود.

افزایش طول عمر: تحقیقات نشان می دهد که کسانی که به طور پیوسته به ارگاسم می رسند، طول عمر بیشتری نسبت به دیگران دارند.

افزایش سلامت قلب: کسانی که بیماری قلبی دارند و با بالا رفتن از چند پله دچار تنگی نفس نمی شوند می توانند مقاربت داشته باشند. کسانی که مقاربت مرتب دارند فشار خون و کلسترول پایین تری دارند و گردش خون بهتری نیز خواهند داشت.

افزایش قدرت عضلات لگن: که این افزایش باعث کنترل بهتر مثانه می شود.

افزایش عزت نفس: یک رابطه جنسی خوب با همسر می تواند مزایای روانی بسیاری نیز به همراه داشته باشد که یکی از آنها داشتن احساس خوب نسبت به خودتان است. همچنین طبق مطالعات انجام شده زنان نیز احساس جوانی بیشتری خواهند داشت.

افزایش صمیمیت: ارگاسم می تواند باعث بالا رفتن هورمون اکسی توسین می شود که موجب افزایش مهر و محبت زن و شوهر نسبت به یکدیگر می شود.

خواب بهتر: افزایش اکسی توسین می تواند به خواب بهتر زوجین کمک کند.

نزدیکی می تواند امکان رها شدن تخمک رسیده در زن را سرعت بخشد. زمان و شرایط مناسب بایستی برای ارتباط جنسی فراهم شود و این را در نظر داشته باشید که زنان نیاز به ارتباط کلامی و عاطفی دارند ولی مردان این چنین نیستند. زنان بر عکس مردان در برقراری ارتباط جنسی کمتر تحت تاثیر گزینه قرار می گیرند. (رضایت مندی روحی روانی، اجتماعی و اقتصادی در زنان بسیار مهم است). مردان به سرعت تحریک می شوند و به ارگاسم می رسند اما این عمل در زنان زمان بر است.

به طور کلی برای برقراری روابط جنسی، رضایت هر دو طرف به انجام این عمل و آمادگی فکری بسیار مهم است. برای دستیابی به ارضای جنسی، اسلام توصیه هایی دارد که بدین قرار می باشند:

⑤ آراستگی زن برای مرد و مرد برای زن: رعایت بهداشت فردی، خوشبو بودن و آراستگی اولین چیزی است که باید رعایت شود.

⑤ لمس و تماس با بدن به ویژه در مورد زنان بسیار مهم است.

⑤ لمس و تماس جنسی باید تا به ارگاسم رسیدن زن ادامه یابد.

⑤ نیاز جنسی نباید به تأخیر انداخته شود (بخصوص در مردان).

بحث دیگری که پرداختن به آن در این مجال لازم است، بحث خود ارضایی است. خودارضایی نوعی انحراف جنسی است که در دین مقدس اسلام حرام بوده و از گناهان کبیره بر شمرده می شود. امام صادق (ع) در پاسخ به سؤالی درباره خود ارضایی فرمود:

گناه بزرگی است که خدای متعال در کتاب خود از آن نهی کرده است و کسی که این عمل را انجام دهد، گویا با خودش ازدواج کرده است. اگر بدانم کسی این کار را می کند، هرگز با او غذا نمی خورم.^{۱۴}

بهداشت جنسی و باروری

ازدواج یکی از مهمترین و بزرگترین وقایع زندگی هر انسان است. و برای این که دختر و پسر زمینه های لازم جهت یک ازدواج موفق را فراهم کنند، مشاوره و بررسی های قبل از ازدواج ضروری است.

در بررسی های قبل از ازدواج اقدامات زیر برای زوجین انجام می شود:

آموزش و مشاوره در باره معیارهای انتخاب همسر و تشکیل خانواده ای پایدار، بررسی های آزمایشگاهی قبل از ازدواج، واکسیناسیون خانم ها، آموزش درباره استفاده از روش های پیشگیری از بارداری و مشاوره ژنتیک.

در سال ۱۳۷۰ طرح مشاوره و آموزش قبل از ازدواج و به دنبال آن کلینیک مشاوره قبل از ازدواج در کشور تصویب و به کلیه استانها ابلاغ گردید. و مسئولان دفاتر عقد و ازدواج موظف شدند که صیغه عقد را در صورتی جاری نمایند که طرفین گواهی تندرستی مبنی بر انجام آزمایش ها و گذراندن دوره آموزشی را ارائه دهند.

آزمایشات قبل از ازدواج:

- * تشخیص مبتلایان به تالاسمی
- * تشخیص مبتلایان به سفلیس
- * تشخیص معتادین

هدف از بهداشت جنسی این است که زوجین از زندگی زناشویی خود لذت بیشتری ببرند، روابط عاطفی و احساسی خود را بهبود ببخشند و بدین ترتیب زندگی شادتری داشته باشند. یک انسان باید در خانه اش، در کوچه و مجامع عمومی و زمانی که وارد اجتماع می شود، خوش منظر و نظیف باشد. پیامبر اکرم همیشه خیلی مرتب، منظم، لباس بسیار تمیزی به تن می کردند، اگر چه لباس گران قیمتی نبود اما از نظر نظافت بسیار پاکیزه بود. لازم است که زن و شوهر همیشه خود را برای یکدیگر آراسته نمایند، مسواک بزنند، موهای زائد خود

^{۱۴} مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۰

را کوتاه کنند تا بدین ترتیب لذت جنسی بیشتری نیز ببرند. اگر زن برای شوهر و بلعکس، پاکیزه نباشند کم مهر و محبت بین آنها به نفرت تبدیل می شود.

مشارکت مردان در بهداشت باروری شامل موارد زیر است:

■ مسئولیت تولید مثل به عنوان یکی از اهداف تشکیل خانواده به عهده زن و مرد است و هیچ یک از طرفین نباید از مسئولیت حاملگی شانه خالی کنند. بنابراین همه مشکلات، عواقب و مسائل حاملگی به همان اندازه که مربوط به زنان است به مردان نیز ارتباط دارد و مشارکت آنان را می طلبد.

■ در مورد ناباروری نیز وضع به همین صورت است. در ۴۰ درصد موارد علت ناباروری مربوط به مردان است. پذیرش این امر توسط مردان تحمیل این شرایط را برای زوج نابارور آسان می کند. و از برچسب های اجتماع که منجر به از هم پاشیدن خانواده می شود جلوگیری می کند. و در صورتی که مشکل از زن باشد نیز مرد بایستی او را حمایت کند.

■ پیشگیری از بارداری عرصه دیگری است که با مشارکت مردان تقویت می شود. در این عرصه مشارکت مردان به معنای حمایت از زنان در پیشگیری از بارداری و استفاده از روش های مردانه پیشگیری از بارداری است. ■ پیشگیری از انتقال بیماری های آمیزشی به زنان جلوه دیگری از مشارکت مردان است. مرد (یا زن) ممکن است برخی بیماری ها را با برقراری روابط نامشروع خارج از چارچوب خانواده، به همسر خود انتقال دهد و بدین ترتیب همسر خود را به سرطان یا در برخی بیماری ها، به کام مرگ بکشاند.

■ مردان حامیان مهم زنان در طول دوره حاملگی در جهت تامین نیازهای مادی، جسمی روحی و عاطفی هستند. همچنین مردان جایگاه مهمی در حمایت از زنان شیرده در طول دوران شیردهی دارند.

■ مردان در نقش پدر، همسر و رهبر می توانند مشارکت قابل توجهی در بهبود سلامت مادران داشته باشند. به عنوان پدر، باید از ازدواج زودرس دختران خود جلوگیری و آنان را به ادامه تحصیل تشویق کنند. در نقش همسر، باید روابطی عادلانه با زن خود داشته باشند و با یکدیگر در مورد تعداد و فاصله سنی کودکان خود تصمیم بگیرند.

■ زنان باید از کمک و مشارکت مردان در اداره امور خانواده و تربیت فرزندان بهره مند شوند و زندگی خانواده از هر جهت با مسئولیت مشترک زوجین اداره شود.

■ اعمال خشونت آمیز علیه زنان از قبیل تنبیه بدنی، محرومیت از حقوق و اطلاعات، محرومیت از خدمات بهداشتی درمانی و فعالیت های اجتماعی علاوه بر تبعات بسیار منفی برای زنان، همه اعضای خانواده در معرض خطر آسیب های روانی و اجتماعی قرار خواهند گرفت.

روش کنترل غرایز تا هنگام ازدواج

اگر به هر دلیلی، ازدواج عقب افتاد، باید تمهیداتی برای کنترل غریزه جنسی انجام داد. این مطلب خیلی مهم است تا بتوان تصمیم عاقلانه گرفت. عفت پیشه کردن یعنی عوامل تحریک جنسی را کم کردن. این تمهیدات عبارتند از:

- * جلوگیری از اختلاط با نامحرم (فیزیکی، ذهنی، بصری)
- * روزه درمان فوق العاده ای برای کنترل غرایز جنسی است.
- * استفاده نکردن از برخی غذاها مانند سرخ کردنی ها.
- * توجه به نوع پوشش لباس: هرچه لباس گشاد تر باشد و اندام را فشرده نکند، غریزه جنسی کمتر فوران می کند. لباس های تنگ هم فردی را که پوشیده و هم کسی را که نگاه می کند، تحریک می کند. این مطلب در دختر و پسر مشترک است.
- * پرکاری و پر تلاشی: دغدغه های ذهنی برای خودمان ایجاد کردن، سوژه فکری داشتن که فراغت را کم کند. یکی از مشکلات جوانا امروز این است که وقت های هرزشان زیاد است و این، بزرگترین عامل برای تحریک غریزه جنسی است. لازم است این وقت ها با فعالیت های مثبت و سازنده پر شوند.
- * تنهایی برای افرادی که ازدواجشان دیر شده است خوب نیست و باید وارد فعالیت های دسته جمعی مثبت و سازنده شوند.
- * داشتن روابط عاطفی با پدر و مادر: این عواطف وقتی قوی شود، میدان غریزه جنسی محدود تر می شود. البته غریزه جنسی برای انسان ها یک جنبه طبیعی جنسی است که ممکن است ماهی یکی دو بار انزال خودبخود در خواب صورت بگیرد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید که یکی از شرایط مهم برای رسیدن به رستگاری، پاکدامنی و عفت ورزیدن در مورد غریزه جنسی است. همچنین می فرماید: به زنا نزدیک نشوید که همانا زنا زشتی آشکار است و بد مسیری است.

بخش ۴- تقویت کارکردهای خانواده

جامعه شناسان کارکردهای مهم خانواده را تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل، حمایت و مراقبت، ایجاد آرامش روانی، ارضای نیازهای عاطفی، جامعه پذیری و کنترل و نظارت می دانند؛ البته به این موارد باید نقش بی بدیل خانواده در پرورش معنوی را نیز افزود. تحولات خانواده در دهه های اخیر تمام کارکردهای یاد شده را در معرض آسیب قرار داده است.

افزایش زمینه های تحریک جنسی، که به ویژه با گسترش ابزارهای جدید تکنولوژی شاهد آن هستیم، به افزایش آستانه رضا مندی جنسی انجامیده است. در این صورت، با وجود برقراری رابطه جنسی متعارف با همسر، رضا مندی جنسی حاصل نمی شود. نتیجه این نارضایی، تمایل به برقراری رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج با افراد متعدد یا به شیوه های نامتعارف (خوشونت جنسی و...) است؛ چنان که افزایش فشار ناشی از تعدد مشاغل در آقایان و فشار دوجندان ناشی از جمع میان کار خانگی و مشاغل رسمی در زنان، همراه با افزایش استرس ها و ضعف مهارت زوج در برقراری ارتباط جنسی نیز کارکرد جنسی خانواده را تضعیف می کند.

ضعف خانواده در تربیت جنسی فرزندان را نیز نباید از نظر دور داشت. در گذشته ای نه چندان دور، والدین مسائل جنسی را هرچند به گونه ای بسیار کم رنگ به فرزندان آموزش می دادند و آنان خود را موظف به نظارت بر رفتار جنسی فرزندان می دانستند. امروزه با جانشینی نادرست نهادهای رقیب، خانواده، رفته رفته حساسیت خود را در زمینه آموزش جنسی و نظارت از دست می دهد. فرزندآوری، در سراسر تاریخ از کارکردهای مهم خانواده بوده است. اتخاذ سیاست های توسعه در کشورهای مختلف سبب کاهش سریع نرخ رشد جمعیت شده است؛ چنان که در کشور ما نرخ رشد جمعیت از بیش از سه درصد در دهه شصت به حدود یک درصد در دهه هشتاد رسیده است.

با آنکه فرزندآوری از عوامل مهم ایجاد آرامش روانی مادر، نشاط افزایی در خانواده و عامل استحکام آن است، اکنون تمایل به فرزندآوری در زوج های جوان کمتر از گذشته است و فاصله میان ازدواج و نخستین بارداری افزایش یافته است.

این موضوع گرچه در اوضاع فعلی، که خانواده ها به طور متوسط دو تا سه فرزند را پذیرا می شوند، مطلوب نیز شمرده می شود، ادامه این روند نزولی، می تواند در آینده، کشور را با مشکل رشد منفی جمعیت روبه رو سازد. کاهش تمایل به فرزندآوری بیش از آنکه ناشی از تبلیغات مستمری باشد که مفاد آن کم اهمیت شمرده شدن مادری، تأثیر کاهش جمعیت خانواده در افزایش سطح زندگی و رضامندی از آن، و با اهمیت دانستن اشتغال و فعالیت اجتماعی در مقایسه با فعالیت خانگی است، به مشکلات فرهنگی و ساختاری، از جمله تضعیف سیستم های حمایتی در خانواده، تغییر فرهنگ اقتصادی و پیچیده شدن فرایند تربیت باز می گردد. خانواده های امروز مشاهده می کنند که بسیاری از نگرانی هایشان درباره آینده فرزندان (از نظر اقتصادی، اخلاقی و...) تحقق می یابد، و نه فضای عمومی جامعه برای پرورش درست نسل آینده مناسب است و نه نهادهای جایگزین خانواده نقش خود را به خوبی ایفا می کنند.

حمایت و مراقبت، از کارکردهای مهم خانواده است که شامل حمایت اقتصادی از اطفال، سالمندان و زنان، مراقبت از کودکان و سالمندان، و حمایت از اعضای خانواده در برابر خطر ها و مشکلات می شود. در گذشته، تفکیک نقش ها میان زن و مرد، زن را مسئول مراقبت از کودکان و مرد را مسئول حمایت اقتصادی

خانواده می ساخت، و سیستم خانواده گسترده، شبکه حمایتی از افراد آسیب دیده یا در معرض آسیب در برابر خطر هایی چون طلاق، فوت همسر و والدین، غیبت سرپرست خانواده یا ورشکستگی وی بود. امروزه سیستم های حمایتی دولتی که بیشتر فردمحور بوده اند تا خانواده گرا، گرچه در کاهش همبستگی خانوادگی تأثیر داشته اند، نتوانسته اند تمام دغدغه ها را برطرف سازند و به منزله جایگزینی مطمئن عمل کنند.

دگرگونی های فرهنگی در دهه های اخیر نیز در کاهش همبستگی خانوادگی و بی توجهی به ارزش های گروهی مؤثر افتاده اند. اگر در گذشته نه چندان دور، تأکید بیش از حد بر رعایت سلسله مراتب، کم توجهی به حقوق فردی و تأکید بیش از حد بر ارزش های گروهی می توانست به احساس نا امنی زوج های جوان به ویژه زنان، ضعف خودباوری و ابتکار در افراد و دخالت های ناروا و آزار دهنده بیانجامد، امروزه همدلی و یاری که مه مترین دغدغه خانواده سنتی بود تا حدودی رنگ باخته است. در نتیجه، با آن که به نظر می رسد درآمد خانواده ها در مقایسه با گذشته افزایش یافته است، در مواقع اضطراری، حمایت های عاطفی و مالی کمتری از عضو در معرض آسیب یا آسیب دیده صورت می گیرد.

نگرانی زنان جوان از ضعف حمایت ها در هنگام پیری یا بروز مشکلات، تمایل به حضور در صحنه اشتغال رسمی را افزایش می دهد. از سوی دیگر خانواده احساس می کند نمی تواند نیاز جنسی و نیاز به اشتغال جوانان را با حمایت از ازدواج و اشتغال به موقع آنان پاسخ دهد، و تصور مشکلات حمایت از فرزندان کافی است تا، تمایل به فرزندآوری را در خانواده ها کم کند.

خانواده گسترده نیز که در گذشته به ویژه در اوایل تشکیل خانواده و در هنگام بروز مشکلات، نقش امداد رسانی داشت، امروزه به دلیل ضعف ارتباطات و کاهش همبستگی، قادر به ورود ثمربخش در زندگی آنان نیست.

ایجاد آرامش روانی، کارکرد دیگر خانواده محسوب می شود که در معرض ضعف قرار گرفته است. از متون اسلامی بر می آید که زن، در ایجاد آرامش روانی در خانواده نقش ویژه ای ایفا می کند؛ مشروط بر آن که در ایفای چنین نقشی هم از عزت مندی و جایگاه مناسب برخوردار باشد، هم اهمیت نقش خود را باور کند و هم مهارت برقراری این ارتباط سازنده را دارا باشد. امروزه نیز به دلیل آشفتگی نقش ها نه چنین انتظاری از زن تأکید می شود و نه زنان چنان که شایسته است، توان خود را در ایفای این مسئولیت ارزشمند به کار می بندند.

کم شدن ارتباطات کلامی در خانواده ها که متأثر از حاکمیت بلامنازع رسانه های تصویری، تغییر الگوی ارتباطی در خانواده، چند شغله بودن سرپرست خانواده و فشار دوچندان ناشی از جمع میان کار خانگی و اشتغال رسمی است، زن و مرد را در برقراری ارتباط سازنده ناتوان کرده است؛ افزون بر این، ضعف های

مهارتی، در کنار تغییر سطح مطالبات زوج از یکدیگر، زمینه همسازی را کاهش داده است. امروزه میزان رضا مندی از زندگی زناشویی بسیار کمتر از حد انتظار است.

جامعه پذیری را از مهم ترین کارکردهای خانواده برشمرده اند. افراد در این فرایند، نگرش ها، ارزش ها و کنش های مناسب را به منزله عضوی از یک فرهنگ خاص می آموزند، و در می یابند چگونه به منزله عضوی از جامعه، نقشی فعال و تأثیرگذار ایفا کنند. تحقق جامعه پذیری مطلوب، در گرو پرورش روحی و شخصیتی مناسب و برخورداری از مهارت های ارتباطی و مهارت رویارویی با مشکلات و بحران هاست. امروزه، خانواده ها غالباً از پرورش فرزندان که دارای صلابت شخصیت باشند، عاجزند و فرزندان نمی توانند در برابر حوادث اجتماعی، واکنش مناسب نشان دهند و کیان خود را حفظ کنند. جوانان بسیاری هستند که با وجود برخورداری از وجدان های پاک، به دلیل آنکه به شکل خودرو و بدون هدایت مناسب بار آمده اند، در برابر مشکلات به سرعت خود را می بازند. شاید بتوان فرزندان سالاری و ضعف نظارت را، در این قبیل خانواده ها، از عواملی دانست که مانع شکل گیری شخصیت فعال فرزند می شود؛ چنان که می توان ناکارآمدی نهادهای رسمی تربیتی، از جمله آموزش و پرورش در سازندگی شخصیت نوجوانان و ناهماهنگی ارزش های مسلط اجتماعی با ارزش های خانوادگی را که به دشواری تربیت و کاهش تأثیرگذاری خانواده ها می انجامد، از دیگر عوامل برشمرد.

نقش کنترلی و نظارتی خانواده نیز که غالباً والدین آن را اعمال می کنند، به ورطه افول افتاده است. وجود سلسله مراتب و اقتدار در خانواده از ابزارهای لازم برای ایفای نقش نظارتی است که متأسفانه در دهه های اخیر آماج هجوم اندیشه های سست بنیاد قرار گرفته است. نفی سرپرستی پدر و حرکت به سمت الگوی خانواده افقی که تمام اعضا را در یک سطح قرار می دهد، امکان و انگیزه نظارت را از والدین سلب می کند و شخصیت والدین را در ایفای نقش مسئولانه تضعیف می نماید. تحقیر جایگاه والدین می تواند توانمندی آنان را تحت تأثیر قرار دهد و حتی آنان را به سمت موضع گیری های سخیف سوق دهد که می توان آن را در قالب های مختلفی از کودک آزاری و همسرآزاری تا بی قیدی و بی مبالاتی مشاهده کرد. جالب این است که

کشورهای غربی، با وجود اهتمام به کم کردن خشونت های خانگی، چون اقتدار را عامل خشونت معرفی و آن را در فرهنگ خود کمرنگ می کنند، از مهار خشونت های خانگی عاجزند. تنها در صورتی می توان برای آینده خانواده افقی روشن را انتظار داشت که بتوان مسئولیت اخلاقی، اقتدار و مهارت های زندگی را در سرپرست خانواده گرد آورد؛ زمینه های حضور ثمربخش پدر و مادر را در خانه افزایش داد؛ و نظام آموزشی را در خدمت پیوند و همبستگی خانوادگی، و نه عاملی برای بیگانه کردن فرزندان از والدین، قرار داد.

پرورش معنوی و دینی نیز از مهم ترین کارکردهای خانواده است؛ هرچند در ادبیات علوم اجتماعی از آن نامی به میان نمی آید؛ شاید به این دلیل که علم جامعه شناسی، صرفاً به عملکرد اجتماعی خانواده می

پردازد و پرورش معنوی را صرفاً در محدودۀ جامعه پذیری تحلیل می کند، و علم روان شناسی نیز حیات معنوی را صرفاً از دریچۀ آثار روانی آن می شناسد؛ و شاید هم به این دلیل که اصولاً علوم انسانی مدرن، نه خواسته و نه توانسته اند واقعیت دین را آن گونه که هست، بشناسند. به هر روی، پرورش کودک به گونه ای که با خداوند انس گیرد؛ تدبیر الهی را بر هوای خویش مقدم کند؛ واجبات و محرمات را پاس دارد؛ نهال اخلاص را در درون خویش پرورش دهد؛ و دنیا را به منزله کشتزار آخرت بنگرد، مصادیقی از پرورش معنوی است.

با تأسف باید اذعان کرد که کارکرد معنوی و دینی خانواده نیز دچار افول شده و تمایل به ارزش هایی چون رعایت احکام شرعی و آشنایی با معارف و حیانی و اسوه های اخلاقی و معنوی، جای خود را به ترغیب فرزندان به رقابت بر سر عناوین دنیایی و افزون طلبی و مصرف گرایی داده است، و گونه ای بی توجهی والدین به امور معنوی را می توان مشاهده کرد. به نظر می رسد فرهنگ توسعه که دنیاگرایی را کانون توجه و اهتمام قرار می دهد، در این معضل بی تأثیر نیست.

کارآمدی خانواده

روش های کلی کارآمدی خانواده بر چند اصل استوار هستند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- سفارش به انتخاب همسری شایسته

گام نخست در افزایش کارایی هر مجموعه، برگزیدن افرادی است که شایستگی ایفای چنین مسئولیتی را داشته باشند و خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: زن را به خاطر مال، جمال، جایگاه خانوادگی و یا دین به ازدواج در می آورند اما تو در پی زن دیندار باش. هر کسی زنی را به خاطر دارایی اش تزویج کند، خداوند او را به خود وا می گذارد، و کسی که زنی را به خاطر زیبایی اش تزویج کند، در وی چیزی مشاهده خواهد کرد که ناپسندش دارد، و هر که زنی را به خاطر دینداریش تزویج کند، خداوند آنها را نیز برایش گرد می آورد.

۲- تمایل به توانمند سازی خانواده و حل مشکلات درون خانواده

به نظر می رسد دین می کوشد تا به گونه ای زمینه سازی کند که به جای وابستگی به اعانه های مردمی و دولتی، خانواده در حد امکان، خود در حل مشکلات داخلی توانمند شود. باید سازو کارهای حمایتی خانواده، حتی امکان به سمت تقویت خانواده، در انجام وظایف خود جهت گیری شوند. فقر در نظام ارزشی ای که بر حاکمیت توجه به دنیا استوار است، ورفاه مادی، در آن غایت توسعه اجتماعی به شمار می آید، تحقیر را به همراه دارد و آسیب زا است.

سیاست دین آن است که خانواده را به تکاپوی اقتصادی سوق دهد و سرپرست خانواده را به تولید ثروت و کنترل سبد هزینه ها به ویژه توسط زن، دعوت کند؛ ضمن آن که فرهنگ اجتماعی را با محور قرار دادن زهد و قناعت به گونه ای جهت دهد که بینوایی به احساس فقر نیانجامد.

۳- تقویت جایگاه والدین و انجام مسئولیت:

هرکسی باید در خانواده نقش خود را پذیرفته و به درستی انجام دهد. در این خصوص، در بخش ۴ توضیحات بیشتری ارائه داده می شود.

۴- توجه به نیازها و تمایلات اهل خانه

به این نکته به ویژه درباره سرپرست خانواده که به دلیل برخورداری از اقتدار، بیشتر در معرض آفت خود محوری قرار دارد.

توصیه های بسیاری که در اصلاح روابط جنسی زن و شوهر در قالب نفی ریاضت جنسی، رعایت آداب آمیزش به ویژه توجه به ویژگی های طبیعی هر یک از دو جنس در برقراری ارتباط وارد شده است، در کنار توجه به رفتار عفیفانه در ارتباط با نامحرم، پرهیز از خودآرایی و خود نمایی زنان نزد بیگانگان و لزوم غیرت ورزی مردان در حفظ حریم خانوادگی، از نکاتی است که اهتمام دین را به کارآمدی خانواده نشان می دهد.

بخش ۵- نقش اعضاء خانواده

خانواده واحدی یک پارچه است، و برای رسیدن به کارکردهای آن، زن و مرد هر دو نقش دارند. در این صورت افزون بر آنکه از نظر وجود شناسی، زن و مرد مکمل یکدیگرند، نقش هایی نیز که در خانواده به عهده می گیرند، می بایست کامل کننده هم باشند. هدف از این نقش های مکمل سازمان دهی خانواده است. با توجه به این نکته، در این مقام به یک اصل موضوعی نیازمندیم و آن اعتقاد به معقولیت خانواده طبیعی و هدفمندی آن است. اعتقاد به ضرورت و دوام خانواده طبیعی، به ضرورت بقای نقش های متمایز می انجامد. ایجاد تقارن و هم عرضی در ایفای نقش ها به وحدت و دوام این خانواده زیان خواهد رساند؛ همان گونه که نظریه های برابری خواه در بهترین وضعیت، که بر اثر از میان بردن نقش های متمایز پدید آورده اند، باعث پیدایش چرخه ازدواج، طلاق، ازدواج مجدد شده اند.

اما به طور کلی باید گفت که هر کس باید به نقش های محوله خود در خانواده عمل کند تا خانواده دچار تضعیف و انحلال نگردد. تنها با انجام این وظایف متقابل است که کانون خانواده همواره گرم و سالم خواهد ماند.

دین اسلام ریاست منزل را بر عهده مرد گذاشته است و مرد است که حق قیومیت و سرپرستی زن را بر عهده دارد. به عبارت دیگر، در واقع اداره امور و تدبیر در منزل از نظر مادی و معنوی بر عهده مرد است. این وظیفه سنگین تنها با حکومت بر دل میسر است (به دست آوردن دل دیگر اعضای خانواده و اطاعت آنان از روی دوست داشتن مرد) و تسلط بر جسم، به تنهایی مؤثر نمی افتد؛ زیرا زور گویی و رفتار قهرآمیز پایدار نیست.

وظایف خانه داری، همسر داری و تربیت فرزندان به عاطفه قوی نیاز دارد و از مسئولیت ها و وظایف سنگین است. این وظایف بر اساس فطرت و آفرینش زن وضع شده اند و کاملاً با استعداد و توانایی او متناسب است.

مرد وجودی تعقلی دارد که برای کارهای سنگین در اجتماع مناسب است و می تواند با تلاش و زحمت در اجتماع، تن و جسم خود را در تند باد حوادث قرار داده و وظیفه نان آوری و تأمین معاش خانواده را به دوش کشد که این خارج از توان وجود عاطفی زن است. بلعکس مرد نیز نمی تواند وظایف زن را بر عهده بگیرد.

بر فرزندان نیز واجب است که والدین خود را آزار ندهند و به آنها احترام بگذارند. پیروی از دستورات آنان (چنانچه در چارچوب امور دینی) باشد بر فرزندان واجب است. دین اسلام توصیه های مؤکدی در این خصوص به فرزندان می نماید.

جایابی نقش ها

دگرگونی نقش ها، که یکی از محورهای اصلی آن به هم ریختگی نقش هاست، مطلوب شریعت نیست، و بر این اساس، حفظ مرزهای جنسیتی ای از این قبیل در شریعت توصیه شده است.

این روایت، و روایات مشابه آن، از تشبه مردان و زنان به یکدیگر سخن گفته اند. جایابی نقش ها خود می تواند سبب ایجاد و استمرار بحران در هویت های مردانه و زنانه شود. دلیل این امر نیز روشن است؛ زیرا اگر بین جنس و نقش رابطه طبیعی و تکوینی برقرار باشد، ایفای نقش مردانه برای زنان، و همچنین عکس این حالت، موجب می شود که آنان در خلاف جهت امیال طبیعی خود حرکت کنند، و این نیز بر خودپنداره آنها به منزله یک جنس اثرگذار است. این بحران، دامن گیر اخلاق و روابط جنسی نیز می شود.

جدا ساختن مواردی چند، گفتنی است هدف از تأکید بر کلمه نان آوری از بحث تمایز نقش هاست.

مورد اول: اشتغال، خود، نقشی صرفاً مردانه نیست. در برخی روایات، رسول خدا فرموده اند: طلب حلال بر مرد و زن مسلمان واجب است.

البته این روایت بر طلب حلال تأکید دارد؛ به این معنا که مرد و زن مسلمان در صورت کسب، می باید در پی روزی حلال باشند. لیکن این روایت تلویحاً اشتغال زنان را مجاز می شمارد.

هم اکنون یکی از معضلات خانواده عدم حضور کافی مردان در خانواده است. دسته ای از این مردان نیز به دلیل تلاش حریصانه اقتصادی خود نقش ضعیف تری در خانواده دارند. در این وضعیت، اشتغال زنان براساس حرص بر مال دنیا به محرومیت خانواده از حضور مادران خواهد انجامید که زیان های جبران ناپذیری بر خانواده وارد خواهد آورد.

مورد دوم: در مواردی اشتغال برای زنان کاملاً رواست؛ از جمله برای زنی که نیازمند است و کسی مخارج او را تأمین نمی کند. بنابراین زنان فاقد سرپرست یا زنانی که سرپرست آنها از اداره مالی و انجام امور اجتماعی آنان ناتوان است خود می توانند نقش نان آوری را بر عهده گیرند.

تعارض نقش ها

باید خاطر نشان کنیم که بهتر است هر کس به نقش خود، به عنوان زن یا مرد پردازد تا مانع از بروز تعارض نقش در زوجین شود. این تعارض ها می تواند باعث بروز بحران هویت جنسی، بحران ایفای نقش والد گری و تضاد و رقابت نقش ها و فشار بر همسران شود.

بحران هویت جنسی: بخش مهمی از هویت، زاینده نقش است که فرد بر عهده می گیرد. برداشت و شناختی که زن یا مرد از خود خواهند داشت با انتظار دیگران از آنان به منزله زن یا مرد ارتباط تنگاتنگ دارد. اگر فرد متناسب با انتظارات فرهنگی از نقش جنسیتی او رفتار کند، خود پنداره های صحیح روان شناختی، پدید می آید. اگر مقبولیت اجتماعی نیز به این وضعیت ضمیمه شود، به این معنا که رفتار فرد در راستای زنانگی یا مردانگی به رسمیت شناخته و ارزشمند تلقی شود، ایفای نقش با موفقیت کامل صورت می گیرد. لیکن در صورتی که وضعیت فرهنگی و نظام برنامه ریزی اجتماعی از شخص بخواهد که در غیر مسیر نقش های جنسیتی حرکت کند فرد دچار بحران هویت می شود.

بحران نقش والد گری: ایفای دو نقش برای زنان، افزون بر زیان های فراوان برای خود آنان، به گونه ای مؤثر، برای فرزندان آنان نیز پیامد های دراز دامنی دارد. حضور مادر در دو نقش که یکی به تنظیم انتظارات جامعه از کودک می پردازد و دیگری به انتظارات درونی و خانوادگی، مستلزم دو نوع تدبیر است. مادر در این وضعیت، از یک سوی، باید به فکر پردازش شخصیت و تمایلات و انگیزه های کودک باشد که خود مستلزم چشم انداز زمانی طولانی مدتی است. ایفای دو نقش در آن واحد، که از مادر انتظار می رود، او را با تناقض روبه رو می سازد. از نظر برخی جامعه شناسان کنترل کودک در زمینه هر دو انتظار از سوی یک نفر به اعمال سلطه می انجامد. در مجموع اگرچه لازم است سهم هر یک از والدین در نظام اقتدار روشن باشد، نمی باید این سهم ها در عرض یکدیگر یا به صورتی کاملاً یک طرفه اعمال شوند. به نظر می رسد مجموعه قوانین مدیریتی اسلام، مانند قوامیت، ولایت، حضانت، مدیریت امور خانه و نه خانواده، و حتی لزوم تربیت که خود مستلزم نظارت و اقتدار است، ناظر به این نوع خاص از تقسیم اقتدار و نظارت سلسله مراتبی باشد.

تضاد و رقابت نقش ها و فشار بر همسران: زمانی که برخی از این نقش ها خاستگاهی طبیعی دارند، بسیار رخ می دهد که افراد برای ایفای نقش های متضاد و رقیب متحمل فشار روانی شوند؛ زیرا هر نقشی برای خود تقاضای مشخصی دارد که گاه موقعیت را برای رسیدن به رضایت خاطر و ایفای صحیح نقش ها پیچیده می سازد یا از بین می برد. این خود می تواند به یک مشکل در زندگی زناشویی بدل شود.

فصل سوم: تعالی خانواده

بخش ۱- اصول و مبانی الگوی اسلامی-ایرانی خانواده

۱- قواعد و اصول حاکم بر خانواده

ساختار خانواده در این نگاه مبتنی بر سلسله مراتب طولی، و مرد عهده دار سرپرستی خانواده است. نه این ساختار در بستر زمان بدیل پذیر است و نه سرپرست خانواده می تواند مسئولیت خود را واگذارد یا در قبال آن تسامح ورزد. مهم ترین ابزار مدیریت خانواده، سخاوت، غیرت و گذشت است و اقتدار، پیش نیاز اعمال سرپرستی است. تأکید کرده اند که بیش از هر چیز از روش های تربیتی و فرهنگی کنترل کننده بهره گرفته شود چنان که برای مقابله با خشونت های خانوادگی، دو طرف به حسن خلق و مدارا، صبر و مهار خشم فرا خوانده شده اند. یا به این موضوع توجه شده است که نباید با ایجاد فشار روانی و عدم تمکین در برابر موقعیت و جایگاه طرف مقابل و سهل انگاری در انجام مسئولیت ها، زمینه های خشونت با خویش را فراهم ساخت. کم کردن زمینه های بدبینی، تعدیل انتظارات از یکدیگر، تقبیح خشونت و سفارش به مهار آن نیز از دیگر روش های تربیتی اسلامی است.. از مجموع نکاتی که درباره خشونت و طلاق در منابع روایی آمده است، می توان نتیجه گرفت که اسلام ساز و کار فشار روانی اجتماعی بر فرد خطاکار را یکی از شیوه های کارآمد مهار دانسته است، به گونه ای که شخص در صورت اقدام به روش های جاهلانه، خود را در برابر افکار عمومی تحقیر شده می بیند و برخی موقعیت های خود را از دست می دهد.

از آنجا که ازدواج کردن از نگاه اسلام، آمیزه ای از تعهد و اختیار آزاد است که پس از تشکیل خانواده بعد متعهدانه آن تقویت می شود، عمل طلاق که بدون وجود انگیزه ای موجه، فرار از تعهد و عملی هوس آمیز تلقی و سبب بروز مشکلاتی برای همسر و فرزندان می گردد، عملی مغبوض به شمار می آید. سیاست های دینی معطوف به تقویت روش های پیشگیری از طلاق اند؛ مانند پیشنهاد انتخاب داوران خانوادگی یا ایجاد شرایطی سنگین برای کسانی که به اندک بهانه ای اقدام به طلاق می کنند یا زمینه هایی را فراهم می سازند که طرف مقابل، متمایل به طلاق شود. چنان که تسامح و مدارا، کم کردن توقعات، صبر، گذشت، هدیه دادن به یکدیگر، سخنان نیکو و نگاه های مهرآمیز از زمینه های افزایش استحکام خانواده برشمرده شده است.

آموزش حقوق نیز به استحکام و کارآمدی خانواده کمک می کند. روش آموزش در ادبیات دینی، برخلاف گفتمان مدرن، بر آموزش حقوق متقابل که به آموزش مسئولیت ها و تکالیف نیز از آن یاد می شود و بر تلطیف حقوق به کمک اخلاق تکیه دارد، استوار است؛ به این معنا که به مرد حقوق زن آموزش داده شود و به زن حقوق

مرد؛ یا آنگاه که به مرد حقوق زوج و به زن، حقوق زوجه آموزش داده می شود، با سفارش های اخلاقی از میل سوء استفاده از حقوق کاسته می شود.

بنا بر متون دینی، انتظار آن است که خانواده، مشکلات داخلی را تا حد امکان بر پایه توانمندی های خود حل کند. بنابر این نباید سیاست ها به سمت وابستگی خانواده به کمک های بیرونی جهت یابد؛ البته آن گاه که خانواده در حل مشکلات خود ناتوان بنماید، مسئولیت حمایت و کمک بر عهده دیگران از جمله نهادهای قرار خواهد گرفت و لازم است همواره حس تعاون و یاری در جامعه اسلامی جریان داشته باشد.

تقویت پیوند های خانوادگی بسیار مهم و قطع پیوند ها گناهی بزرگ شناخته شده است. تقویت حمایت ها و مراقبت ها و در نتیجه، کاهش ترس از مشکلات ناشی از طلاق، مرگ همسر و از کارافتادگی، افزایش بعد نظارتی و هدایتی، افزایش روحیه تعاون اجتماعی و نشاط، از آثار تقویت پیوند های خانوادگی است. در این میان بر نقش پدر و مادر و تقویت جایگاه آن تأکید ویژه ای شده است؛ تا آنجا که رضای خداوند به رضای آن پیوند خورده است.

آموزه های دینی، توجه به نیاز ها و تمایلات اهل خانه را از مسئولیت های سرپرست می دانند و افزون بر تشویق فرزند آوری، پرورش درست جسمی و روحی آنان را نیز کانون توجه قرار می دهند. انتخاب نام های نیکو، ترحم به کودکان، آزاد گذاشتن نسبی آنان تا ۷ سالگی، تحت آموزش درآوردن آنان تا چهارده سالگی و همکار قرار دادن آنان در فعالیت ها و تصمیم ها تا ۲۱ سالگی، از مراحل تربیتی توصیه شده است.

تربیت جنسی فرزندان حول محوریت عفاف و تقوا، کم کردن زمینه های تحریک جنسی آنان، از جمله با جداسازی بستر آنان از ده سالگی و پرهیز والدین از ارتباط جنسی در کنار فرزندان نیز اهمیت بسزایی دارد. مهارت آموزی و سوادآموزی و آشنا سازی فرزندان با قرآن مجید و احادیث اهل بیت، آنان را در زمینه های شخصی و اجتماعی توانمند می سازد.

۲- حقوق و تکالیف اعضاء خانواده:

شناخت حقوق

حقوق جمع حق است که از جمله معانی آن: ضد باطل، امر حتمی، عدل، مال، ملک و موجود ثابت می باشد.^{۱۵} در بسیاری مواقع، نشناختن حق و وظیفه، ریشه عدم انجام وظیفه است و این تقصیر به آن جهل باز می گردد و اگر آگاهی از وظیفه وجود داشته باشد، تا حدی جلوی کوتاهی ها و تخلفات گرفته می شود.

^{۱۵} محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۳۶۳.

پس در یک مجموعه که از آحاد تشکیل می شود و هر کدام از افراد، وظایفی بر دوش دارند، گام نخست آن است که وظیفه را بشناسند، سپس به آن عمل کنند. بروز اختلال در امور، گاهی ریشه در مشخص نبودن حد و حریم تکالیف و وظایف اشخاص و هر کس کار را به دیگری محول می کند، یا انتظار انجام کارهایی را از دیگران دارد که شرعا و قانونا بر عهده آنان نیست و توقع آنها نابجا و غیر منطقی است. لازم است اشخاص، هم حق را بشناسند و هم محدوده وظایف خویش را در قبال آن را بشناسند.

حقوق و تکالیف مشترک

در یک خانواده، دو طرفی که زندگی مشترک دارند، حقوق متقابل نیز دارند. وقتی زن و شوهر، همچنین اولیا و فرزندان هر کدام وظیفه ای نسبت به طرف مقابل دارند، اگر آن را بشناسند و به آن عمل کنند، علی القاعده نباید در خانه مشکل و اختلافی پدید آید.

در سامان یافتن مساله حقوق و وظایف در خانواده سه مرحله وجود دارد:

اول: شناخت این حقوق و وظایف

دوم: عمل به آن وظیفه و تکلیف

سوم: مراعات دو جانبه این حقوق

اگر این سه با هم در رفتار و معاشرت خانوادگی وجود داشته باشد، کار به بروز مشاجره و دعوا و شکایت و دادگاه و زندان و جدایی و... کشیده نمی شود و محلی برای نزاع نخواهد بود.

باید هم زن در برابر شوهرش مطیع، صبور، متحمل، قدردان و وفادار باشد، هم شوهر نسبت به همسرش بردبار، نیکوکار، قدر شناس، احترام گذار و تأمین کننده نیازهای معیشتی و آسایش باشد.

اگر صبوری و قناعت و پرهیز از پرخاش و بددهنی و بی احترامی خوب است، باید از هر دو سو باشد، نه آنکه یکی به خود حق بدهد هر چه خواست بگوید و هر چه خواست انجام دهد، ولی از طرف مقابل انتظار داشته باشد که جز تسلیم و سکوت و تحمل و ادب، برخوردی نداشته باشد و در مقابل هتاکي ها و بی حرمتی های او حتی پاسخی معمولی هم ندهد! نکته مهم، پذیرش در سویه این حقوق و مراعات آنها از دو طرف است. این حقوق، در کتاب های تربیتی و اخلاقی و حدیثی فراوان و متعدد است.

بر عهده مرد است که لوازم زندگی و خوراک و پوشاک و مسکن را تهیه کند (تأمین نیازهای مادی)، در حد توان بر خانواده اش وسعت و گشایش دهد.

مرد باید احترام زن را نگه دارد و از آزار و ضرب و شتم او بپرهیزد، خود را برای همسرش آراسته و مرتب سازد، بخشی از وقت خود را صرف رسیدگی به کارهای خانه و انس با خانواده کند، با مدارا و خوش زبانی برخورد کند و... طبیعی است که اگر زن و شوهر، هر دو به این وظایف عمل کنند، خانه و خانواده ای خواهند داشت.

محبت برای انسان غذای روح است و فراهم آوردن محیطی با صفا، آرام، گرم و با محبت (تأمین نیاز عاطفی) که زمینه رشد اخلاقی و تعالی فرهنگی خود و فرزندان‌شان نیز فراهم خواهد کرد، از وظایف والدین نسبت به یکدیگر و فرزند خود است.

تأمین نیازهای جنسی نیز وظیفه دیگری است که هم زن و هم مرد باید نسبت به تأمین یکدیگر بی توجهی نکنند زیرا از منظر اسلام بی توجهی به این مسئله دارای گناه بسیاری است.

تأمین نیازهای معنوی وظیفه متقابل دیگری است که زوجین باید نسبت به فراهم کردن شرایط آن برای یکدیگر بکوشند. بعد معنوی انسان نیاز به غذا دارد و اگر این تغذیه فراهم نشود (طبق مطالعات بسیار) انسان دچار مشکلات روحی و روانی خواهد شد. نماز، روزه، دعا، بیداری در دل شب و دعا و مناجات با خدا و خواندن قرآن، از جمله غذاهای روح هستند.

از سوی دیگر آن حضرت فرموده است: زن هرگز حق خدا را ادا نمی کند مگر آنکه حق همسرش را ادا کرده باشد. یعنی حق گزاری نسبت به خداوند نیز وابسته به رعایت حقوق شوهر است و اگر در این زمینه قصور و خلاف باشد، نمازها و عبادت‌ها و حقوق الهی هم چندان ارزش و اعتباری ندارد.

اگر همسران پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به سفارش قرآن کریم، به زندگی با قناعت و زاهدانه آن حضرت می ساختند، آن حضرت نیز در کارهای خانه کمک می کرد، از هر چه می خوردند می خورد و هرگز از هیچ غذایی بد نمی گفت. این است مفهوم عدل و انصاف در زندگی مشترک و خانوادگی. مراعات دو جانبه نسبت به حقوق متقابل زن و شوهر، رمز دوام و استحکام بنیان خانواده و تقویت انس و الفت در میان همسران است.

از یک دیدگاه حقوق زن و شوهر را می توان به دو دسته، حقوق و وجایب مالی زوجین و حقوق و وجایب غیر مالی زوجین تقسیم بندی نمود. دسته اول: مهریه، نفقه، اجرت المثل، متعه برای مطلقه، تنصیف دارایی که به صورت شرط ضمن عقد به امضای زوج می رسد و نیز بخشش اجباری، در ردیف حقوق مالی زوج قرار می گیرد. از حقوق مالی بین زن و شوهر، به روابط مالی نیز یاد می شود و حقوق دانان، روابط بین زوجین را به مالی و غیر مالی تقسیم می کنند. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که در روابط بین زن و شوهر، حقوق مالی غالباً از آن زن است و حقوق غیرمالی غالباً به شوهر تعلق دارد و به جز ارث مرد بر همسر خود، حق مالی دیگری ندارد.

البته مردان نیز دارای حقوقی می باشند به عنوان مثال می توان گفت حقوق خاص شوهر شامل: ۱- زن بدون اجازه شوهر (مگر در موارد خاص) از منزل خارج نشود ۲- برای نذر کردن از شوهر اجازه بگیرد ۳- تعیین محل سکونت با مرد است که توضیحاتی در خصوص آن ارائه خواهیم داد.

و دسته دوم که جنبه غیر مالی دارد شامل مباحثی همانند حسن معاشرت بین زوجین و تلاش آنان در تحکیم بنیان های خانواده بر پایه هم اندیشی و همکاری متقابل و مساوی و تکلیف آنان در قبال تربیت فرزندان می باشد.

حقوق و مسئولیت های مالی زوجین در خانواده

■ مهریه

مهریه نوعی حق شخصی است که به محض وقوع عقد، زن مالک آن می شود و عندالمطالبه است و در رأس بدهی های مرد قرار می گیرد. مهریه پس از مرگ زن به وراث او می رسد. مهریه نوعی هدیه از سوی مرد به زن است. امروزه روان شناسان دادن بدان باورند که هدیه از سوی مرد به زن، در ایجاد انرژی عاطفی و تقویت عشق و بسیار مفید و مؤثر می باشد.

اقسام مهریه

- (۱) مهر المسمی: مهریه ای است که در زمان عقد با توافق طرفین انجام می شود.
- (۲) مهر المثل: هرگاه در زمان عقد مهر المسمی تعیین نشده باشد، و بعدها با توافق هم یا با توافق دادگاه مهر المسمی تعیین شود به آن مهر المثل می گویند.
- (۳) مهر المتعه: مهری که مرد به زن بر اساس وضعیت فقر و غنای خود می دهد.

در مورد مهریه ذکر موارد زیر الزامی است:

۱. اگر مهریه، مال غیر منقول مانند خانه، آپارتمان، زمین و باغ باشد، افزون بر تنظیم سند ازدواج و ثبت در دفتر ازدواج، باید مفاد سند نیز در دفتر معاملات ثبت شود.
۲. اگر مهریه از نوع خانه و زمین باشد، منافع مال متعلق به زن است؛ یعنی از نظر قانونی، اگر مثلاً خانه در اجاره است، زن می تواند کرایه آن را دریافت کند.
۳. چنانچه مهریه منقول باشد، مشخصات آن باید در سند ازدواج درج گردد.
۴. مهریه باید مالیت (قابلیت اندازه گیری به مال) داشته باشد و نباید دارای ابهام باشد مثلاً بال مگس و ... زیرا قابل ارزیابی به مال نیست. همچنین نمی توان یک دانگ خانه نامعلوم را مهریه قرار داد، بلکه باید مشخصات کامل آن نوشته شود.
۵. مهریه باید متعلق به شوهر بوده یا مالک از آن رضایت داشته باشد.
۶. مرد باید قصد پرداخت مهریه را داشته باشد.
۷. طبق قانون اگر برای مهریه زمان تعیین شود، در این صورت تا رسیدن زمان مقرر، زن نمی تواند مهریه را طلب کند؛ مگر این که شوهر فوت کند که در این صورت مهریه حال می شود و از ارث شوهر اول باید مهریه پرداخت شود، سپس ارث افراد دیگر تقسیم می شود.
۸. اگر قبل از عقد و قبل از نزدیکی، طلاق صورت گرفت، زن مستحق نصف مهریه است.

مطالبه حق قانونی زن نباید به عنوان عدم وفاداری او تلقی گردد پس جوانان باید به این نکته توجه کنند که میزان مهریه نباید از حد عرف، عقل و شرع خارج شود و هرچه این هدیه منطقی تر تعیین شود، مشکلات مرتبط با آن نیز کمتر است.

■ نفقه

نفقه عبارت است از نیازمندی های روزمره از قبیل نان، برنج، گوشت، قند و چای، میوه فصلی، لباس، مسکن، فرش و سایر لوازم و ضروریات زندگی و مقدار آن منوط به حال و شأن و شخصیت و موقعیت طرف می باشد و باید مناسب حال و شأن و زمان و مکان واجب النفقه باشد و از حد کفاف او کمتر نباشد.

البته باید توجه داشت که وجوب پرداخت نفقه به زن در کلام فقها مشروط به اطاعت زن در (عمل زناشویی) شده است. ضمناً باید توجه داشت که اگر زن متعلق به یک خانواده ثروتمند باشد و حاضر به ازدواج با این مرد شده، نمی تواند از مردی که توان اقتصادی ضعیف تری دارد زیاده خواهی کند. وظیفه شوهر است که لوازم زندگی را برای زندگی تأمین نماید.

■ متعه

متعه طلاق از حقوقی است که زوجه مطلقه استحقاق آن را پیدا می کند. قرآن می فرماید: «برای زنان مطلقه هدیه مناسبی لازم است» ولی زمانی که زن در علقه زوجیت است، حق مطالبه آن را ندارد.^{۱۶} به عبارت دیگر، متعه (هدیه) یک حق مالی است که ویژه مطلقه است. در استقرار این حق نیز زوجیت سابق اثر دارد. در حقیقت، چون مطلقه مدتی در عقد یک مرد بوده، پس از جدایی از همسر سابق، مستحق می شود. زنی که بدون تعیین مهر به عقد مردی در آید و پیش از آمیزش، از سوی شوهرش مطلقه شود، مستحق متعه طلاق می شود.

■ اختیار تعیین منزل مشترک

زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکنی کند تا از حق نفقه برخوردار گردد. البته این امکان وجود دارد که طرفین هنگام عقد یا بعد از آن، اختیار تعیین منزل را به زن بدهند. قابل توجه است از حق اختیار تعیین محل سکونت مشترک، نباید سوء استفاده شود. محل زندگی مشترک باید متناسب با زندگی و نیازهای خانواده باشد و به قصد اضرار و ایذاء صورت نگیرد. در غیر این صورت، دادگاه تصمیم لازم را در حل اختلاف

^{۱۶} امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۳.

می‌گیرد. شوهر نمی‌تواند زن را وادار کند که با خویشاوندان او در یک محل زندگی کنند مگر اینکه چاره‌ای نباشد و ضرورت مالی یا اخلاقی آن را ایجاب کند.

جهیزیه

جهیزیه ای را که بر حسب عادت و آداب و رسوم به منزل شوهر می‌برند، به منزله انصراف از مالکیت محسوب نمی‌شود و تماماً متعلق به زن است و مرد حق هیچ گونه دخل و تصرف یا تبدیل اثاثیه را ندارد. مرد فقط می‌تواند در حد عرف معمول و رایج از وسایل استفاده بکند، زیرا طبق ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی، استقلال مالی زن به رسمیت شناخته شده و جهیزیه جزو اموال زن است و زن اختیار دارد که با جهیزیه خود هر کاری را که می‌پسندد انجام دهد.

برای اثبات مالکیت زن بر جهیزیه باید:

۱- در زمان عقد، فهرستی را تهیه کنند که به نام "سیاهه جهیزیه" معروف است. به خانواده‌ها توصیه می‌شود این فهرست را به امضای زوج، زوجه، دو نفر از بستگان زوج و دو نفر از بستگان زوجه برسانند و اگر شهود هم دارند به امضای شهود نیز برسانند و همانند سند ازدواج از این سیاهه جهیزیه، مراقبت کنند تا در روز مبدا دچار اختلاف نشوند.

۲- شهادت شهود

۳- مراجعه به عرف

۴- رایحه برگه خرید از سوی زن: اگر زن برگه خرید رایحه بدهد دادگاه می‌تواند با بررسی‌های لازم در مورد استرداد جهیزیه اقدام کند.

زن نباید بدون اجازه شوهر در اموال او تصرف کند

در روایات آمده است که زن نباید بدون اجازه شوهر نذر دهد، صدقه دهد یا چیزی ببخشد. اما زکات واجب، صلۀ رحم و احسان نیاز به اجازه ندارد.

حقوق و مسئولیت‌های غیر مالی زوجین در خانواده

روابط غیر مالی زوجین را از جهتی می‌توان به دو دسته متفاوت تقسیم بندی نمود. ۱- حقوق و تکالیفی که زن و شوهر در برابر یکدیگر دارند. ۲- حقوق و تکالیفی که زن و شوهر هر دو در قبال تحکیم مبانی خانواده و فرزندان به عهده دارند.

حقوق و تکالیف زوجین در قبال یکدیگر را می‌توان در قالب حسن معاشرت و وفاداری، شامل مواردی مثل ارتباط زناشویی شایسته، احترام، مودت، شفقت و مهربانی متقابل، روابط پسندیده با والدین و خویشاوندان

نزدیک هردو جانب و احترام به آنها، دیدار با آنها طبق عرف، دانست. همچنین زوجین هر دو حقوق و تکالیفی در قبال تحکیم مبانی خانواده و فرزندان به عهده دارند.

علاوه بر مسئولیت های مالی (که قبلاً توضیح داده شد)، مسئولیت های غیر مالی زیر نیز در خانواده از اهمیت خاصی برخوردار هستند که به آنها اشاره می کنیم:

♦ خانه داری

در مجموع آنچه در فرهنگ ملل رایج بوده، انجام کارهای منزل به دست زنان است. در تمام دنیا بسیاری از فعالیت های خانگی به دست زنان انجام می شود که بنابر عرف های رایج در مناطق مختلف، از نظر کمی و کیفی متفاوت است.

رویکرد دینی درباره نقش های خانگی زنان نکته های قابل توجهی دارد:

اموری که با عنوان نقش خانگی در منزل انجام می شود، باید به تفکیک بیان شوند. زنان در خانه مادری، همسری و خانه داری می کنند.

خانه داری، در این میان، غالباً بر عهده عرف های رایج نهاده شده است و رویکرد دینی در این باره شفاف نیست. و منحصرأ نقشی زنانه به شمار نمی آید. در روایات پرشماری، خانه داری زنان، در مقام ارزش یابی، هم پایه وظایف مهم و کمرشکن مردان، همچون جهاد در راه خدا، دانسته شده است.

قرار دادن ثواب های بی شمار برای این کار سبب می شود که منزلت و پایگاه نقش خانه داری همواره با اهمیت و بلند باشد.

رابطه نقش و منزلت از جمله مسائلی است که می تواند در شأن اجتماعی نقش ها مؤثر باشد. در شریعت اسلام، مشارکت مردان با زنان در کارهای خانگی یک ارزش مهم اخلاقی، و گرفتن کمک کار و خدمتکار برای زنان در انجام کارهای منزل در مواردی یک واجب فقهی است. بنابراین در رویکرد دینی گر چه مشارکت زنان در تأمین معاش خانواده تشویق نمی شود و بلکه اگر این امر به هدف دنیا پرستی صورت گیرد نکوهیده است، مشارکت مردان در امور خانه و کمک به زن در کارهای خانگی تشویق شده است این امر حتی باعث افزایش مهر و محبت بین زوجین و روحیه ایثار و فداکاری در آنها می شود. در این رویکرد مردان با انگیزه های الهی به سپاس گذاری از همسران خود و مشارکت با آنان در امور داخلی منزل مانند والدگری و انجام امور خانه تشویق می شوند؛ انجام فعالیت های خانگی به دست زنان در گذر تاریخ، دست کم در حد نشانه، می تواند دلیلی بر آمادگی طبیعی زنان برای انجام این امور یا سازگاری محیط خانگی با روحیات آنان باشد.

♦ حضانت و تربیت فرزندان

مراقبت از کودکان نیز در اغلب خانواده ها در خانه صورت می گیرد. زنان وظیفه خطیر مادری و مراقبت از کودک در مسیر رشد جسمی، روانی و عاطفی اوست، بر عهده دارند. بخش چشم گیری از این وظیفه را طبیعت بر عهده مادران نهاده است.

در این میان باید توجه داشت که این سخن به معنای سلب مسئولیت پدران در زمینه والدگری نیست. در همین زمان، پدران نیز موظف به حضانت فرزندان خود هستند. تربیت کودکان در محورهایی چند، از جمله تعلیم آداب و مناسک دینی، بر عهده پدران است.

از سوی دیگر، به لحاظ حقوقی والدین تا زمان بلوغ فرزندان، حضانت آنان را بر عهده دارند. این حکم می تواند حاکی از آن باشد که والدین می باید در تربیت فرزندان آنان را متکی به خویشتن بار آورند تا فرزندان به تدریج بتوانند از کودکی و صباوت و ناپختگی های آن به در آیند. این امر به کم کردن مسئولیت و نگرانی والدین درباره کودکان کمک می کند و از شدت نقش های خانگی آنان می کاهد.

مراقبت یا انجام وظایف مادری پس از تولد کودک نقشی است که از مردان و زنان هر دو خواسته شده است؛ لیکن نوع این مراقبت و گستره آن، یعنی کیفیت و کمیتش، برای زنان و مردان متفاوت است:

۱. توان مغزی مادران در انجام کارهای چند سویه در آن واحد که متناسب با نیازهای ه مزمان طفل در فاصله های زمانی کوتاه است؛

۲. قدرت عاطفی آنان، که به منزله یک قدرت روانی می تواند توان فیزیکی ایشان را برای انجام کارهای گوناگون و غیرزمانمند یک نوزاد کودک شیرخوار و طفلی که در سال های آغازین از قواعد منظم پیروی نمی کند چند برابر کند؛

۳. قدرت تکلم زنان، که می تواند کودک را از طریق سخن گفتن های پیوسته با دنیای بیرونی و تجربه های بزرگ ترها آشنا کند و پاسخگوی پرسش های نامحدود او باشد، و دهها عامل دیگر که تجربه های مادران بهترین شاهد آن است، سبب می شود کودکان در سال های نخست زندگی به طور طبیعی به مادران روی آورند. حتی اگر عوامل محیطی و مسائل فرهنگی که خانه نشینی را یک هنجار در زندگی زنان معرفی کرده اند در این باره مؤثر باشند، باز هم می توان گفت این تفاوت در رفتارهای ناظر به مراقبت در زندگی زنان شاغل نیز به روشنی به چشم می خورد. این امر موجب شده است تناقض میان کارهای اجتماعی زنان و فعالیت های مادرانه حل نشود. تناقض مزبور در نظام های اجتماعی که خانه داری را نقشی کم منزلت، و اشتغال را نقشی ارجمند قلمداد می کنند با تغییر رفتارهای زنانه ناظر به مراقبت و غفلت از جزئیات رفتاری کودکان برطرف شده است. این دگرگونی، خود اثری فاحش بر تربیت و انتقال آداب و فرهنگ به نسل جدید داشته است. در واقع بخش مهمی از نیازهای کودکان برای تبدیل شدن به یک انسان بالغ در این فرض معطل مانده است.

♦ مدیریت خانواده و منع اشتغال زن در موارد خاص

در اسلام، مدیریت زندگی و اداره زندگی بر عهده مردان است. مرد موظف است درباره مسائل مهم زندگی و خانوادگی تصمیم گیری نماید، بی آنکه بخواهد خودکامگی کند و مستبدانه رفتار کند. البته در مواردی شوهر می تواند از اشتغال زن، در موارد خاص ممانعت کند. شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی با مسائل خانوادگی، یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.

◆ تمکین

از آثار نکاح، می توان به تمکین اشاره کرد. هم زوجه و هم زوج تکلیف به تمکین دارند. تمکین دارای دو معنای خاص و عام است که تمکین خاص ناظر به پذیرش برقراری رابطه جنسی در حد متعارف است اما معنای عام تمکین اشاره به حالتی دارد که زن وظایف خود را به طور کلی نسبت به شوهر انجام می دهد و با پذیرش ریاست وی بر خانواده در حدود مقرر در قانون و عرف از وی اطاعت می کند. بنابراین چنین الزامی شامل توقعات نامشروع و غیرمتعارف مرد از همسرش نمی شود و مرد نمی تواند به بهانه هر نافرمانی و عدم اطاعتی زن را مستنکف از تمکین بداند چه بسا بسیاری از مواقع توقعات نامتعارف مرد را می توان از مصادیق سوءرفتار دانست.

◆ حسن معاشرت

در کانون خانواده اخلاق حرف اول را می زند و زمانی که تفاهم جای خود را از دست داد و کشمکش های قانونی به میان آمد بحران در کانون خانواده بالا می گیرد. باید پذیرفت که خانواده عرصه کشمکش برای دستیابی به حقوق نیست بلکه پایگاهی برای تلاش مشترک زوجین است تا همگام با یکدیگر بر اهداف متعالی خانواده جامه عمل پوشانند. برای تحکیم هر چه بیشتر بنیان خانواده قانونگذار به بیان برخی از تکالیف مشترک زوجین پرداخته است از جمله مهمترین این تکالیف، تکلیف حسن معاشرت است منظور از حسن معاشرت: خوشرویی احترام، رفتار مسالمت آمیز، انجام تکالیف زناشویی و رعایت حقوق طرف مقابل است.

ضرب و شتم زوجه از مصادیق بارز سوء معاشرت است. زن نیز مظف به خوش رفتاری با شوهر است و از رفتاری که موجب آزار شوهر می شود، بپرهیزد. قانونگذار برای این تکلیف ضمانت اجرایی را نیز پیش بینی کرده است. زن می تواند با مراجعه به مراجع قضایی از مرد مرتکب سوءمعاشرت شکایت کند و وی را مجبور به حسن معاشرت کند و در صورت غیرقابل تحمل بودن زندگی زناشویی بواسطه سوءمعاشرت مرد، زن حق درخواست طلاق دارد.

◆ وفاداری

هر تشکیلاتی برای بقای خود نیازمند حداقل وفاداری و صمیمیت است. ترک زوج یا زوجه از منزل به منزله فراموشی تعهداتی است که در آغاز ازدواج به یکدیگر سپرده اند. وفاداری زن و شوهر به یکدیگر و تخصیص روابط جنسی به حریم خانواده از مهم ترین عوامل تحکیم خانواده است. بی تردید مقررات جزایی و تعیین مجازات برای روابط جنسی خارج از حریم زوجیت، حاکی از وجود اصل وفاداری زوجین در حقوق جمهوری اسلامی ایران است.

♦ حق همبستری

یکی از حقوق زن بر مرد آن است که مرد با وی ترک همبستری نکند. چنانچه مرد زندگی مشترک یا سایر حقوق زوجیت (مانند همبستری) را ترک نماید و زن دچار سختی شود، حق زن خواهد بود که به دادگاه رجوع نماید.

حقوق فرزند

همسرگزینی، مقدمه تشکیل خانواده است و به مرور زمان و با تولد فرزندان، مسئولیت های جدید نیز از راه می رسد و همسران جوان، خود را در جایگاه و منزلت والدین با انگیزه و علاقه مندی می بینند که مایل هستند آگاهی های لازم را برای این مرحله از زندگی کسب نمایند. شرط لازم برای موفقیت در این مرحله، آگاهی از حقوق فرزند است. به عبارت دیگر معرفت نسبت به وظایفی که در قبال فرزند دارند، موجب احساس مسئولیت در این زمینه می شود. در مرحله دوم، عمل به وظایف و تلاش برای هماهنگ ساختن فعالیت های تربیتی والدین با یکدیگر، سبب تضمین موفقیت آنان می شود. این دو مرحله مکمل یکدیگر هستند و یکی بدون دیگری نمی تواند کارآمد باشد. معرفت فاقد عمل، عقیم است و عمل فاقد معرفت، آسیب زا است. اینک به بررسی وظایف والدین و یا حقوق فرزند می پردازیم.

در نگاه کلی در این قسمت، با دو دسته از وظایف والدین و یا حقوق فرزند آشنا می شویم: ابتدا وظایف والدین قبل از تولد و دوم، وظایف آنان پس از تولد.

الف (وظایف زوجین قبل از تولد

این بخش از وظایف والدین، در مقایسه با سایر مسئولیت ها، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و غالباً در تربیت فرزندان، توجه والدین به مرحله پس از تولد معطوف می شود، در صورتی که اهمیت این مرحله، کمتر از مرحله دوم نیست. مهمترین ملاحظات که در این مرحله باید مورد توجه والدین قرار گیرد شامل مراقبتهای مربوط به انعقاد نطفه و نیز دوران بارداری است. چنانچه زوجین قبل از فرزنددار شدن، شرایط روحی، اخلاقی و معنوی مناسبی را کسب کنند و با استفاده از روزی حلال، مقدمات پاکیزگی روح را فراهم نمایند و در زمان انعقاد نطفه دارای ویژگیهایی نظیر آرامش روانی، طهارت جسمی و روحی، اندیشه ای پاک، انگیزه الهی

داشتنِ فرزندِ صالح، متذکر به یاد و نام خدا و ملتزم به خواندن نماز زفاف باشند، به طور یقین، بخشی از وظایف والدین قبل از تولد تحقق می یابد. پاره ای از تحقیقات بیانگر اهمیت خاص نقش مادر در تکوین روحيات فرزند است. تا زمان انعقاد نطفه، نقش زوجین از حیث تأثیرگذاری بر فرزند، از اهمیتی تقریباً یکسان برخوردار است ولی پس از این مرحله و شروع دوره بارداری، مادر، نقشی تعیین کننده دارد.

در دوران بارداری نیز رعایت مسائل دقیق و متنوعی از جانب مادر، ضرورت دارد. در این دوره که اصطلاحاً «محیط جنینی» نامیده می شود، فرزند، بی دفاع ترین مراحل زندگی را سپری می کند و به همین جهت در آسیب پذیرترین بخش حیات خویش به سر می برد. لذا اهتمام زنان باردار به شناخت ضرورت‌های این مرحله از رشد و عمل به وظایف ویژه خویش، تأثیر به سزایی در سلامت جسمی و روحی نوزاد خواهد داشت. مهمترین مواردی که رعایت آن در دوران بارداری توصیه می شود، عبارتند از :

۱. حمایت عاطفی و پشتیبانی روحی و فکری مرد از زن؛
۲. ایجاد محیطی امن و آرام از حیث فیزیکی و روانی در خانواده؛
۳. مراقبت زن از جهات روحی و روانی از خویشتن و پرهیز از موقعیتهای استرس زا؛
۴. تأمین و ارتقاء روحیه شادکامی زن و پرهیز از موقعیت های غم، اندوه و افسردگی؛
۵. تأمین و ارتقاء روحیه معنوی زن از طریق ارتباط با خدا؛
۶. تأمین و تقویت سلامت جسمی زن از طریق برنامه های متنوع ورزشی، بهداشتی و غذایی مطلوب؛
۷. ابراز علاقه مرد به داشتن فرزند و هماهنگی احساسی و عاطفی با زن در دوران انتظار تولد نوزاد.
۸. بررسی موارد بیانگر آن است که در دوران بارداری، زن مستقیماً عهده دار وظایف خاصی می باشد و نحوه انجام وظایف، بر روحيات جنین اثرگذار است. مرد نیز در این مرحله به طور غیرمستقیم، وظایفی بر عهده دارد که مهمترین آنها، ایجاد محیطی گرم و صمیمی و فضایی سرشار از حمایت و علاقه به زن و فرزند است.

ب) وظایف والدین پس از تولد

همزمان با تولد فرزند، حقوق خاصی به او تعلق می گیرد و والدین هر یک به سهم خود عهده دار تأمین بخشی از این حقوق می شوند. اگر چه در برخی از خانواده ها، نوعی تقسیم وظایف میان والدین به چشم می خورد ولی با این حال، با وجود شرح وظایف هریک از والدین، وجود نوعی همفکری، همبستگی و همکاری میان آنان، موجب سهولت بیشتر و کیفیت برتر کارها و اقدامات تربیتی می شود. گستردگی وظایف والدین با توجه به تغییرات پرشتاب زندگی، امری غیرقابل انتظار نیست ولیکن ضرورت دارد به موازات تنوع و پیچیدگی روز افزون زندگی، شناخت و آگاهی والدین نیز از رشد قابل توجهی برخوردار باشد تا بتوانند با

تسلط یافتن بر زندگی، وظایف خویش را در زمینه های مختلف به ویژه تربیت فرزندان به نحو مطلوبی به انجام رسانند.

اولین مورد **حقوق معنوی** فرزند بر پدر و مادر است که موارد زیر را می توان برشمرد:

۱- **تربیت دینی:** به معنای آشنا نمودن فرزند با احکام اسلام، از اصول و فروع و اخلاق و مفید نمودن او به ظواهر شرع از جمله اهمیت دادن به واجبات و اجتناب از گناهان، خصوصاً گناهان بزرگ است. اگر پدر و مادر در این وظیفه کوتاهی کنند، شریک جرم فرزندانسان هستند.

۲- **تربیت اجتماعی:** والدین موظف هستند فرزند را با آداب و رسوم اجتماعی که عرف معقولانه جامعه آن را می پذیرد، آشنا کنند.

۳- **حق علم آموزی:** آموختن دانش و رشد و شکوفا کردن استعدادهای یادگیری در او.

۴- **حق نام گذاری:** والدین باید نامی نیکو برای فرزند خود انتخاب کنند تا مایه خجالت او نباشد.

دومین مورد **حقوق مادی** فرزند است که موارد زیر را شامل می شود:

۱- **حق ازدواج:** والدین باید زمینه را برای تسهیل و تسریع در ازدواج آنها است. والدین موظفند وقتی فرزندانسان تمایل به ازدواج داشتند آنها را همسر دهند.

۲- **حق تأمین آتیه فرزندان:** پدر بایستی در صورت توانایی، یک زندگی متوسطی را برای پسرش تهیه کند؛ چنانچه راجع به جهیزیه دختر نیز پدر و مادر مسئول هستند.

۳- رشد فضایل و کرامات اخلاقی و معنوی

انسان موجودی معنوی است که در جهانی معنوی زندگی می کند. این معنویت، جنبه خاصی را شامل نمی گردد و کار و خانواده و تمامی زندگی او را در بر می گیرد.

معنویت چیزی فراتر از ذهن و عقل است. معنویت روح و روان آدمی را در بر می گیرد. همه ما دارای بعد معنوی هستیم، اما این بعد و طریقه انتقال دادن آن، از شخصی به شخص دیگر کاملاً متفاوت است. بیداری بعد معنوی انسان، همواره منادی آینده ای درخشان تر است و یان را می توان در داستان زندگی «بزرگان دین و علم» مشاهده کرد. این بزرگان که بیداری روح معنویت را در وجود خویش احساس می کردند، همگی بر این باور بودند که تحت هدایت قدرت لایتنهایی، به موفقیت های بزرگ خویش دست یافته اند.

اعتقادات مذهبی

اعتقادات مذهبی و ایمان به خداوند، از انگیزه های مهرآفرین بین زوج ها است که پیوندی عمیق میان آنان ایجاد می کند زیرا تمام ادیان الهی مرد و زن را به مهرورزی و دوستی زناشویی، تشویق کرده و کانون خانواده را بر مبنای گذشت و مهربانی استوار ساخته اند.

دین اسلام نیز فروغ زناشویی را، مایه قرب به پروردگار می داند و آن را نوعی عبادت و موجب پاداش الهی، معرفی نموده است. خداوند با مکتب وحی خود، سبب شده است که عفو و دوستی و فداکاری همسران نسبت به یکدیگر، بر ایمان آنها بیافزاید و پیوندشان با خدا و پیامبران، محکم تر شود.

اسلام، اوج مهر زناشویی را، مایه فزونی ایمان و دوستی همسران می داند. خداوند اصل محبت و عاطفه همسری را در همه انسان ها به ودیعه گذاشته است اما این ودیعه، بایستی رشد پیدا کند تا ثمرات ارزنده ای را موجب گردد. از نظر خانواده های مفق و پایدار، اعتقادات قوی مذهبی و معنوی، وسیله ای بسیار سودمند و مؤثری در جهت ارتقاء توجه، بهره مشترک و احساس همدردی و محبت میان اعضای خانواده است. در این خانواده ها، مذهب و معنویت، به صورت عشق و محبت به یکدیگر و ارتقاء اخلاقی تجلی پیدا می کند.

همسر شما بیش از هر دوست و آشنایی، باید مانند آئینه ای باشد که در آن هر گونه عیب و نارسایی را به مانند هر گونه محاسن و مکارم اخلاقی، به شما بنمایاند. شما خود باید همسر خود را بسازید و از نظر اخلاقی یکدیگر را کامل کنید و این سازندگی باید بر پایه شناختی که از همسر خود پیدا می کنید استوار گردد. بسیاری از اختلافات و درگیری ها به این خاطر است که طرفین، به اصول و ضوابط اخلاقی و حقوق دینی خود و همسرشان آشنایی ندارند و هر گونه خلاف و ناشایستی را مرتکب می شوند، بدون آنکه از آن بهرأسند.

نماز و دعا

نماز، طراوت بخش روح و روان آدمی است و نیاز پیوسته انسان است. امروزه بسیاری از دانشمندان، اعتقاد دارند که نیاز به دعا و نیایش، مانند نیاز به اکسیژن و آب است و بحث در مورد ضرورت آن، مورد توجه جدی است. بایسته است که انسان در غم و شادی به نماز و دعا برخیزد چرا که این دو آرامش بخش دل مؤمنین هستند. اگر زن و شوهری می خواهند برای یکدیگر آرامش بخش باشند باید از سلامت روحی و روانی برخوردار باشند و نماز و دعا، دل را آرام می بخشند و انسان را از دغدغه های دنیوی می رهانند. اما نی توان این امر را هم منکر بود که برخی بیماری های جسمی، منشأ روحی دارند (بیماری های سایکوسوماتیک) و انسان ها بر اثر فشار روحی، جسمی آسیب پذیر پیدا می کنند. روان شناسان معتقدند یکی از راههای رهایی از بیماری های روحی و روانی، اتکال به یک قدرت بی نهایت است که این امر در نماز و نیایش می تواند تجلی پیدا کند.

بخش ۲- آداب و سبک زندگی اسلامی - ایرانی در خانواده

تدوین و بررسی ابعاد سبک زندگی اسلامی - ایرانی و ارائه الگویی جامع و کامل از آن یکی از مهم ترین عوامل حفظ فرهنگ و استمرار سنن ایرانی و اسلامی در جامعه و بین نسل های جدید می باشد. از آنجایی که سنت و آداب و رسوم کهن به جامعه معنا و محتوا می بخشد، تدوین چنین سبک زندگی موجب زنده شدن باورها و اعتقادات سنتی و تاریخی می گردد که با وجود جنبه های مفید و مثبت وافی، در بین نسل های جوان فراموش شده است. ارائه الگویی از سبک زندگی ایرانی - اسلامی نتایج و پیامدهای مثبت فراوانی در جامعه دارد که علاوه بر حفظ سنتها و آداب و باورها و اعتقادات تاریخی، در ابعاد و عرصه های دیگر جامعه نیز تاثیر دارد. در جهان امروزی با وجود تهدیدهای فرهنگی و اعتقادی دشمن های اسلام لزوم تدوین و ارائه چنین طرحی بیش از پیش احساس می گردد. آنچه که موجب تداوم استکبار جهانی در جوامع شرقی می شود، نفوذ سبک و نوع زندگی غربی در این کشورها و تقلید برخی از اقشار مردم از این شیوه زندگی غربی می باشد.

یکی از مهمترین دلایل نیاز به ارائه الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی تهاجم گسترده دشمن و تحمیل سبک زندگی غربی در جوامع شرقی و اسلامی می باشد. زیرا نفوذ نوع و شیوه زندگی غربی در این جوامع، مهمترین عامل حفظ نظام سلطه غرب بر کشورهای در حال توسعه می باشد. چنانکه تحمیل سبک زندگی آمریکایی، نافذترین عامل در حفظ امنیت ملی آمریکا قلمداد می گردد.

بنابراین در جهان کنونی یکی از شیوه های نوین استعمار، تهاجم سبک و شیوه زندگی در دیگر جوامع می باشد، از این ره یافت، بررسی و ارائه شیوه زندگی بومی و اعتقادی یکی از مسائل مهم و لزومات جامعه مان احساس می شود، زیرا ابزاری مهم در مبارزه با نقشه ها و دسیسه های دشمنان اسلام می باشد. ارائه الگوی شیوه زندگی ایرانی - اسلامی نیازمند ارتباط و تبادل اطلاعات مراکز حوزوی و دانشگاهی در باب موضوع است.

اجزای شکل دهنده الگوی سبک زندگی ایرانی - اسلامی

خانواده مداری: مهمترین اصل که زندگی اجتماعی جوامع اسلامی را از کشورهای غربی متمایز می کند، اصل خانواده مداری و تشکیل ازدواج می باشد. نهاد خانواده مهم ترین و مقدس ترین نهاد در جامعه ما تلقی می گردد که انتقال گر بسیاری از اصول اخلاقی و اعتقادی به فرزندان می باشد. کیفیت و استحکام خانواده به دیگر اجزای جامعه معنا و محتوا می بخشد.

احترام به پدر و مادر: والدین در آموزه های دینی و سنتی کشورمان، ارزش و اهمیت زیادی دارند و احترام به آنان یکی از واجبات دینی می باشد، رضایت پدر و مادر یکی از شروط ورود به بهشت می باشد. ارتباط مناسب و محترمانه فرزندان با والدین خود دیگر عرصه های اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد.

صله رحم و دستگیری از همنوعان و محرومان: یکی از مهم ترین ارزش های جامعه ما، دستگیری از محرومان و فقرا می باشد. آنچه که ارزش و اهمیت انسانی را نشان می دهد، دستگیری از همنوعان و کمک به آنان برای تامین احتیاجات زندگی شان می باشد. صله رحم و کمک به مستضعفان هم در احکام دینی و هم در باورهای سنتی کشورمان، مهم ترین ارزش تلقی می شود.

داشتن پوشش بومی و دینی در جامعه: یکی از مهم ترین الگوی سبک و شیوه زندگی به نوع پوشش اعضای جامعه بر می گردد. داشتن پوشش محلی برای مردان و حجاب و پوشش شرعی مناسب برای زنان بسیار مهم می باشد.

ارتباط مناسب با همسایگان: یکی از اصول مهمی که جامعه ایران را از جوامع شرقی متمایز می کند، ارتباط مناسب با همسایگان و آگاهی از اوضاع اقتصادی و کمک به آنان در مواقع ضروری است.

عیادت از بیماران و دستگیری از سالخوردگان خانواده: افراد کهنسال و سالخورده در جامعه سنتی ما، ارزش و اهمیت زیادی دارند. عیادت از بیماران و احترام به افراد پیر یکی از اجزای سبک زندگی ما را نشان می دهد.

برقراری ارتباط مناسب با همسر: احترام به همدیگر و حفظ کرامت همسر، حفظ حقوق متقابل، حفظ حریم های یکدیگر در مشاجرات خانوادگی، پرهیز از شکاکیت های خانمان سوز، نسبت دادن القاب زیبا به یکدیگر، برآورده ساختن نیازها و ... در برقراری ارتباط مناسب با همسر بسیار مؤثرند.

از دیگر اجزای چنین سبک زندگی می توان به برپایی باشکوه مراسم مذهبی و اعیاد محلی، مهمان نوازی، رازداری، حفظ لهجه های محلی (اشعار، ادبیات و داستانهای سنتی) و صنایع دستی، حفظ ارتباط خویشاوندی و فامیلی از طریق بازدیدها و مهمانی ها اشاره نمود.

فصل چهارم: ایمن سازی خانواده

بخش ۱- موضوع شناسی مسائل و مشکلات خانواده

خانواده ایرانی در دهه های اخیر، همچون بسیاری از جوامع دیگر، در معرض دگرگونی هایی مهم بوده است. به نظر می رسد در سال های اخیر از تمایل به تشکیل خانواده تا حدی کاسته شده و ازدواج تا دست یابی به موقعیت اجتماعی و مالی مناسب به تأخیر می افتد، نظام تحصیلی موجود و فرهنگ مدرک گرایی نیز خود از موانع ازدواج به شمار می آیند. با بالا رفتن سن ازدواج، گاه این پرسش مطرح می شود که اگر ممکن است ازدواج را تا سنین بالا به تأخیر انداخت، چه نیازی است که در این مقطع تعهدات ازدواج را پذیرفت؟

در نقطه مقابل، احساس می شود از قبح طلاق رفته رفته کاسته شده است. در سال های اخیر طلاق به درخواست زنان رو به افزایش است و آمار طلاق رجعی که در آن امکان رجوع به زندگی بیش از انواع دیگر طلاق است، کاهش یافته است. به نظر می رسد یکی از علل افزایش طلاق خلع، ترس زوج از پرداخت مهریه به نرخ روز و تنصیف دارایی ها در صورت اقدام به طلاق است؛ و از این روی، زمینه هایی را فراهم می کند که زوجه درخواست طلاق نماید. از دیگر معضلات خانواده ایرانی آن است که سرپرست خانواده یا با مسئولیت های خود آشنا نیست و انتظار دارد همسر نقش هایی چون نان آوری را بر عهده گیرد، و یا آنکه در ایفای نقش های خود، از حمایت کافی برخوردار نمی شود؛ یعنی از یک سوی، اقتدار لازم را برای ایفای نقش سرپرستی احساس نمی کند، به دلیل آنکه فرهنگ مسلط، تمکین را نشانی از ذلت زن دانسته، با ترویج روحیه استقلال طلبی و آزادی فردی، فرزندان را در برابر والدین قرار می دهد، و از سوی دیگر، سیاست ها و قوانین حاکم بر اشتغال، که مبتنی بر تشابه جنسیتی و نادیده گرفتن موقعیت خاص افراد سرپرست خانوار است، انگیزه کارفرمایان را برای جذب شخص سرپرست خانوار، کم کرده است.

افزایش تخاصم های خانگی و خشونت ها نیز پیامد چند چیز است: نخست آنکه در شیوه های سنتی، همسر غالباً از طایفه یا محله انتخاب می شد که اختلاف های فرهنگی و اجتماعی میان آنان بسیار کم بود، اما در شیوه های جدید، تناسب های فرهنگی و اجتماعی کمتر ملاک گزینش قرار می گیرد؛ دوم آنکه نه خانواده به فرزندان خود مهارت های ارتباطی را برای تشکیل خانواده می آموزد و نه نهادهای رسمی آموزشی؛ تأکید بر حقوق و کم توجهی به اخلاق نیز به صف بندی و تخاصم در درون خانه می انجامد.

کاهش پیوندهای خانوادگی در دهه های اخیر، خانواده را بیش از پیش، تنها گذاشته و در حل مشکلات خود ناتوان تر ساخته است. غلبه فرهنگ فردگرایی بیش از هر چیز در حس استقلال طلبی و فرار از تعهدات مؤثر بوده است. همین فرهنگ، زمینه های کم شدن حس تعاون اجتماعی و پیوندهای گروهی را فراهم کرده است.

به طور کلی می توان گفت سه عامل در بروز مسائل و مشکلات خانواده در کشور ما به چشم می خورد:

اول: افزایش سن ازدواج و مجرد زیستی

دوم: تزلزل خانواده و بالا رفتن آمار طلاق

سوم: ضعف کارآمدی خانواده

تضعیف جایگاه والدین که در تحقق آن، نهادهای فرهنگی و تبلیغی بیش از دیگران مقصرند افزون بر کاهش نظارت کیفی آنان بر روند پرورش نسل جدید، به کم شدن اهتمام آنان به فرزندان و نیز به کاهش پیوند خانوادگی می انجامد. این ها و ده ها مسئله دیگر نشان دهنده افق هایی تیره فراروی آینده خانواده ها است.

بخش ۲- عوامل تضعیف خانواده

حیات خانوادگی زن و شوهر، به یک باره از میان نمی رود. عوامل و مسائل متعددی، در این امر دخالت دارند و مراحمی در پی هم پدید می آیند که فرجام آن، در هم ریختن ارکان خانواده و تزلزل جنبه های مربوط به این زندگی است. در زیر برخی از این عوامل معرفی شده اند:

۱- ضعف باور های دینی و اخلاقی

خداوند اصولی را برای سعادت خانواده ها تعیین کرده که بی توجهی به این بنیان خانواده را با تزلزل مواجه می سازد. زن و شوهر بایستی هر دو به این اصول پایبند باشند و در زندگی خود از آنها بهره گیرند. اعمالی چون حضور در مساجد و اماکن متبرکه، معرفت افزایی، بزرگنمایی اعمال نیک و ... می تواند در کاهش این پیامد مؤثر باشد. از دیگر عوامل دینی و اخلاقی که عدم پایبندی به آنها باعث تضعیف خانواده می شوند، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

🔗 شیطان نفس

چه بسیارند افرادی که دیوانه هوس خویشند. سر به دامان زیبایی های افراد گوناگونی دارند و می خواهند ذوق و تمایل تنوع طلبی خود را ارضاء کنند. چشم و گوش زبان و اعضای آلوده دارند و با معاشرت های بی حساب، تن به بیهودگی و هرزگی می زنند و خود را سخت می بازند.

این نکته قابل ذکر است که در اغلب موارد این مردان هستند که فریب می خورند و البته در مقابل مردانی هم هستند که از سادگی و عاطفه زنان سوء استفاده می کنند و او را به آلودگی می کشانند. این موضوع که در اسلام این همه توصیه نسبت به پاکی چشم و اعضاء می شود و یا از زن می خواهند که در حیات زناشویی، مطیع شوهر باشد، به خاطر جلوگیری از وقع چنین اتفاقات ناخوشایندی است که می تواند پایه های ستون خانواده را با تزلزل

مواجه سازد. خیانت در زندگی زناشویی، (از طرف هر یک از زوجین) می تواند تأثیر بسیار عمیقی بر روابط بین زن و شوهر گذاشته و حتی می تواند به راحتی کانون خانواده را به ورطه نابودی بکشانند.

❁ بد زبانی و بد رفتاری

دین مبین اسلام بدزبانی و ناسزاگویی (حتی برای دشمن خود) را نهی می کند؛ چه رسد به این که آن فرد همسر و شریک زندگی شما باشد. مسلمان باید حتی دشمنان خود را دعای خیر کند و از خداوند هدایت آنهایی را که قابل هدایت هستند را طلب کند.

❁ کوچک شمردن گناه

این باعث می شود ابهت گناه در نزد شما کم شود و با توجیه کردن آن را از سر خود رفع نمایید. زن یا شوهری که چنین باشد هیچ وقت خود را مقصر ندانسته و از همسر خود عذر خواهی نخواهد کرد.

❁ وجود سوءظن و تهمت

سوء ظن ها را به کرم هایی شبیه دانسته اند، که ریشه زندگی را می خورد و موجبات سستی بنیان خانواده را فراهم می سازد. چه بسیاری مواردی که در آن زن یا شوهر، با روش غلط خود، موجبات تحرك و سوء ظن همسر خود را فراهم می آورند و باعث می شوند که همسرشان نتواند دلی پاک و مطمئن، درباره او داشته باشد. اگر با زنی ازدواج کردید، در او شک نکنید و اگر به او شک بردید، با او ازدواج نکنید. خداوند در قرآن کریم می فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید، از بسیاری گمان ها (ظن بد) بپرهیزید که بعضی از گمان ها گناه است و از عیب های مردم تجسس نکنید^{۱۷}.

در برخی موارد هم این سوء ظن ها بسیار شدید هستند و گاه به غیرت ورزی هم تعبیر می شوند ولی در حقیقت سوءظن های نابجا می تواند آسایش روانی (بخصوص زنان) را با تهدید مواجه سازد و موجبات از هم پاشیدگی کانون خانواده را مهیا سازد.

تهمت یکی از بدترین مشکلات اخلاقی است و یعنی صفت بدی که در یک نفر نباشد و فردی آن را به او منتسب کند. در غیبت فرد عیب او را پشت سرش می گوید ولی در تهمت صفت بدی را که در فرد نیست می گوید پس گناه بسیار بزرگی به شمار می رود.

❁ غیبت و تمسخر

^{۱۷} سوره حجرات، آیه ۱۲

در این زمینه قرآن می فرماید: وای بر آن کسی که در رو عیب جویی کند. تمسخر زمینه را برای پیشرفت انسان مسدود می نماید. سعی کنیم اگر همسرمان کار اشتباهی انجام داد او را مورد تمسخر نکنیم و به دور از چشم دیگران راه و رفتار درست را به او نشان دهیم. خداوند ستارالعیوب است؛ یعنی پوشاننده عیب ها اما متأسفانه گاهی برخی انسان ها به جای این که فرد را راهنمایی و هدایت کنند، از روی حسادت عیب های او را برای دیگران بازگو می کنند. اگر این فرد همسر انسان باشد به طور حتم باعث عدم اطمینان زن و شوهر نسبت به یکدیگر می شود. زن و شوهر تکیه گاه یکدیگر هستند و باید با دوری از این دو صفت خانمان سوز دوری کنند.

محکوم کردن ها

در مواردی از زندگی، با بی توجهی عاطفی همسر خویش، مواجه می شویم. ممکن است با تصور خطایی که از او دارید، باب اتهام را به سوی او گشوده، شرف و حیثیت او را به طور علنی زیر سؤال ببریم. افراد مورد اتهام، در برابر چنین وضعی اغلب دو گونه موضع می گیرند:

برخی می کوشند خود را از اتهام مبرا دانسته و تبرئه نمایند و به همسر خویش ثابت کنند که تصور او خطا است و برخی دیگر می گویند حال که چنین است، بگذار گناهی انجام شده داشته باشم و تن به خطا می دهم! که البته گناه عمدی چنین فردی نابخشودنی است. در اصل این نکته قابل ذکر است که متهم کردن اگر به ظاهر آسان است اما تهمت یکی از بزرگترین گناهان نزد خداوند است. از نظر اسلام، مادامی که فساد علنی نشده و برای طرف ثابت نگردیده است و یا شاهدان عالی بدان گواهی نداده اند، حق نداریم فردی را متهم کنیم خصوصاً این که آن فرد همسر ما باشد.

بدحجابی

اما یک مسئله مهم در این بحث، بد حجابی است. برخی اوقات بدحجابی گناهی بدتر از زنا دارد به خاطر این که موجب ترویج فساد در جامعه می گردد. در روایات آمده است که زنان بد حجاب مخلد در جهنم هستند و باید همیشه در جهنم باقی بمانند. به طور مسلم بدحجابی می تواند در روابط خانوادگی مشکل به وجود آورد و زمینه را برای بدبینی، تهمت، سوء ظن و شک و تردید مساعد نماید.

حسادت ها

مردان از نظر کلی، خود را پاسدار شرف و عفت خانواده می دانند و سعی دارند غیرتمند باشند. مراقب هستند که مبدا لکه ننگی بر دامن همسر بنشینند و شرف خانوادگی و حیثیت مردانگی او را در خطر اندازد.

از سوی دیگر زنان نیز، شوهران خود را ملک ثابت خود دانسته و دوست ندارند دست گیری به سوی آنها دراز شود و یا زنی دیگر در قلب شوهر جای داشته باشد و با دیدن اندک انحرافی، حاکمیت و موجودیت خود را به خطر می اندازد و برای رفع آن تن به هر سختی و ناملایماتی می دهند. این حسادت ها در صورتی که از ضوابط شرعی تجاوز نکنند بد نیست ولی زمانی که رنگ و سلیقه شخصی به خود بگیرند، محیط زندگی را تیره می کنند. طرفین را نسبت به هم بیگانه کرده و مانند دو دشمن در کنار هم قرار می دهد.

دروغ

کسی که دروغ می گوید بوی گندی از دهان او به آسمان ها می رود. دروغ گویی زن و شوهر به همدیگر و مهم تر از همه به بچه ها گناه بزرگی است. سعی کنید حتی از روی شوخی نیز به یکدیگر دروغ نگوئید. متأسفانه قبح دروغ در جامعه رو به کاهش است و ممکن است با زرنگی تعبیر شود. به یاد داشته باشید که دروغ در قرآن، در کنار بت پرستی آورده شده است و از همین روی بزرگی گناه آن به روشنی مشخص می شود.

۲- تأثیر رسانه ها

با پیشرفت تکنولوژی دسترسی به رسانه ها و ارتباطات انسانی بیشتر و بیشتر می شود و راه گریزی از آن نیست. متأسفانه در سال های اخیر و با پیدایش جنگ نرم، رسانه های دشمن بنیان خانواده را هدف قرار داده اند و با پخش برنامه ها و سریال های مبتذل قصد دارند ریشه اصیل فرهنگی و اسلامی ما را تخریب نمایند. هدف بیشتر این رسانه ها کیان مقدس خانواده است، که مهمترین عامل تحکیم جامعه و انتقال عناصر فرهنگی می باشد. این برنامه ها قصد دارند روابط با نامحرم را بسیار عادی جلوه داده و فرهنگ بدحجابی را در جامعه گسترش دهند. پس وظیفه جوانان ماست که بیدار باشند و ساده لوحانه اسیر نسخه پیچی های فرهنگی دشمنان نشوند.

۳- سایر عوامل

البته علاوه بر موارد مذکور، علل دیگری از جمله اعتیاد، فقر، دخالت های بی مورد دیگران، مصرف گرایی و فشار اقتصادی به همسر، مشکل در برقراری ارتباط با یکدیگر، عدم حضور در خانه، روابط افراطی با دوستان و ... نیز می توانند بر زندگی مشترک سایه افکنند.

از طرفی در دین مبین اسلام، بر سخت کوشی و گریز از فقر (اما نه با مال حرام) توصیه های فراوانی شده است. پر واضح است که در صورتی که مرد برای تأمین رفاه خانواده خود تلاش نکند و در پی آسایش طلبی و تحصیل کارهای راحت باشد، آرام آرام می تواند کیفیت زندگی خانواده خود را تحت تأثیر قرار داده و موجبات ناراحتی های روانی و ایجاد تشنج و عقب ماندگی در خانواده خود را فراهم سازد. البته در سال های اخیر زنان نیز پا به

پای مردان کار کرده و دست در دست یکدیگر در جهت رفاه حال خانواده خود تلاش می کنند که این خود لایق تحسین است.

دخالت های نابجای خانواده داماد یا عروس نیز می تواند به اختلافات بین زوجین دامن زند و این وظیفه زن و شوهر است که با تدبیر و رعایت احترام هر دو طرف به این مسائل پایان بخشند.

بخش ۳- انحلال خانواده



الف) طلاق

طلاق در لغت، جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی است؛^{۱۸} و در اصطلاح، طلاق (Divorce) در نظام های حقوقی غربی، بر انحلال یک رابطه زناشویی رسمی و قانونی در زمانی که هر دو طرف، هنوز در قید حیات اند و پس از وقوع آن می توانند بار دیگر ازدواج کنند، دلالت دارد.^{۱۹} نبود ناگهانی همسر ممکن است احساس اضطراب یا هراس ایجاد کند، هرچند برخی نیز ممکن است پس از طلاق احساس خوشحالی داشته باشند.

طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی مطرح است؛ زمانی که جامعه در معرض آسیب های بنیادی قرار گیرد، روابط اجتماعی نیز بیمار بوده و فساد گوشه به گوشه جامعه را در بر گرفته است. علاوه بر این طلاق می تواند باعث بروز مشکلات روانی، اقتصادی و ... نیز در افراد شود. متأسفانه آمار اختلافات و دعاوی خانوادگی به ویژه طلاق، در کشور ما رو به افزایش است.

طلاق در اسلام

اسلام، ازدواج را به عنوان یک پیوند مقدس و دارای کارکرد های متعدد فردی و اجتماعی ضروری، مورد تأکید فراوان قرار داده است و طلاق را فی نفسه امری منفور و ناپسند (دارای کراهت بسیار شدید) معرفی می کند و تمام تلاش و کوشش خود را در جهت پرهیز خانواده ها از طلاق به کار می بندد، ولی در عین حال در مواردی که مصالح مهم تر ایجاب کند، ممنوعیتی برای طلاق قائل نشده است؛ بر همین مبنا، در کتب روایی ما نیز دسته ای از روایات، پدیده طلاق را بسیار منفور معرفی کرده اند؛ در حالی که دسته دیگر طلاق را در شرایط خاصی مجاز و احیاناً لازم دانسته اند. پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: منفورترین چیزهای حلال نزد خداوند طلاق است.

^{۱۸} فرهنگ عمید؛ ذیل مدخل «طلاق»

^{۱۹} حسین بستان (نجفی)؛ اسلام و جامعه شناسی خانواده، ص ۲۲۹.

به طور کلی می توان گفت اسلام، طلاق را به خودی خود مبغوض می شمارد و در جهت منصرف کردن افراد از آن، تمام تلاش خود را به کار می گیرد؛ با وجود این در مواردی که کارکرد های مطلوب خانواده با اختلالات جدی روبه رو شود و ادامه زندگی مشترک، مفاسدی بیش از پی آمد های منفی طلاق، به بار آورد، اسلام حکم به جواز یا رجحان و احیاناً لزوم طلاق کرده است.

در خصوص اهمیت بنای خانواده در اسلام، باید گفت: توصیه های فراوان اسلام در مورد بردباری و گذشت همسران نسبت به یکدیگر و تحمل نارسایی های اقتصادی و دیگر مشکلات زناشویی، از آن حکایت دارد که اسلام در صورت وجود مشکلات قابل تحمل نیز طلاق را مبغوض می شمارد و تا حد امکان می کوشد از فروپاشی بنای مقدس خانواده جلوگیری کند؛ ولی مهم آن است که اسلام برای تحقق این هدف عمدتاً بر راهبرد های اخلاقی و تربیتی تأکید کرده و کمتر به ممنوعیت قانونی توسل جسته است. دلیل این امر، تا حدودی روشن است؛ ایجاد محدودیت های شدید قانونی برای طلاق، کمک چندانی به تحکیم روابط زناشویی نمی کند؛ زیرا در فرضی که ازدواج دچار اختلال گردیده، با منع قانونی طلاق، معمولاً جایگزین های نامطلوبی همچون متارکه یا جدایی غیر رسمی، طلاق عاطفی ناشی از سردی بیش از حد روابط و خشونت خانگی در انتظار زوجین خواهد بود.

عوامل طلاق:

طلاق دارای ریشه های مختلفی است که در زیر به برخی از مهمترین علل طلاق می پردازیم:

الف) توقعات نامحدود زن یا مرد یکی از مهمترین عوامل جدایی است، و اگر هر کدام دامنه توقعات خویش را محدود سازند و از عالم رویاها و پندارها بیرون آیند و طرف مقابل خود را به خوبی درک کنند، جلوی بسیاری از طلاق ها گرفته خواهد شد. دو فرد داوطلب ازدواج باید نسبت به این مسئله آگاه باشند که زندگی مشترک ممکن است با فراز و نشیب های بسیاری همراه باشد و این موضوع نباید بر روابط بین زن و شوهر و انتظارات آنها از یکدیگر تأثیر نامطلوبی بگذارد. به یاد داشته باشید که زن و مرد ممکن است نتوانند به تمام نیازهای یکدیگر پاسخ دهند و از این رو باید از تعدادی خواسته های خود صرف نظر کنند و چیزی را از یکدیگر توقع داشته باشند که از عهده طرف مقابل بر آید. به یاد داشته باشید زمانی که به خاطر همسران از خواسته ای گذشتید به او نشان داده اید که چقدر او را دوست دارید.

ب) حاکم شدن روح تجمل پرستی و اسراف و تبذیر بر خانواده ها عامل مهم دیگری است که مخصوصاً زنان را در یک حالت نارضایی دائم نگه می دارد و با انواع بهانه گیری ها راه طلاق و جدایی را صاف می کنند.

ج) دخالت های بیجای اقوام، بستگان و آشنایان در زندگی خصوصی زوجین و مخصوصاً در اختلافات آنها، عامل مهم دیگری محسوب می شود. تجربه نشان داده است که اگر هنگام بروز اختلافات میان دو همسر آنها را رها

کنند و با جانبداری از این یا از آن دامن به آتش این اختلافات نزنند، چیزی نمی گذرد که فروکش می کند. البته در اختلافات شدید، وساطت و راهنمایی بزرگان و افراد با تجربه مانند مشاورین خانوادگی می تواند کارگشای مشکل باشد. به هر حال وجود یک داور بی طرف که به مسائل و مشکلات دو طرف گوش داده و نهایتاً بدون هیچ گونه جانبداری طرز صحیح رفتار به هر یک از طرفین را می آموزد، لازم و ضروری است.

(د) بی اعتنایی زن و مرد به خواست یکدیگر، خصوصاً آنچه به مسائل عاطفی و جنسی یکدیگر مربوط می شود. هر مردی انتظار دارد که همسر پاکیزه و جذابی داشته باشد همچنین هر زنی نیز چنین انتظار دارد. پس نباید نسبت به آراستگی ظاهر برای همسر خود بی اعتنا باشیم. در روایات نیز به این موضوع اشاره شده است چنان چه امام صادق می فرماید:

سزاوار نیست که زن بدون زینت و آرایش برای شوهرش بماند.^{۲۰}

در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار آمده است که:

زنانی که از جاده عفت خارج شدند و علتی جز این نداشتند که مردان آنها به خودشان نمی رسیدند.^{۲۱}

(ه) عدم تناسب فرهنگ خانوادگی و روحیات زن و مرد با یکدیگر نیز یکی از عوامل مهم طلاق است و این مسأله ای است که باید قبل از اختیار همسر دقیقاً مورد توجه قرار گیرد؛ این امر در ازدواج های دانشجویی بسیار حائز اهمیت است.

(و) اعتیاد عامل دیگری است که علاوه بر از بین بردن فرد، خانواده فرد را نیز از بین می برد و راه های پیشرفت را بر خانواده مسدود می سازد. اعتیاد در حال حاضر یکی از مهم ترین عوامل طلاق در جامعه ماست. اما اگر کسی گرفتار این بلای خانمان سوز شد، طلاق اولین راهکار نیست، بهتر است او را دوباره احیا کرد و به زندگی برگرداند. این نکته را در نظر داشته باشید که در اینجا طلاق می تواند به دو مشکل دامن بزند؛ یکی باعث پیدایش یک زن مطلقه و یا فرزندان طلاق در جامعه شود و دیگری ممکن است به خاطر سرخوردگی که برای همسر معتاد فرد به وجود می آید، آن فرد نه تنها درمان نشود، بلکه اعتیاد تا آخر عمر گریبانگیر وی گردد. همسرانی که در لحظات بیماری و سختی همسر خود را رها نمی کنند و او را عاشقانه دوست می دارند، همسران واقعی هستند.

عوامل دیگری نیز در افزایش طلاق زن و شوهر می توانند نقش داشته باشند که شامل: مسائل و مشکلات مالی، قوانین مربوط به طلاق، خیانت یا وجود همسر جدید، خشونت و بد رفتاری مردان، از بین رفتن قباحت طلاق در

^{۲۰} مکارم الخلاق صفحه ۱۰۷ و ۹۱

^{۲۱} مکارم الخلاق صفحه ۱۰۷ و ۹۱

جامعه (طلاق به عنوان اولین راه حل)، ابتلا به اختلالات عاصفی روانی، عدم بلوغ روانی و اجتماعی، ازدواج اجباری، عدم شناخت کامل داوطلبین ازدواج از همدیگر، مردسالاری، عقیم بودن یکی از زوجین و ... می باشند.

پیامدهای طلاق و راهکارهای کاهش طلاق

طلاق و از هم پاشیدگی کانون خانواده معضل اجتماعی است که پیامدهای آن از مشکلات بزرگ جوامع کنونی به شمار می رود ولی در شرایط حاضر به صورت متداول ترین راه حل یک ازدواج ناموفق درآمده است.

آثار طلاق بر همسران

هر یک از دو زوج ممکن است واکنش های عاطفی متفاوتی را بعد از طلاق بروز دهند مانند: احساس عذاب وجدان، احساس فریب خوردگی، خشم، یأس، غم تباہ کردن جوانی، افسردگی و دلتنگی.

متأسفانه جامعه ما نسبت به زنان مطلقه پیشداوری منفی دارد و بیشتر مردان داوطلب ازدواج زنان مطلقه را نمی پذیرند. با طلاق امنیت زنان در جامعه رو به افول می رود. همچنین زنانی که از حمایت کافی برخوردار نیستند و بر ایمان خود استوار نبوده و سست بنیان باشند، ممکن است در معرض بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی قرار گیرند. شایان ذکر است، زنان مطلقه نسب به مردان، متحمل مشکلات و چالش های بیشتری می شوند. از جمله این مشکلات می توان به مشکل مسکن، تأمین مایحتاج زندگی، یافتن شغل و تأمین هزینه های فرزند، اشاره نمود.

طلاق رابطه منظم جنسی را بر هم می زند و ممکن است برخی مردان مطلقه نیز که نسبت به ازدواج مجدد نگرش منفی پیدا کرده اند، تمایلات خود را از راه های نامشروع ارضاء کنند.

سرپرستس کودکان نیز مشکل های خاصی را به همراه خواهد داشت. عدم تأثیر پذیری و الگو گیری از شخصیت پدر یا مادر و شناخت ویژگی های جنس مخالف ممکن است الگو برداری کودک را با اختلا مواجه سازد و باعث بروز مشکلات شخصیتی در وی گردد.

آثار طلاق بر فرزندان

مشکل وجود فرزندان در خانواده های طلاق که ناچار هستند به زندگی در کنار یکی از والدین بسنده کنند و روزگار را زیر سایه ناپدری یا نامادری بگذرانند، مسأله دیگری است که ممکن است ناملایمات بسیاری را متحمل شوند. در ازدواج مجدد معمولاً ناپدری یا نامادری نمی توانند ارتباط عاطفی مناسبی با فرزند پیدا کنند.

فرزندانی که تحت سرپرستی مادران قرار می گیرند، معمولاً با مشکلات مالی و معیشتی روبرو می شوند.

کودکان طلاق ممکن است به دلایل مختلف دچار ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی شوند و چون دیگر نیازهای روانی آنها از طرف والدین تأمین نمی شود، مشکلات روانی نیز بر مشکلات آنها اضافه می گردد. فرزندان بخصوص آنهایی که در دوران حساس نوجوانی به سر می برند مرحله ای سرشار از احساسات را پشت سر می گذارند و اگر والدین آنها در این برهه زندگی دچار درگیری و تنش باشند، باعث بروز افسردگی و اضطراب در فرزندان این خانواده ها می شود. این فرزندان به دلیل این که ممکن است از تربیت صحیح محروم باشند، هنگام ازدواج ممکن است معیار درستی برای تعیین همسر نداشته باشند و به دلیل نواقص تربیتی نتوانند سنگ بنای یک خانواده سالم را بنا نهند.

پدید آمدن احساس تعارض و کشمکش درونی در شرایطی که کودک باید یکی از والدین را انتخاب کند، و ترس برای جدا شدن از والد دیگر، باعث بروز مشکلات عاطفی در کودک می شود.

تغییر محل سکونت، تغییر گروه دوستان، محیط آموزشی و مشکلات انطباق پذیری مسئله دیگری است که کودک از لحاظ روانی با آن دست و پنجه نرم می کند.

آثار طلاق بر جامعه

تأثیر طلاق بر کل جامعه هم قابل اغماض نیست. با فروپاشی خانواده بوسیله طلاق انسجام و نظارت اعضای خانواده از یکدیگر از بین می رود در بسیاری از موارد مرد خود را از مسؤولیت اعضای خانواده رها می کند و زن و فرزندان را بدون حمایت رها می کنند در اینجا است که خانواده های تک سرپرست یا بدون سرپرست در درون جامعه با مشکلات متعدد فرهنگی، تربیتی، اجتماعی و اقتصادی روبرو می شوند.

طلاق تعادل انسان ها را بر هم می زند و موجب کاهش انسجام و یکپارچگی اجتماعی می شود. همچنین می تواند بره لحاظ کمی و کیفی بر ساخت جمعیت اثر نهد. تنها واحد مشروع تولید مثل خانواده است که با طلاق از هم می پاشد.

در بسیاری از موارد، مشکلات این نوع خانواده ها و افراد به درون جامعه پس زده می شود. بدین صورت که علاوه براین که در مرحله اول خود با مشکلاتی روبرو می شوند در مرحله بعد جامعه را با مشکلاتی روبرو می کنند. بسیاری از انحرافات رفتاری و اخلاقی در درون جامعه توسط کسانی انجام می شود که دارای خانواده های گسسته شده در اثر طلاق شکل می گیرند. بسیاری از بچه های طلاق به بزهکاری کشانده می شوند و از این طریق زمینه انحراف آنها در زمان بزرگسالی فراهم می شود و از این طریق نه تنها باری از دوش جامعه بر نمی دارند بلکه خود نیز انگلی بر جان و پیکره جامعه می شوند. از اینجا است که فروپاشی خانواده بوسیله طلاق هزینه های فرهنگی اجتماعی و مالی را برای جامعه به همراه دارد.

این مسایل و پیامدها یک ذهنیت تاریخی منفی نسبت به طلاق را شکل داده است. این واقعیت را هر فردی می تواند دریابد که سابقه طلاق در زندگی هر فردی به عنوان یک نقطه منفی و ضعف به حساب آورده شود. طلاق می تواند آثار و عوارض نامطلوب اجتماعی چون: خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل شود.

راه کارهایی برای برون رفت از طلاق

- * به دلیل اینکه بسیاری از ازدواج های ناهمسان (مثلا به لحاظ سنی و یا تحصیلی) سبب طلاق زوجین می گردند. از این رو پیشنهاد می شود که فرهنگ سازی در جامعه به گونه ای باشد که افراد به دنبال گزینه های همسان برای ازدواج باشند. مراکز مشاوره قبل از ازدواج می توانند در این زمینه تاثیر گذار باشند. بسیاری از کسانی که زندگی شان به طلاق منجر شده است شناخت درست و آگاهانه ای از یکدیگر در موقع ازدواج نداشته اند از این رو شناخت افراد از یکدیگر از بسیاری از طلاق ها که در آینده ممکن است اتفاق بیفتد جلوگیری می کند.
- * عشق بین زن و مرد، مانند نهالی است که اگر از آن مراقبت به عمل نیاید، خشک خواهد شد. پس به این مسئله اکتفا نکنید که یک بار ابراز علاقه برای همیشه کافی است. انسان موجودی سرشار از احساسات و پیوسته نیازمند عاطفه است. نسبت به همسر خود، نگرشی مثبت و مطلوب داشته باشید و همواره به او احترام بگذارید.
- * اگر زن و مرد با خصوصیات روان شناسی همدیگر آشنا باشند و به تفاوت های رفتاری و اخلاقی هم به طور کامل واقف باشند، در این صورت هیچ گاه از رفتار طرف مقابل سوء تعبیر نخواهند داشت. سعی کنید حالات، روحیات، نیازها و توقعات همسرتان را به خوبی بشناسید و در تأمین آنها بکوشید. یادگیری و بکار بردن مهارت های گفتگوی سالم و پرهیز از مشاجره باعث می شود که رنجش ها روی یکدیگر انبار نشود و همه دلخوری ها، جای خود را به محبت و صمیمیت بدهد.
- * یادگیری و بکار بردن گفتگوی سالم در حل مشکلات خانوادگی، باعث می شود رنجش ها در دل انباشته نشود و همه دلخوری ها، جای خود را به محبت و صمیمیت بدهد. حل مشکل خانوادگی توسط خود زوجین و یا حتی خانواده آنان بهتر و مؤثرتر به نتیجه می انجامد. چرا که آنها ابزار کارآمد و مفیدی چون اخلاق و سنت های مذهبی در اختیار دارند. مشاجره، آفت بنیان خانواده است؛ گاهی خیال پروری و رؤیاپردازی های پیش از ازدواج و انتظارات نابجا و از پیش تعیین شده، بعدها موجب بروز بهانه های واهی و مشاجره در زندگی خانوادگی می شود. در این صورت، عشق و همدلی از خانه ها رخت برمی بندد و صمیمیت جای خود را به کینه توزی می دهد و روابط میان زوجین سرد و بی روح می شود.

- * زمانی را برای گفت و گو و ابراز محبت و تبادل نظر با همسران اختصاص دهید و این امر را در اولویت امور قرار دهید. سعی کنید حرف های شما معطوف به گزارش کاری روزمره و بیان مشکلات تکراری نباشد.
- * سعی کنید هنگام صحبت، ابتدا به نکات مثبت همسران اشاره کنید، خشمگین نشوید و قبل از هر چیز سعی کنید ابتدا شما عذر خواهی کنید. البته عذر خواهی و تکرار اشتباه می تواند بر مشکلات دامن زند. در ضمن مانع حرف زدن همسران نشوید.
- * هرگز صحبت های خود را با طعنه، کنایه، زخم زبان و پایین آوردن شخصیت و حرمت همسران بیان نکنید.
- * با همسران مقابله به مثل نکنید و اشتباه را با اشتباه پاسخ ندهید. سعی کنید همیشه شما پیش قدم باشید و با رفتار محبت آمیز، مهربانی را به او آموزش دهید.
- * زوجین باید بیاموزند که توقعات و نیازهای خود را بدون نكوهش دیگری بیان کنند.
- * از پیش داوری و تصمیم گیری بر اساس تصورات خود، پرهیز نمایید.
- * باور داشته باشید که همسران انسانی منحصر به فرد و یک امانت الهی می باشد. او همان کسی است که در دوران نامزدی، آرزوی با او بودن را داشتید.
- * تصور نکنید یک زندگی ایده آل، زندگی است که در آن هیچ اختلاف نظری نباشد و آرامش کامل بر آن حاکم باشد بلکه اختلاف نظر همیشه وجود خواهد داشت.
- * اگر رنجشی قابل چشم پوشی است از آن در گذرید ولی اگر برای شما مهم است، به طرز صحیحی با همسر خود در میان بگذارید.
- * همسرانی که بر سر هر مسأله جزئی با هم مجادله دارند، به تدریج باید شاهد مرگ عواطف شان باشند.
- * زوج های شاد و با نشاط نسبت به زوج های ناسازگار و ناراضی، عملکرد بهتری در ابراز علاقه و عواطف خواهند داشت؛ پس برای سلامت جسم و روح خود و همسران، وقت و انرژی صرف کنید.
- * در آخر بدانید اگر هدف، عشق و حفاظت از آن است، باید بهای این حفاظت را با گذشت و ایثار بپردازید.

(ب) سایر عوامل انحلال

انحلال (Dissolution) مفهوم وسیعی است که طلاق تنها یکی از زناشویی اسباب آن است. از اسباب دیگر، می توان مرگ یکی از دو همسر یا فسخ ازدواج را نام برد. از دیگر موارد انحلال خانواده می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ازدواج مجدد توسط زوج: مردی که مبادرت به ازدواج دوم می کند، محبت را تقسیم می نماید و زن اول نیز حاضر نیست محبت را تقسیم شده بداند. چنین مردی بهانه گیر می شود ، این بهانه گیری، منجر به بد

شدن شرایط زندگی برای زن اول می شود و به تدریج به سوی طلاق می رود و خود را بین طلاق و زندگی معلق و سر در گم می بیند و این حالت تعلیق، عدم ثبات در زندگی را برای وی به ارمغان می آورد.

تدلیس در ازدواج: افراد بسیاری در آغاز ازدواج خود را واجد صفات و خصوصیات معرفی می کنند، که دارای آن خصوصیات نمی باشند.

ازدواج تحمیلی: بدترین نوع ازدواج، ازدواج تحمیلی است. انسان در مقابل تحمیل، موضع گیری می کند. به ظاهر فردی مطیع و در باطن عصیانگر است.

ترک زوج یا زوجه از منزل: که با فلسفه زندگی مشترک منافات دارد. قانون می گوید اگر مردی خواستار این است که زن دیگری اختیار کند، یا باید با اجازه همسر اول باشد و یا با اجازه دادگاه. در بسیاری از موارد اگر مرد برای ازدواج مجدد دلایل قانونی داشته باشد و همسر اول اجازه ندهد، مرد باید به دادگاه مراجعه کند و با اعلام دلایل خود از دادگاه برای ازدواج مجدد اجازه بگیرد. البته دادگاه به او تکلیف می کند که عدالت را در مورد همسر اول رعایت کند.

شکل گیری هر فرایندی نیازمند یک نقطه ثابت است. نقطه ثابت زندگی مشترک، وفاق است که با این گونه مسائل (اختیار کردن زوجه دیگری) از بین می رود.

فصل پنجم: فرزندآوری و جمعیت

بخش ۱- فرزندآوری و تربیت فرزند

اهمیت و فواید فرزندآوری

در فصل اول برخی از مزایای فرزندآوری در قسمت تداوم نسل عنوان گردید؛ در اینجا برخی دیگر از این مزایا را از دیدگاه اسلام، مورد بررسی قرار می دهیم:

همسران دل آرام آنانی هستند که با اعتقاد به ارزشمندی وجود فرزند، ضمن احراز شایستگی ها و کفایت های همسری و رضامندی متقابل زوجیت و آمادگی ها و قابلیت های مادری و پدری و پذیرش مسئولیت ها، با باور مشترک، همدلی و تفاهم کامل به اندیشه فرزند آوری جامه عمل می پوشانند در جهان بینی الهی، فرزند به مثابه امانت هدیه گونه و هدیه امانت گونه ای است که از لطف و کرم خداوندی به والدین «هبه» می شود. در واقع هبه آمیزه ای از هدیه و امانت است. به بیان دیگر فرزند هدیه و امانتی است و چون گل که زینت خانه است و نگهداری و پرورش آن، پدران و مادران شایسته و امین را می طلبد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: مالکیت و حاکمیت آسمان و زمین از آن خداست، هر چه بخواهد می آفریند، به هر کس اراده کند دختر می بخشد و به هر کس که بخواهد پسر هبه می کند، یا (اگر بخواهد) پسر و دختر- هر دو- را برای آنان جمع می کند، و هر کس را بخواهد عقیم می گذارد، زیرا او دانا و قادر است.

همسران برتر به نیکی می دانند که «فرزند» از بارزترین مصادیق برکت عمر و زنجیره پیوند دنیا و آخرت انسان است.

پیامبر اکرم می فرماید: «در خانه ای که فرزندی در آن نباشد، برکتی نیست.» و همچنین در جایی دیگر می فرماید: «مقام شخص در بهشت بالا می رود. می گوید: به چه دلیل است؟ گفته می شود به دلیل آن که فرزندت برایت استغفار کرد.

مزایای فرزندآوری را می توان چنین برشمرد:

* برآورده شدن انتظارات والدین و تقویت عزت نفس آنان

زن و مرد انتظار دارند که پس از ازدواج صاحب فرزند شوند و در موارد بسیاری این امر خود انگیزه ازدواج است. پدر و مادر عروس و داماد و خویشان و آشنایان نیز به گونه ای عمل می کنند که بیانگر چنین انتظاری است و انتظاراتی از این دست، در صورتی که به موقع رفع نشود موجب ارزشیابی منفی دیگران و در نتیجه خود پنداره منفی و عزت نفس پایین در زوجین می شود. در این صورت تصویری که آنها از خویشان دارند، به طور ضمنی در همه واکنش

های ارزشی آنان تجلی می کند. درصد افرادی که در جهان از نداشتن فرزند رنج می برند و مبتلا به بحران عزت نفس هستند قابل توجه است. این افراد کسانی هستند که تحمل تنهایی را ندارند، دائماً احساس یک نیاز توأم با فشار برای داشتن فرزند دارند، اعتماد به نفس خود را در مقابل این وسوسه ذهنی که «دیگران درباره آنها چه فکر می کنند» از دست می دهند، و گاه و بیگاه احساس غم و اندوه و ناکامی و حیرت می کنند که دلیل محرومیت آنان از لذت داشتن فرزند چیست؟

برای آن که زوجین انتظارات خود و دیگران را برآورده کنند و به ارزش ها و هدف هایی که لازمه زندگی سعادتمند است نایل آیند، نیاز به تلاش برای داشتن فرزند دارند، و این به نوبه خود باعث تقویت عزت نفس در زوجین می شود. پس یکی از نقش های مثبت فرزند در خانواده، برآورده ساختن انتظارات والدین و دیگران و ایجاد و تقویت عزت نفس آنها است.

تحقیقاتی در مورد قبول مسئولیت زوج های جوان جهت پدر و مادر شدن، توسط ماکسول و مونت گمری (۱۹۶۹) درباره ۹۶ زوج ۱۸ تا ۲۱ ساله انجام شد. زنانی که پانزده سال از ازدواج آن ها گذشته بود، معتقد بودند بهترین سن برای فرزند دار شدن یکی از دو سال اول زندگی است؛ زیرا تولد فرزند در سالهای اول باعث تقویت عزت نفس والدین می شود. این پژوهش نشان داد نه تنها زوج های جوان از سوی والدین خود تشویق می شدند که بچه دار شوند بلکه بستگان، دوستان و همسایگان اصرار می ورزیدند و به آن ها فشار وارد می ساختند که اقدام به ازدواج کنند و بچه دار شوند. بنابراین، برای تحقق انتظارات افراد جامعه و بستگان و دوستان حضور فرزندان در زندگی خانوادگی ضروری به نظر می رسد. با وجود این، سنت ها و آداب و رسوم اجتماعی تأثیر بسزایی در زمینه انتظارات والدین و دیگران از زوج های جوان دارد.

بر اساس آموزه های دینی، احساس عزت نفس در خانواده های دارای فرزند بیش از خانواده های بدون فرزند است. رسول خدا (ص) می فرماید: «ما ولد فی اهل بیت غلام الا اصبح فیه عزّ لم یکن» این تعبیر، به صراحت، نقش فرزند در ایجاد و تقویت عزت نفس والدین را نشان می دهد. تحقیقات تجربی نیز حاکی از آن است که کودکان به میزان قابل توجهی عزت نفس والدین شان را تحت تأثیر قرار می دهند.

* جامعه پذیری و توسعه ارتباطات انسانی

منظور از اجتماعی شدن یا جامعه پذیری فرآیندی است که طی آن فرد به تدریج به شخصی خود آگاه، دانا و با تجربه در شیوه های فرهنگی تبدیل می شود. اجتماعی شدن، نسل های مختلف را به هم پیوند می دهد. تولد یک فرزند زندگی والدین را که مسئول پرورش او هستند تغییر می دهد و در نتیجه آن ها فرآیندهای یادگیری جدیدی را تجربه می کنند. هافمن (۱۹۷۳) تحقیقی درباره خانواده های دارای فرزند انجام داد و نتیجه گرفت که فرزند بر فرآیند

اجتماعی شدن و جامعه پذیری والدین تأثیر می گذارد. هافمن موارد زیر را در خصوص فرزند دار شدن ارائه کرده است:

✚ کودکان با حضور خود، وضعیت بزرگسالان به خصوص زنان را تأیید نموده و به آن ها هویت اجتماعی می دهند.
✚ کودکان از طریق فعالیت های خود در مدرسه و مراکز تفریحات سالم و محیط همسایگی، والدین خود را با جامعه پیوند می دهند.

✚ فرزندان بر اساس شعار مذهب والدین شان رشد می کنند؛ زیرا والدین آنها بر اساس آن مفاهیم رفاه و آسایش دیگران را مقدم داشته و به اجتماعی شدن گروه تداوم می بخشند.

✚ کودکان به آنها اعتبار بخشیده و آنها را از تنهایی نجات می دهند.

✚ کودکان به زندگی خانوادگی نشاط و سرور بخشیده و آن را لذت بخش می کنند.

✚ کودکان با توجه به اصول اجتماعی شدن، شایستگی و صلاحیت والدین را رشد داده و حتی آنان را به مرز خود کفایی می رسانند.

✚ چون والدین بیش از افراد بی فرزند از تأیید اجتماعی بهره مند هستند، کودکان علاوه بر کسب شخصیت بر اعمال نفوذ والدین نیز می افزایند. این یک جنبه کلیدی اجتماعی شدن برای اکثریت مردم در هر فرهنگی است. اگر چه «ماهیت» دقیق و «نتایج» آن از نظر فرهنگی فرق می کنند.

بل (۱۹۶۸) نیز در تحقیقات خود نشان داد که کودک می تواند در جامعه پذیری والدین عنصری مهم به شمار آید.

قبل از بچه دار شدن ارتباطات زوجین در چارچوب میان خودشان است اما بعد از بچه دار شدن ارتباطات وسیع تر می شود مثلاً با فروشندگان بیشتری مراوده خواهید داشت، با نگهبان پارک آشنا خواهید شد و یا در هنگام ازدواج او با خانواده همسر او ارتباط پیدا خواهید کرد.

* احساس مثر ثمر بودن

تولد فرزندان در محیط خانه احساس مفید بودن را برای والدین در پی دارد. مردان و زنان قاطع و هدفمند با توجه به توانایی هایی که دارند برای خود هدف هایی در نظر می گیرند و برای دستیابی به آن تلاش می کنند. هدف تشکیل خانواده آرامش روانی و تولید نسل است. این هدف ما را به جلو می برد و به ما انرژی می دهد. زندگی هدفمند مستلزم پر بار بودن است. باید شایستگی خود را ثابت کنیم. فرزند داشتن با احساس شایستگی و مثر ثمر بودن در ارتباط است. به همین دلیل است که در روایات، داشتن فرزند به ثمره وجود والدین تعبیر شده است. امام سجاد (ع) می فرماید: باید بدانی که او از تو و ثمره وجود توست.

به راستی که تشبیه زیبای پیامبر (ص) شنیدنی است، آن جا که می فرماید: «فرزند صالح گلی از گل های بهشت است»، در این تعبیر نمادین، خانواده به گلستان و فرزندان به گل های زیبای آن تشبیه شده اند. بدیهی است که داشتن ثمرات نیکو عامل دلگرمی والدین و تداوم حیات مشترک آن ها بوده و احساس مثمر ثمر بودن و اعتماد به نفس را در آن ها به وجود می آورد.

*** افزایش عشق و محبت**

ابراز و دریافت عشق و محبت یکی از نیازهای اساسی انسان است که با وجود فرزند این حالت تقویت می گردد و حتی با به بار نشستن ثمره عشق زن و شوهر، عشق و علاقه آنها به یکدیگر افزایش می یابد.

*** رشد و تعالی شخصیت والدین**

دانش، تجربه، گذر زمان و حتی پیمان ازدواج و شروع زندگی مشترک، وضعیت ها و نقش های بزرگسالی را به وجود نمی آورند، بلکه دوره پدر و مادری است که نقش های بزرگسالی را مشخص می سازد. هن، میلیسپ و هارتکا (۱۹۸۶) از مطالعات شخصیت به این نتیجه رسیدند که سازمان روانی انسان با پذیرفتن نقش پدر و مادری به کمال می رسد. آنها در این باره می گویند: «معمولاً این گونه تصور می شود که تغییرات عمده سازمان شخصیت در طول نوجوانی روی می دهند، اما این یافته ها نشان می دهند که تغییرات بسیار مشخص نه در طول نوجوانی بلکه در انتهای آن روی می دهد؛ یعنی زمانی که اکثر مردم در نهایت دچار «تغییرات نقش» ژرفی می شوند و به اشتغال به کار تمام وقت و ایفای نقش والدینی مشغول می شوند» بنابراین، به نظر می رسد که تجربه «پدر و مادری» در فراهم کردن تعالی و رشد شخصیت افراد دارای اهمیت ویژه باشد. وجود همین تجربه ها مجموعه کاملی از ارزش ها را به ساختار شخصیت والدین می افزاید. از این رو والدین در آموزه های دینی با قرار گرفتن در کنار خدا تقدیس شده اند. این ها همگی از کمال انسانی، سلامت روانی و شکوفایی فطرت انسانی به شمار می روند. والدین بدون هیچ استثنایی سرگرم آرمانی هستند که خارج از وجود خودشان و در چیزی بیرون از آنها وجود دارد. آن ها شیفته اند؛ شیفته به چیزی که برایشان بسیار گرانبهادر است (فرزند). آن ها به کاری مشغولند که آن را تا حدودی تقدیر برایشان مقدر کرده و کاری که ضمن انجامش به آن عشق می ورزند (تربیت فرزند).

*** طلوع امید و آرزوهای جدید**

با تولد فرزند امید و آرزوهای جدید در دل پدر و مادر شکفته می شود. با رشد مراحل تکوین و مشاهده موفقیت های کودک امید و آرزوی سعادت و خوشبختی در دل پدر و مادر تجلی پیدا می کند. حتی پدر و مادر ممکن است با وجود ناکامی های خود در گذشته و با کسب موفقیت از جانب فرزند خود، از احساس کمبود و خلأ های موجود در

زندگی خود رهایی یابند.

* نگاه به فرزند عامل نشاط و سلامت روانی والدین

نگاه به فرزند می تواند موجب نشاط والدین و سلامت روانی آن ها شود. پژوهش ها نشان داده است که یکی از بزرگ ترین عوامل شادی آفرین برای والدین اولین ملاقات آن ها با فرزند ان سالم خویش پس از تولد بوده است. هم زمان با تولد فرزند، زن و شوهری که صاحب فرزند شده اند، پدر و مادر خطاب می شود. و لذا آنها زندگی خود را معنا دارتر از گذشته می یابند. و بعدها نیز شنیدن الفاظ «مامان» و «بابا» از زبان کودک برای آن ها لذت بخش است. تولد فرزندان هم فی نفسه موجب نشاط والدین می شود. زوجین از دیدن فعالیت های شیرین و دل انگیز آنها و نگاه به چهره های بشاش و تبسم آفرین فرزندان احساس شادمانی می کنند. بنابراین، همان گونه که تولد فرزندان می تواند موجب نشاط و سلامت روانی والدین شود، نگاه به چهره فرزند نیز می تواند نشاط وصف ناشدنی برای والدین به ارمغان آورد و موجب سلامت روانی آنان شود. لذا وقتی که از امام صادق (ع) سؤال می کنند که: از بهترین چیزها برای آدمی چیست؟ می فرماید: «نگاه کردن به فرزند جوانی که در حضور والدین است».

* تداوم زندگی

بیشتر والدین فرزند را به عنوان ادامه دهنده نسل خود می دانند و در حقیقت این فرزند است که نمود جاودانگی والدین است.

* توسعه اقتصادی و برکت در خانواده

وضعیت معیشتی و رفاه اقتصادی در خانواده دارای نقش مهمی است. تأمین مخارج زندگی مشترک و هزینه فرزندان از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن موجب شده است که عده ای زیر بار مسئولیت زندگی زناشویی و والدینی در سنین جوانی نروند.

اسلام و قرآن تشکیل خانواده و فرزند را نه تنها باعث مشکلات معیشتی در خانواده نمی داند بلکه توسعه معیشتی را پس از ازدواج و صاحب فرزند شدن به واسطه تلاش و برکت همراه آن، تضمین کرده است. بر اساس آموزه های دینی، فقر و ناداری مانعی در جهت تشکیل خانواده و اندیشه فرزندآوری نیست؛ زیرا خداوند در پرتو ازدواج و فرزند برکت و بی نیازی عطا می کند. یکی از آموزه هایی که در روایات بر آن تأکید شده این است که فرزند موجب برکت در خانواده است. برکت عبارت است از فراوانی، رونق، فرونی، سعادت و نیک بختی. در این تعریف برکت شامل مجموعه ای از هیجان ها، اندیشه ها، رفتارها و احساس هایی است که به طور وسیع با سلامت و بهداشت روانی خانواده در

ارتباط هستند.

* شور و نشاط زندگی

با وجود فرزند شور و نشاط به زندگی روی می آورد. یک لبخند فرزند به والدین می تواند تمام خستگی های روزمره را از تن و روان آنان بزدايد. امید والدین به این که بعد از کار و فعالیت فرزند خود را خواهند دید، شور و نشاط خاصی را به آنها القا می کند.

* دستگیری از والدین به هنگام پیری

از دیگر مزایای داشتن فرزند ، تحقق بخشیدن به امیدهای والدین در دوران سالمندی و پیری آنها است. زیرا والدین علاقمندند که فرزندانشان در هنگام پیری و کهولت از آنان دستگیری کنند. به تعبیر دیگر داشتن فرزند می تواند «امید به زندگانی» را در والدینی که دارای فرزند هستند، افزایش دهد. در خانواده های فاقد فرزند ، معمولاً امید به زندگی در زن و شوهر چندان چشمگیر نیست، و یا هنگامی که والدین فرزندان خود را به گونه ای تربیت نکرده اند که در آینده یار و یاور آنان باشند نیز میزان امید آنان به زندگی چندان زیاد نیست. بنابراین، اگر والدین بخواهند که فرزندانشان در آینده از ایشان دستگیری کنند و با آنان مهربان باشند، باید به تربیت اخلاقی فرزند ان خویش توجه بیشتری نمایند و با آنان مهربان و صمیمی باشند. چنین فرزندی می تواند در زندگی آینده والدین نقش آفرین باشند و در دوران کهولت و ناتوانی از آنان حمایت کنند. آنان که فاقد فرزند هستند، معمولاً دوران پیری را با حمایت کم تری پشت سر می گذارند و از احساس تنهایی، بیشتر رنج می برند و گاه از تصمیم قبلی خود مبنی بر نخواستن فرزند دستخوش احساس پشیمانی می شوند. البته در برخی موارد به خاطر فراهم نبودن شرایط لازم، والدین از داشتن فرزند محروم می شوند که در این صورت نیز در دوران کهولت احساس تنهایی خواهند کرد.

زکریا (ع) به هنگام پیری از خداوند درخواست فرزند کرد. ابراهیم (ع) از نداشتن فرزند اندوهگین بود؛ در ایام کهولت، خداوند اسماعیل و اسحاق را بدو عطا کرد. ابراهیم (ع) به خاطر فرزند دار شدن به حمد و ستایش حق پرداخت. که فرزند دار شدن به راستی اقتضای حمد می کند.

امام سجاد (ع) نیز به حمایت و دستگیری فرزندانش چشم دوخته و از خداوند می خواهد که آن ها را در یاری وی کمک نماید.

امام حسن عسکری (ع) فرزند را بهترین یار و مددکار انسان معرفی کرده و خوار و نگون بخت از نظر او کسی است که فرزندی نداشته باشد.

در طرح بین المللی اقدام برای سالمندان، خانواده بهترین مأمن برای حمایت از سالمندان تلقی شده و تلاش برای حمایت و پشتیبانی از تحکیم خانواده و پاسخ به نیازهای اعضای سالخورده آن مورد تأکید قرار گرفته است. اگر چه روابط درونی خانواده ها از نظر شکل و محتوا، از جامعه ای به جامعه دیگر بر حسب زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فرق می کند و در بطن هر جامعه نیز پیوسته در حال دگرگونی است لیکن باید سعی شود احترام به بزرگترها و مساعدت به والدین در دوران پیری دستخوش غرب زدگی نشود. گاهی فرزندان از نگهداری و مراقبت مدام والدین خسته شده و شکیبایی خود را از دست می دهند و قبول مسئولیت بیشتر برای آنها دشوار می شود و با تحویل و سپردن فرد سالمند به مراکز نگهداری سالمندان، خود را از مسئولیت و زحمت نگهداری سالمند خلاص می سازند.

این اقدام اگر چه تا حدود زیادی مسئله اطرافیان و فرزندان فرد سالمند را حل می کند، لیکن اقامت افراد پیر در سرای سالمندان موجب می شود که آنان از خانواده خود دور گردند و نظام روابط عاطفی و خانوادگی شان سست شده و تدریجاً از هم گسسته شود و در نتیجه در محیط جدید، خود را به مراتب تنها تر و اندوهناک تر ببینند که این امر خود زمینه ساز عوارض و ناراحتی های فیزیکی و روانی متعددی در آنان می شود.

بر اساس آموزه های دینی، والدین رشته الفت و دلبستگی به فرزندان خویش را هیچ گاه قطع نمی کنند. و این الفت و مودت، حتی پس از بزرگسالی و تشکیل خانواده برای فرزند انشان ادامه می یابد، این گونه دلبستگی والدین به فرزندان برای موفقیت آن ها در اجرای وظایف رشدی خانواده ضروری است.

به هر حال دلبستگی متقابل والدین و فرزند ان، برای تحقق بخشیدن به امیدهای والدین در دوران سالمندی و پیری تعیین کننده است. چنانچه والدین پیش بینی های لازم را جهت انتقال فرزندانشان از دوره نوجوانی به بزرگسالی کنند و به تدریج از کنترل و حمایت خود نسبت به نوجوانان بکاهند، تضادی به وجود نمی آید. در غیر این صورت، زمانی که نوجوانان برنامه جدایی از خانواده و تشکیل زندگی مستقل را طرح ریزی می کنند، از لحاظ عاطفی، خانواده دچار بحران هایی می شود که نه تنها باعث سست شدن رشته دلبستگی می شود، بلکه به گسستن آن ها و احتمالاً پیدایش تضاد میان والدین و فرزندان می انجامد.

*** استحکام و پویایی خانواده**

همان طور که قبلاً گفته شد، با تولد فرزند، عشق و مودت بین زوجین افزایش یافته و این به نوبه خود یکی از عوامل استحکام خانواده می باشد. وجود دل مشغولی نسبت به فرزند والدین را به این نتیجه می رساند که مرکز ثقل آنها فرزند است و فرزند به عنوان نقطه عطفی مشترک باعث استحکام خانواده خواهد شد.

* کاهش درد سرها و مزاحمت ها برای مادران

شواهد نشان می دهد که فرزندآوری از عوامل مؤثر در کاهش مزاحمت های خیابانی برای مادران جوان است. راسل در این زمینه تحقیقاتی انجام داده و نتیجه گرفته است که فرزند دار شدن موجب کاستی در دسرها و مزاحمت ها برای مادران است.

* فرزند و کارآمدی خانواده

هر خانواده ای برای آن که بتواند وظایفش را انجام دهد، ساختی را به وجود می آورد. این «ساخت» ممکن است خانواده را به واحدی کارآمد یا ناکارآمد مبتل سازد. کارآمدی / ناکارآمدی در خانواده عبارت است از این که تا چه اندازه الگوهای خانواده در کسب هدف های آن مؤثر و سودمند واقع شده اند. در فرهنگ اسلامی هسته اولیه خانواده را مرد و زن تشکیل می دهند و وجود فرزندان، آن را کارآمد می سازد. نقش فرزند در کارآمدی خانواده به حدی است که عدم وجود فرزندان در خانواده با واژه «هلاک» تعبیر شده است.

* تأمین نیازهای روحی

با ازدواج بسیاری از نیازهای روحی انسان برطرف می گردد اما با وجود فرزند، دسته ای دیگر از این نیازها برآورده می شوند، مثلاً والدین نیاز دارند کسی را مورد حمایت قرار دهند که با وجود فرزند این امر محقق می شود. تأمین نیاز کودک منجر به رضای خاطر والدین می شود. با توجه به مطالبی که قبلاً ذکر شد، با وجود فرزند انس و الفت در خانواده افزایش می یابد که این در تأمین نیاز روحی والدین نقشی کارآمد دارد.

* دریافت حمایت معنوی پس از مرگ

وجود فرزندان نه تنها شالوده زندگی دنیوی را استحکام می بخشد، بلکه عامل مؤثری در رشد و تعالی معنوی والدین بعد از مرگ نیز خواهد بود.

شواهد نشان می دهد که افراد بهره مند از حمایت اجتماعی از سلامت روانی بهتری برخوردارند. حمایت معنوی از سوی دوستان، بستگان، همسایگان، همکاران و آشنایان به صورت های حمایت ملموس یا مادی (مثل پول قرض دادن)، حمایت اطاعتی (ارائه پیشنهادهای مفید و سودمند) و حمایت عاطفی (همدردی، همدلی، محبت) اعمال می گردد. حمایت اجتماعی نقش بسزایی در بهداشت روانی افراد دارد. تعلیم اسلام در این قسمت بسیار گسترده و قابل توجه است. از توصیه های مؤکد در آموزه های دینی؛ احسان، محبت، انفاق، صله رحم و دعا در حق همدیگر است. یکی از مواردی که فرزندان می توانند در تقویت بهداشت روانی والدین نقش داشته باشند، حمایت معنوی از والدین

است.

پدران و مادران از دنیا رفته، از عبادت و مناجات و کار خوب (خیر) فرزندان شان بهره می برند. رسول خدا (ص) می فرماید: «پنج نفر از دنیا رفته ولی پرونده آنان بسته نشده و داریم به آنان ثواب می رسد: کسی که درختی کاشته، چاهی آبی برای بهره برداری مردم حفر کرده، مسجدی ساخته، قرآنی نوشته و کسی که فرزند ی شایسته ای از او به جای مانده باشد».

انسانی را تصور کنید با کوله باری از گناه و معصیت از دنیا رفته و هیچ گونه احساس لذت و دل خوشی ندارد. در چنین وضعی احساس یک بیگانه متافیزیکی را خواهد داشت. حال اگر این شخص فرزند ی داشته باشد که مدام در حق او دعا کند و خیری برساند، بدون شک برای او اتفاقی لذت بخش و اشتیاق آور خواهد بود. این یک الگو و انگاره دینی در رابطه با بهداشت روانی است که گستره آن را به این جا و اکنون محدود نمی کند بلکه به زمان پس از مرگ نیز گسترش می دهد.

اخلاق و آداب بارداری و فرزندآوری

همسران برتر به نیکی می دانند که «فرزند» از بارزترین مصادیق برکت عمر و زنجیره پیوند دنیا و آخرت انسان است. تردیدی نیست که برخورداری از فرزند صالح و شایسته که طبعا در نتیجه دور اندیشی، تربیت صحیح و صبوری والدین امکان پذیر می گردد، نعمت ارزشمندی است که همواره باید قدر دان آن و شاکر خداوند بود. حقیقت این است که در قانون الهی «فرزند» از والاترین و ارزشمندترین جایگاه برخوردار است و فرزندآوری از خطیرترین مسئولیت ها و رسالت ها است، چرا که در نظام اسلامی، از همان روزهای آغازین حیات، صاحب حقوق حقه ای در ابعاد زیستی و روانی هستند که توجه به آن از وظایف و مسئولیت های در خور توجه والدین است.

فرزندآوری در تفکر اسلامی متضمن دعا و نیایش، برنامه ریزی و برخورداری از اندیشه تربیتی و کمال طلبی است. به همین دلیل، همواره بندگان ناب خدا، با ایمان به این مهم، در تربیت و پرورش فرزندان صالح و با کمال هستند، فرزندان که وجودشان روشنی بخش حیات دنیوی و اخروی آنان است. فرزندآوری یک تمایل، خواست و اراده زن ها و شوهرهایی است که با فرایند احراز قابلیت های همسری و علاقمندی و محبت روز افزون متقابل باور می یابند که شایستگی لازم برای فرزندآوری یافته اند.

فرزندآوری همیشه متضمن مسئولیت های خطیر است. بنابراین زن و شوهرهایی که بعد از چند سال ازدواج هنوز در کشاکش های زناشویی به سر می برند و نتوانسته اند زندگی آرامی داشته باشند، بهتر است بچه دار نشوند. این سخن عامیانه که بچه نور خانه است و وقتی بچه بیاید زندگی شیرین می شود، یک اصل کلی و قابل تعمیم در همه شرایط

نمی باشد. متأسفانه درصد قابل توجهی از همسر ستیزی ها و بعضا طلاق و جدایی هنگامی رخ می دهد که زن و شوهر قبل از آمادگی روانی لازم صاحب فرزند شده اند، در واقع وقتی همدیگر را نمی توانند دوست بدارند و تحمل کنند آیا می توانند با نفر سومی چنین باشند؟!

در حقیقت در شرایطی که زن و شوهر از دل آرامی لازم و قابلیت آرامشگری متقابل بهره ای ندارند و غالب با زبان تهدید، تنبیه، پرخاش، گله، غیبت، تهمت و منت با هم صحبت می کنند بچه ها دچار بد سرپرستی می شوند. عموماً کودکان و نوجوانانی که دچار بد سرپرستی می شوند از بیشترین آسیب پذیری های فردی و اجتماعی رنج می برند. آنچه در مورد فرزند مهم، اساسی و قابل توجه بوده و می تواند پر ثواب باشد همانا اصل فرزند پروری است و نه فرزندآوری. دعای همه نیکان و برگزیدگان این است که: «پروردگارا از همسران و خاندان ما فرزندانی به ما مرحمت بفرما که مایه روشنی چشم ما باشند.»^{۲۲}

در حقیقت بعد از قرآن و عترت، امانتی بالاتر و والاتر از فرزند نیست از این رو همسران برتر، بیش از هر چیز اندیشه های تربیتی و اهداف آرمانی خویش را در امر فرزندآوری مد نظر قرار می دهند و به دور از غفلت، در تشکیل نطفه نیز با وضو ساختن و آمادگی روانی کامل، عاری از اندیشه اغیار و در نهایت آرامش روان به یاد حق هستند و از همان روزهای نخستین تشکیل نطفه، در اندیشه ایجاد مناسب ترین شرایط و بهترین بستر برای شکل گیری نطفه و تکوین جنین می باشند.

همسران برتر با تفاهم و علاقمندی متقابل، آمادگی و سلامت جسمانی، بهداشت روانی، آرامش و سکینه خاطر و به دور از حرام خواری، پرخوری و خودمداری و رها از خشم و عصبانیت، اضطراب و نگرانی، با مطهر ساختن وجود به وضو، اقامه نماز و نیایش به درگاه خالق مهربان و طلب نور چشم و فرزند صالح از درگاه بی مثالش، نقش آگاهانه خود را در شکل گیری نطفه و سلامت و تکوین شخصیت جنین ایفا می نمایند.

طبق تحقیقات انجام شده بهترین زمان برای تشکیل نطفه و بارداری (برای داشتن بچه های سالم تر و باهوش تر) فصل بهار می باشد به دلیل اینکه:

- * در تابستان نور آفتاب بیشتر است میزان آلودگی هوا کمتر و درصد اکسیژن دریافتی مادر به دلیل خروج از منزل و عدم وجود بخاری، شوفاژ و ... در این فصل بیشتر است.
- * میوه ها و غذاهای تازه در این فصول بیشتر است.
- * در تابستان بیماری های ویروسی مثل سرماخوردگی و آنفولانزا کمتر است.

^{۲۲} سورة فرقان، آیه ۷۴

در فرهنگ قرآنی شمار فرزندان چندان مطرح نیست، آنچه از دیدگاه مکتب تربیتی اسلام حائز اهمیت است، نحوه تربیت صحیح فرزند یا فرزندان است که پشتوانه حیات دنیوی و اخروی والدین هستند. بدیهی است که اولین گام در توجه به فرایند صحیح تربیت فرزند، کسب آمادگی های لازم برای ایفای مسئولیت پدری و مادری، برنامه ریزی و دعا برای فرزندآوری و پذیرش مسئولیت امانت داری و باغبانی غنچه وجود کودک است. دقت در شرایط مطلوب روانی و زیستی مادر در دوران بارداری، تغذیه نوزاد با شیر مادر، پرهیز از بارداری های مجدد در دوران شیر خوارگی طفل (تا ۲ سالگی) و رعایت فواصل مناسب حد اقل ۳ سال بین فرزندان و دقت کافی و ضرورت در پیشگیری از بارداری های ناخواسته، از جمله تدابیر و تلاش های همسران برتر برای تربیت فرزند مطلوب است. باید توجه داشت که احتمال به دنیا آمدن فرزندان مبتلا به آسیب های جسمانی، روانی و معلولیت های ذهنی و حرکتی در نوزادان ناخواسته و خانواده هایی با تعداد فرزند زیاد، بیشتر است.

همسران برتر ضمن آن که در امر فرزند آوری تدبیر و انیشه می کنند و این کار را با برنامه ریزی دقیق پیش می برند، لحظه ای از تکوین جنین غافل نمانده و در دوران حساس و سرنوشت ساز حیات جنینی فرزند، هرگز از اندیشه های تربیتی غافل نمانده و همواره با نماز، دعا و نیایش روح فرزند خود را جلا می بخشند. بسیاری از عوامل تعیین کننده در سعادت، هوشمندی، سلامت یا معلولیت و عقب ماندگی و سازش نیافتگی های فرزند به دوران بارداری و زندگی جنینی فرزند مربوط می شود. بنا بر این هر گونه آسیب پذیری جنین می تواند ناشی از عوامل گوناگون باشد که بعضا مسئولیت آن بر عهده والدین (به طور مشترک) است، یا عواملی که تا کنون از حیطة شناخت و معرفت مادر یا محققان و متخصصان دور مانده است، در این امر دخالت دارد.

در دوران بارداری بهتر است برای تکامل بهتر مغز کودک با او سخن گفت؛ چرا که در این دوران توانایی به یاد سپاری در جنین وجود دارد و بررسی ها روی مادران حافظان قرآن نشان می دهد که این مادران در دوران بارداری یا به نوای بلند قرآن می خواندند یا به نوای دلنشین آن گوش فرا می دادند.

تاریخ حیات انسان ها به این حقیقت گواه است که سلامت، سعادت، پویایی، مصونیت فرهنگی و نیک فرجامی هر جامعه عمدتا در گرو وجود پربرکت مادران بصیر، دلسوز، فهیم و متعهد است. به بیان دیگر، رشد و شکوفایی و شکل گیری شخصیت کودکان و نوجوانان در رحم مادر آغاز می گردد و در دامن پرمهرش تداوم می یابد.

مادران، این باغبانان فداکار شکوفه های زندگی و ترسیم گران طریقت بهشت، بیشترین مسئولیت را در تربیت اخلاقی، فکری و اجتماعی فرزندان عهده دار هستند. رسالت اصلی پدران به عنوان سنگربانان دژ استوار، مطوئن و مستعد وجود مادران، این نقش آفرینان پربرکت کانون خانواده در امر تربیت، به ویژه در دوران بارداری، مراحل اولیه رشد و پی ریزی شالوده ماندگار شخصیت، بذل توجه به نیازهای همسری و تلاش در تأمین نیازهای زیستی، روانی و

عاطفی ایشان است.

شایسته است که زوجین نسبت به مسائل اخلاقی و روش های فرزند پروری زیر توجه خاصی را مبذول دارند:

- ❶ همهٔ بانوان باردار، دوران بارداری را سال اول حیات پر فراز و نشیب فرزند خود محسوب کنند و لحظه ای از اندیشه و رفتارهای تربیتی غافل نباشند. به یاد داشته باشید تعلیم و تربیت از بدو تولد آغاز می شود.
- ❷ پدر و مادر با تربیت خود در سرنوشت کودک نقش مهمی دارند پس باید به این دخالت اهمیت بدهند.
- ❸ از آن جا که به فرمودهٔ رسول خدا (ص) مقام و منزلت مادران باردار همانند مجاهدین فی سبیل اله است، شایسته است همواره با وضو باشند. وضو به عنوان یک عمل زیستس، حرکتی، روانی و معنوی، روشنی بخش دل، آرامش گر قلب، راحتی بخش روان و تمرکز دهندهٔ ذهن است.
- ❹ خانه و خانواده باید اولین کلاس درس انسان سازی برای فرزندان باشد.
- ❺ عامل محیط نیز در رشد مادی و روحی جنین تأثیر گذار است، همچنین زمان و مکان و شرایط انعقاد نطفه نیز در رشد بدنی و روحی کودک بسیار مؤثر است.
- ❻ در پرورش فرزند باید هم به بعد معنوی او توجه شود و هم بعد جسمی وی را در نظر گرفت.
- ❼ برخورداری از نگرش مثبت، سازنده و مولد و انگیزهٔ قوی در جهت احراز قابلیت های مادری، برای مادران باردار امری ضروری است.
- ❽ مادران باردار و همسران فهیم ایشان باید به حفظ بهداشت جسمی و روانی، بهره مندی از نشاط و سرزندگی در طول مدت بارداری، دور بودن از محیط های متشنج و فضاهای گناه آلود، اجتناب از معاشرت با اهل دروغ و بدزبانی، غیبت و کژاندیشی و عدم مراوده با افراد مضطرب، ترسو، حسود و تنگ نظر، توجه مداوم داشته باشند، چرا که حالات روانی معاشران نامطلوب، عواطف جنین را آزرده می سازد.
- ❾ مراجعهٔ مادر به پزشک به طور منظم، تشکیل پروندهٔ پزشکی و تحت مراقبت بودن در تمام دوران بارداری امری الزامی است؛ زیرا به هنگام زایمان، تدابیر پیش بینی شدهٔ پزشکی می تواند از بسیاری از مشکلات و پیچیدگی های زایمان، نارسائی ها و ضایعات احتمالی زمان تولد پیشگیری کنند. بدیهی است که بهره گیری از مشاوره های ژنتیکی قبل از تصمیم برای بچه دار شدن، بخصوص در شرایطی که زوجین نسبت خویشاوندی نزدیک دارند، امری بسیار حساس است.
- ❿ مادران باید برای حفظ سلامت عمومی خود و عدم ابتلا به بیماری های عفونی و مسری مانند سرخجه، و بیماری های انگلی مثل توکسوپلاسموز (مدفوع گربه سانان) به خصوص در ماه های اول تلاش کنند. این بیماری ها می توانند باعث نارسایی های جسمی و ذهنی در جنین شوند.
- ⓫ با توجه به عوارض جبران ناپذیر اغلب داروها، شایسته است که مادران باردار از مصرف بیهودهٔ داروها و مواد

شیمیایی خودداری کنند و در صورت ضرورت، صرفاً با نظر و مجوز پزشکان متخصص عمل نمایند. لازم است که از استعمال دخانیات، مواد مخدر و الکل بر حذر باشند. مادرانی که بعضی از افراد خانواده شان سیگار می کشند باید بدانند که دود سیگار به هر اندازه ای که باشد، آفت سلامت عموم دیگران، به خصوص جنین در حال رشد است. این مواد می توانند صدمات جبران ناپذیری به جنین وارد کنند.

❶ شایسته است مادران حتی امکان از عکس برداری با اشعه ایکس، بویژه در ۴ ماهه اول خودداری کنند و در صورت ضرورت، این کار صرفاً با تجویز و زیر نظر پزشک متخصص انجام گیرد.

❷ توجه به نظافت و بهداشت فردی و استفاده از لباس های تمیز و مناسب برای همه خانم ها، خصوصاً مادران باردار، امری بسیار مهم و بایسته است و مادران باردار باید از پوشیدن لباس های تنگ و کفش ها پاشنه بلند که موجب ناراحتی و کمر درد می شوند، اجتناب ورزند.

❸ مادران باردار باید از برنامه های منظم و مطلوب در زندگی روزمره، فعالیت مناسب، استراحت و خواب کافی برخوردار باشند، چرا که این امور در سلامت و بهداشت روانی مادران باردار بسیار مؤثر است.

❹ برخورداری مادران باردار از برنامه غذایی مناسب، امری واجب و حیاتی است. مصرف غذاهای متنوعی که حاوی پروتئین، ویتامین، مواد معدنی و ... باشند برای رشد مطلوب جنین بسیار مهم است. تغذیه نامناسب یا ناکافی از عوامل نارسایی ذهنی و جسمی جنین است.

نیاز های تغذیه ای مادر در دوران بارداری افزایش می یابد و یک زن باردار با جثه متوسط باید روزانه ۳۰۰ کیلو کالری انرژی اضافه، علاوه بر نیازهای روز مره قبلی خود دریافت کند. البته مصرف بیش از حد غذاها و دریافت کالری بیش از حد نیز برای مادر و جنین می تواند زیان بخش باشد و این تفکر کلیشه ای و غلطی است که «مادر باردار باید به اندازه ۲ نفر غذا بخورد».

نیاز خانم در دوران بارداری به آهن، اسید فولیک و انواع ویتامین ها افزایش می یابد. نیاز زن باردار به آهن در دوران بارداری تا دو برابر قبل از بارداری افزایش می یابد. این میزان افزایش نیاز به آهن برای رشد جنین از طریق مصرف مواد غذایی تامین نمی شود بنابراین بایستی از هفته ۱۶ بارداری، مصرف روزانه ۳۰ میلی گرم آهن به خانم باردار توصیه شود.

نیاز به اسید فولیک نیز در دوران بارداری افزایش می یابد. به دلیل نقش اسید فولیک در پیشگیری از نقص مادرزادی لوله عصبی بهتر است مصرف این مکمل از سه ماه قبل از بارداری یا یک ماه قبل از آن شروع شود و برای خانم های بارداری که از قبل تصمیم به بارداری نداشته اند به محض اطلاع از بارداری مصرف روزانه ۴۰۰ میکروگرم از این مکمل توصیه می شود.

همچنین زن باردار به انواع ویتامین ها در دوران بارداری نیاز دارد. در کشور ما کلیه خانم های باردار از هفته ۱۶

بارداری باید روزانه یک کپسول مولتی ویتامین مصرف کنند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: به مادر باردار در ماه های آخر خرما بخورانید تا فرزندش بردبار و پاکیزه باشد.

بدون تردید رطب، به، کندر، خربزه و عسل از جمله مواد غذایی هستند که در رشد زیستی و روانی جنین، بخصوص سلول های مغزی-عصبی مؤثرند.

■ مصرف داروهای آرام بخش در دوران بارداری آسیب های جبران ناپذیری را متوجه جنین می سازد؛ پس بهتر است خانم های باردار با صبر و اندیشیدن به فرزند سالم، دردهای طبیعی دوران بارداری را بدون مصرف این داروها تحمل کنند.

■ و بالاخره در خانواده همسران برتر، پدران نیز مسئولیت خطیری در دوران بارداری مادران عهده دار هستند، زیرا ایجاد تسهیلات لازم از جهات مختلف، فراهم نمودن آرامش خاطر، سلامت روانی و عاطفی مادر و تلاش در حسن تأمین نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی مادر و سیراب ساختن وی از منبع محبت، از وظایف و مسئولیت های پدران فهیم و متعهد است.

نقش خانواده در تربیت فرزند

از نظر کمی: خانواده بیشترین ارتباط از نظر کمی را با فرزند دارد. زیرا این ارتباط، قبل از تولد و از مرحله جنینی آغاز شده و حتی ممکن است تا پایان عمر ادامه یابد.

از نظر کیفی: روابط انسانی والد- فرزند و به ویژه مادر با فرزند از حیث شدت عشق و علاقه میان آن دو در هیچ ارتباط دیگری قابل تصور نیست؛ بی تردید از این نظر نمی توان برای خانواده جایگزینی یافت.

وحدت انسانی: از ویژگی های برجسته خانواده، هماهنگی، انسجام و یکپارچگی میان اعضای آن برای رسیدن به هدف مشترک است. اما بی گمان میزان برخورداری هر خانواده از وحدت انسانی، بسته به پابندی آن به ارزش های اخلاقی است. بنابراین جوامعی که به ارزش های اخلاقی پایبند تر هستند، وحدت و انسجام بیشتری دارند.

نخستین پل ارتباطی: مادر پل ارتباطی نوزاد و دنیای جدید است. وی نخستین عامل انس و الفت برای کودکش است.

دلبستگی: انسان به دلیل داشتن غریزه حب ذات، به خود و هر آنچه متعلق به اوست، دلبستگی دارد. والدین به

شدت به کودک خود دلبستگی دارند و به همین رو خیلی سخت از او پشتیبانی و محافظت می کنند.

تداوم و تنوع حضور: از دیگر ویژگی های خانواده، حضور دائم در عرصه های مختلف زندگی در کنار فرزند است. در فراز و نشیب های زندگی که فرزند قابلیت ها و توانایی هایش را می سنجد، این موقعیت برای والدین نیز فراهم می شود تا بتوانند در مواجهه او با مشکلاتش، نقاط قوت و ضعف او را بهتر بشناسند.

بخش ۲- جمعیت شناسی

تعریف جمعیت: تجمعی از افراد انسانی است که در منطقه ای معین (روستا، شهر یا کشور) به طور مستمر به شکل خانوار یا خانواده زندگی می کنند.

انواع جمعیت:

جمعیت اصلی: جمعیت کل یک جامعه یا کشور را جمعیت اصلی می گویند.

جمعیت فرعی: آن قسمت از جمعیت که به لحاظ ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و ... مورد بررسی قرار می گیرد.

جمعیت مقیم (قانونی): تمام کسانی را شامل می شود که تابعیت کشوری را دارند و یا اهل منطقه ای هستند اعم از این که هنگام سرشماری در محل حضور داشته باشند یا حضور نداشته باشند.

جمعیت حاضر (واقعی): تمام کسانی را شامل می شود که هنگام سرشماری در محل حضور داشته و مورد شمارش قرار می گیرند.

جمعیت باز: جمعیتی است که در افزایش یا کاهش آن علاوه بر موالید و مرگ و میر، مهاجرت نیز تاثیر دارد و در آن مهاجرت آزادانه صورت می گیرد.

جمعیت بسته: جمعیتی است که در افزایش یا کاهش آن مهاجرت نقشی ندارد و تغییرات آن فقط از اختلاف زاد و ولد و مرگ و میر ناشی می شود.

جمعیت شناسی: (Demography)

مترادف واژه دموگرافی است. که از دو ریشه دموس (Demos) به معنای مردم و گرافوس (Graphos) به معنای نوشتار یا نگارش گرفته شده است.

تعریف جمعیت‌شناسی به صورت جامع و کامل عبارت است از: مطالعه علمی، توصیفی و تحلیل آماری ساختار و حرکات جمعیت‌های انسانی و همچنین بررسی سیاست‌های جمعیتی و روابط متقابلی که میان پدیده‌های جمعیتی و عوامل اقتصادی، اجتماعی و زیستی وجود دارد.

جمعیت‌شناسی علمی است میان رشته‌ای که در قلمرو موضوع خود با علومی چون: جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، تاریخ، روانشناسی، ژنتیک و زیست‌شناسی سر و کار دارد.

به طور کلی جمعیت‌شناسی جمعیت‌های انسانی را از دو جهت مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱- ساختار (ترکیب) جمعیت که به واسطه آن جمعیت‌ها با توجه به عوامل تشکیل‌دهنده آن جمعیت مطالعه می‌شوند.

۲- حرکات جمعیتی که از طریق آن تغییر و تحولات جمعیتی مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

ساختار جمعیت: حجم جمعیت، شکل توزیع مکانی، سنی، جنسی، فعالیت و اشتغال، سواد و آموزش و قومیت و نژاد از جمله عواملی هستند که در ساختار جمعیت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- حجم جمعیت:

منظور از حجم، تعداد جمعیتی است که در سرشماری به دست می‌آید. آگاهی از حجم جمعیت با توجه به تاثیری که تعداد افراد هر جامعه در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی دارند بسیار با اهمیت است.

در ساده‌ترین شکل تعداد بیشتر جمعیت به معنای قدرت بالقوه بیشتر از نظر نیروی انسانی است و این قدرت بالقوه می‌تواند تاثیراتی را بر ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورها بگذارد.

۲- توزیع مکانی جمعیت:

توزیع جمعیت را از لحاظ جغرافیایی مورد بررسی قرار می‌دهد. برای تشخیص توزیع مکانی جمعیت و تغییرات ناحیه‌ای آن، تراکم جمعیت را در سطح معینی حساب می‌کنند.

تراکم شاخصی است که رابطه بین وسعت منطقه و تعداد جمعیت را معین می‌کند و به صورت تراکم حسابی، تراکم زیستی، تراکم شهری و تراکم روستایی قابل محاسبه است.

تراکم حسابی جمعیت: متوسط تعداد جمعیت را در یک کیلومتر مربع محاسبه می‌کند. تراکم حسابی تمام زمین‌های قابل سکونت و غیر قابل سکونت را محاسبه می‌کند که به تنهایی نمی‌تواند معیار خوبی برای سنجش تراکم باشد.

$$\text{میزان تراکم حسابی} = \frac{\text{کل جمعیت}}{\text{مساحت کشور به کیلومتر مربع}}$$

تراکم زیستی جمعیت:

متوسط تعداد جمعیت بر حسب مساحت زمین های قابل کشت را محاسبه می کند. تراکم زیستی رابطه معقول تری را بین جمعیت و زیستگاه آن نشان می دهد.

$$\text{میزان تراکم زیستی} = \frac{\text{کل جمعیت}}{\text{مساحت زمین های زیر کشت به هکتار}}$$

۳- توزیع جنسی جمعیت

ویژگی ها و عملکرد زن و مرد در برخی موارد با یکدیگر متفاوت است و نحوه توزیع جمعیت در یک منطقه از نظر جنس، تاثیرات قابل توجهی را بر سایر متغیر های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی آن منطقه بر جای می گذارد. به عنوان مثال کاهش زنان یک منطقه باعث کاهش باروری و در نتیجه کاهش باروری می شود و یا کاهش مردان باعث کاهش فعالیت های اقتصادی خواهد شد. لذا با توجه به مسئولیت ها و وظایفی که زنان و مردان هر جامعه ای بر عهده دارند توزیع متعادل آنها در سطح هر جامعه کاملاً ضروری و اجتناب ناپذیر است.

$$100 \times \frac{\text{تعداد مردان}}{\text{تعداد زنان}} = \text{نسبت جنسی}$$

نسبت جنسی در بدو تولد برای کلیه جوامع بشری ۱۰۳ تا ۱۰۵ است یعنی به ازای هر ۱۰۰ نوزاد دختر ۱۰۳ تا ۱۰۵ نوزاد پسر متولد می شود اما در طول زندگی نسبت جنسی با توجه به میزان های مرگ و میر (خصوصاً در جنس مذکر) و مهاجرت تغییر پذیر است.

۴- توزیع سنی جمعیت:

بررسی و طبقه بندی جمعیت یک جامعه به تفکیک سن را توزیع سنی جمعیت می گویند که یکی از ویژگی های اصلی ساختار جمعیت است.

سنین ۱۵ تا ۶۴ سال افراد تولید کننده و غیر از این سنین افراد وابسته یا مصرف کننده می باشند. **نسبت وابستگی:** نسبت جمعیت مصرف کننده صرف از نظر اقتصادی به جمعیت فعال از نظر اقتصادی را نسبت وابستگی می نامند که هر چقدر کوچک تر باشد نشان دهنده شرایط بهتر جامعه از نظر اقتصادی- اجتماعی می باشد. متأسفانه در کشور ما (با روند کنونی در سال ۱۳۹۲) نسبت وابستگی در حال افزایش است.

سن یکی از شاخص های اساسی در تحلیل ساخت و توزیع جمعیت بوده و برای پیش بینی وضع آینده جمعیت و برنامه ریزی های مختلف اجتماعی و اقتصادی و ... در تحلیل های جمعیتی نقش اساسی را بازی می کند. سن به دو روش قابل محاسبه است:

سن درست و سن مداوم.

سن درست هر سال فقط یک بار و آن هم در تاریخ سالروز تولد شخص مصداق پیدا می کند. سن مداوم که در جمعیت شناسی اغلب با آن سر و کار داریم سنی است که به طول زمان واقع بین دو سن سالروزی اطلاق می شود و عنوان آن سالروز اولی است.

در کشورهای در حال توسعه جمعیت جوان تر و در نتیجه هرم سنی مخروطی شکل است و در کشور های پیشرفته جمعیت پیرتر و هرم زنگوله ای شکل می باشد.

جوان بودن جمعیت :

۱. درصد افراد کمتر از ۱۵ سال، ۴۰ درصد یا بیشتر باشد.
 ۲. محاسبه سن میانه (سنی که جمعیت را دو قسمت می کند): جمعیتی که سن میانه پایین تری دارد جوان تر است.
- شایان ذکر است با توجه به این که یکی از شاخص های توسعه، جمعیت جوان و در سن فعالیت است کشور ما دارای یک فرصت تکرار ناپذیر برای رشد و توسعه اقتصادی است.

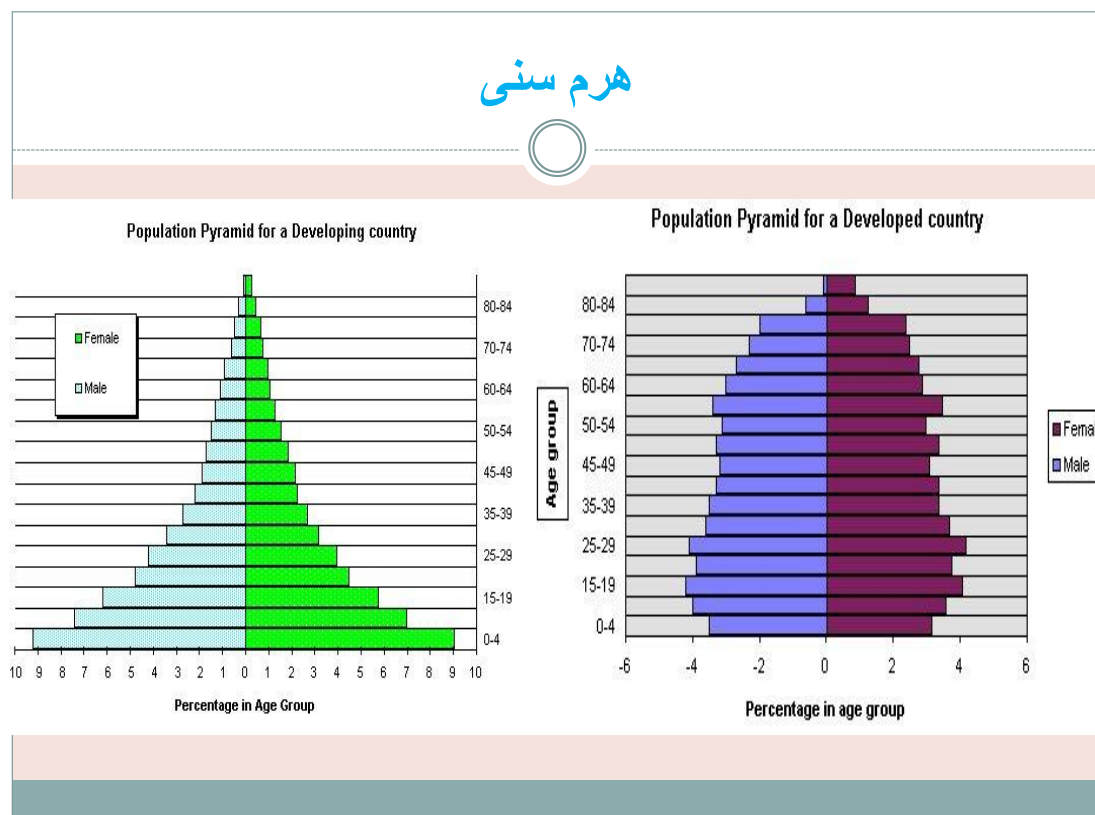
هرم سنی:

هرم سنی بهترین ابزار نمایش ساخت یا ترکیب سنی جمعیت است که توزیع سنی جمعیت (به همراه تفکیک جنس) را نشان می دهد. هرم سنی، ابزار نمایش هندسی توزیع جمعیت بر حسب سن و جنس می باشد. هرم سنی ضمن این که ساخت و ترکیب جمعیت را از نظر تعداد، سن و جنس، پیری و جوانی نشان می دهد، آینه ای از تحولات گذشته جمعیت می باشد که اثرات آن به راحتی از بین نمی رود و همچون زخمی بر بدنه هرم نقش می بندد. ترکیب سنی و جنسی جمعیت را می توان به صورت گرافیکی نشان داد که هرم جمعیتی را تشکیل می دهد ستون افقی، تعداد افراد و ستون عمودی سن افراد را نشان می دهد.

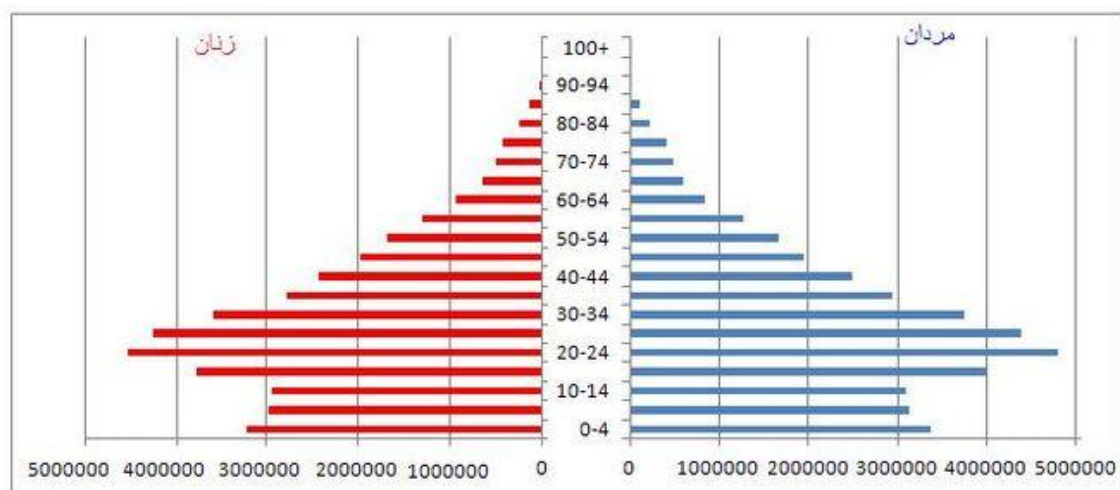
۱. هرم های مثلثی که در آنها درصد بالایی از جمعیت در سنین پایین قرار دارند نماینگر رشد سریع جمعیت هستند. هرم سنی کشورهای در حال توسعه و با موالید بالا که جمعیت جوان بیشتری دارند به شکل مثلثی یا مخروطی است.
۲. هرم هایی که در آن ها جمعیت در گروه های سنی جوان کم است نشان دهنده رشد کم جمعیت هستند.

۳. هرم هایی که در آنها درصد افراد در بیشتر سنین تقریباً مساوی هستند نشان دهنده رشد صفر یا منفی هستند.

هرم سنی



هرم جمعیت ایران در سال ۲۰۱۱ میلادی



بر اساس

U.S. Census Bureau, International Data Base.
www.census.gov

هرم سنی در کشور ما در سال های آینده از نوع هرم سنی **کاهنده** است؛ یعنی جمعیتی که هر سال عدد متولدین آن رو به کاهش است. هرم سنی این جمعیت دارای پایه یا قاعده ای باریک بوده و نظمی در آن دیده نمی شود.

حرکات جمعیتی:

عبارت است از دگرگونی هایی که در یک زمان معین در یک جمعیت رخ می دهد.

این تحولات و دگرگونی ها در چهار مقوله ولادت و باروری، مرگ و میر، مهاجرت، ازدواج و طلاق قابل مطالعه و بررسی است.

ولادت و باروری: ولادت عبارت است از تعداد نوزادان متولد شده در میان یک گروه اجتماعی طی یکسال، در حالی که باروری به توان بالقوه زاد و ولد یک زن یا یک گروه اجتماعی از زنان گفته می شود که معمولاً این توان از ۱۵ سالگی آغاز و تا ۴۹ سالگی ادامه پیدا می کند.

عوامل مؤثر بر باروری:

- ۱- سن ازدواج: هر قدر سن ازدواج پایین تر باشد، طبیعی است که تعداد فرزندان بیشتر می شود.
- ۲- همگانی بودن ازدواج: هر چه ازدواج در جامعه از مقبولیت بیشتری برخوردار باشد، میزان باروری افزایش خواهد یافت.
- ۳- وضعیت اقتصادی: که به صورت مستقیم و غیر مستقیم می تواند بر فرزندآوری تأثیر گذار باشد.
- ۴- دوره زندگی مشترک: هر چه این دوره بیشتر باشد و کمتر به طلاق بیانجامد، میزان ولادت بیشتر خواهد بود.
- ۵- فاصله بین زایمان ها: مادرانی که شیر می دهند ممکن است بارداری آنها به تأخیر افتد و همچنین فاصله گذاری بین فرزندها می تواند بر بارداری تأثیر گذار باشد.
- ۶- سطح سواد: طبق مطالعات کسانی که دارای سطح سواد بیشتری هستند تعداد فرزندان کمتری دارند و از یک طرف افزایش مدرک گرایی نیز باعث تأخیر در ازدواج و کاهش فرصت باروری می شود.
- ۷- آداب و سنت های اجتماعی: در برخی فرهنگ ها زن زایمان کرده تا سه سال تابو قرار می گیرد یا زن بیوه به عقد برادر شوهر در خواهد آمد که این خود بر الگوی باروری می تواند تأثیر گذار باشد.
- ۸- اعتقادات مذهبی: در کشورهای اسلامی چند همسری امری رایج بوده و می تواند باعث باروری بیشتر در این جوامع شود.
- ۹- در دسترس بودن وسایل پیشگیری از بارداری: هرچه این وسائل و اطلاعات کاربرد آنها بیشتر باشد، می تواند بر پیشگیری از بارداری مؤثر باشد.

و عوامل دیگر مثل: جایگاه زن در اجتماع، ارزش کودک در اجتماع، اشتغال زنان، تغذیه کودک با شیر مادر، وضعیت مسکن و ...

مرگ و میر

مرگ و میر نسبت به بررسی باروری پیچیده تر است به دلیل این که در باروری عموماً یک گروه جنسی در یک مقطع سنی مورد مطالع قرار می گیرد در حالی که در مطالعه مرگ و میر هر دو جنس در تمام گروه های سنی مورد توجه می باشند.

سازمان بهداشت جهانی مرگ را نابود شدن همیشگی کلیه نشانه های زندگی در هر زمانی بعد از ولادت تعریف می کند.

عوامل مؤثر بر مرگ و میر:

وراثت و نژاد: طول عمر امری موروثی است و این مورد به تعداد زیادی از ژن ها مرتبط است.
جنس: بالا بودن مرگ و میر در جنس مذکر با عوامل بیرونی مرتبط است و مهمترین آن حوادث شغلی می باشد.
تغذیه: کمبود مواد غذایی و یا نوع تغذیه در طول عمر مؤثر است.
شیوه زندگی: برای مثال در زندگی شهری بایشرفت تکنولوژی بیماری روان تنی بیشتر رخ می دهد و مقابله با مشکلات و استرس ها بر طول عمر مؤثر است.

مهاجرت:

جمعیت ها در مکان نیز حرکاتی انجام می دهند که موجب نوساناتی در رقم کلی جمعیت منطقه می گردد که این را معمولاً مهاجرت می نامند. مهاجرت به دو شکل درون مرزی و برون مرزی صورت می گیرد که مهاجرت برون مرزی شامل مهاجر فرستی (مهاجرت به خارج از کشور) و مهاجر پذیری (مهاجرت به داخل) صورت می گیرد.

علل مهاجرت:

مهاجرت ها ممکن است علل مذهبی، سیاسی یا اقتصادی داشته باشد اما در زمان ما یکی از علل مهم مهاجرت آرزوی رفاه بیشتر است.

نتایج مهاجرت:

تأثیر مهاجرت در سرزمین های مهاجر فرست:

الف) پیامدهای مثبت مهاجرت در سرزمین های مهاجر فرست:

۱. ایجاد بازار کار و درآمد بیشتر برای نیروهای انسانی باقیمانده
۲. کسب درآمد و بازگشت ارز. مهاجرین مقداری از درآمد خود را برای خانواده و بستگانش به کشور مبدأ می فرستد.
۳. برقراری روابط فرهنگی بین کشورها

ب) پیامد های منفی مهاجرت در سرزمین های مهاجر فرست

۱. از دست دادن نیروهای اقتصادی فعال زیرا بیشتر مهاجران جوانان هستند.
۲. از بین رفتن سرمایه ای که صرف تربیت و آموزش افراد مهاجر شده است.
۳. از دست رفتن نیروهای متفکر
۴. کاهش جمعیت جوان و کم شدن میزان ازدواج
۵. ایجاد تغییر در هرم سنی جمعیت

تأثیر مهاجرت در سرزمین های مهاجر پذیر

الف) پیامد های مثبت مهاجرت در سرزمین های مهاجر پذیر

۱. استفاده از نیروی فعال و جوان بدون هیچ گونه سرمایه گذاری قبلی
۲. استفاده از کارگران خارجی برای فعالیت های سخت مانند کار در معدن
۳. استفاده از کارگران خارجی با دستمزد پایین تر از افراد داخلی

ب) پیامد های منفی مهاجرت در سرزمین های مهاجرپذیر

۱. ایجاد بیکاری برای کارگران داخلی
۲. افزایش جمعیت
۳. نفوذ آداب و رسوم مغایر با فرهنگ و سنت های جامعه
۴. اشاعه بیماری هایی که ممکن است مهاجران به آنها مبتلا باشند.

ازدواج و طلاق:

ازدواج و طلاق دو موردی هستند که با تأثیرات مثبت و منفی بر دوره زندگی مشترک زناشویی و موقعیت باروری بر میزان زاد و ولد و دگرگونی های جمعیتی مؤثر هستند.

/ازدواج: پدیده ای است که به روش های قانونی تداوم بخش نسل های انسانی است. در کشورهای توسعه یافته سن ازدواج بالا می باشد و این باعث کاهش باروری می شود. و لی در کشورهای در حال توسعه این امر بالعکس می باشد. آمارها نشان می دهد میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان در کشور ما افزایش یافته است. کارشناسان گسترش شهرنشینی، تمایل به ادامه تحصیل، خدمت سربازی، بیکاری و افزایش هزینه های زندگی را از جمله علل تأخیر در ازدواج جوانان در طی سال های اخیر می دانند.

طلاق: طلاق مانند مرگ یکی از زوجین موجب ناقص شدن خانواده می شود و در صورت عدم ازدواج مجدد زن یا مرد، این خانواده از تولید ناتوان خواهد بود. از سوی دیگر طلاق باعث از هم پاشیدن خانواده شده و فرزندی را از نعمت پدر و مادر محروم می کند که این افراد به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم در راه احراز مقام شهروندی یک جامعه هستند. یکی از علل عمده خودکشی جوانان زیر ۱۸ سال، طلاق والدین است.

از مهم ترین دلایل طلاق در ایران می توان به فقر، بیکاری، اعتیاد یکی از زوجین، عدم شناخت کافی زوجین از یکدیگر، دخالت اطرافیان، ناباروری و مشکلات جنسی اشاره کرد.

تغییرات جمعیت در ایران

جمعیت ایران در طول یک قرن اخیر، تحولات بی سابقه ای را داشته است. جمعیت کشور که در دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، با نرخ رشد ۳/۱ درصد افزایش یافته بود، در دهه بعدی به دلیل اعمال برنامه تنظیم خانواده به نرخ رشد ۲/۷ درصد کاهش یافت. اما طی دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ نرخ رشد به بالاترین سطح خود در طول تاریخ تحولات جمعیتی یعنی ۳/۴ درصد رسید. از آن به بعد و با اعمال برنامه های تنظیم خانواده جمعیت ایران رو به کاهش رفت. در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نرخ رشد ۱/۶ و در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، به ۱/۶ درصد رسید. طی سال های اخیر درصد رشد سالانه جمعیت ایران، به دلیل کاهش میزان باروری همچنان رو به کاهش است. طبق سرشماری انجام شده در سال ۱۳۹۰ جمعیت ایران حدود ۷۴۹۶۱۷۰۲ نفر و نرخ رشد ایران در همین سال ۱/۳ درصد برآورد گردید. در نسبت جنسی نیز به ازای هر ۱۰۰ زن، ۱۰۳ مرد وجود دارد. رشد جمعیت کشور در فاصله سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ از ۱/۶ به ۱/۳ درصد و تعداد خانوار ایرانی نیز به ۳/۶ کاهش یافته است. پیش بینی می شود با تداوم روند کاهش باروری در حد زیر سطح جانشینی (۲/۱ فرزند برای هر زوج)، در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۱۰ رشد سالانه جمعیت ایران به ۱ برسد. در حقیقت مراحل انتقالی جمعیت ایران از اواخر دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵ با توجه به افت اساسی باروری در ایران، به پایان دوره گذار اول جمعیتی رسیده است. شواهد جمعیت شناختی نشان می دهد که هم اکنون ایران در آستانه ورود به گذار جمعیتی دوم است. یکی از چالش های گذار جمعیتی دوم که اکنون نشانه های آن در جمعیت کشور دیده می شود، کاهش سطح باروری، به زیر سطح جانشینی است. کاهش سریع باروری همراه با بهبود شرایط زیست و افزایش امید به زندگی در ایران، در

دهه های آینده، به تغییرات سریع ساختارهای سنی و سالخوردگی جمعیت می انجامد. در حال حاضر جامعه ایران در مرحله انتقال ساختار سنی از جوانی به سالخوردگی است. فزونی سرعت رشد جمعیت سالمندان در دهه های آینده موجب افزایش بار تکفل و گسترش نیازهای سالمندان گردیده است. عواملی مانند بالا رفتن سن ازدواج، افزایش مجرد قطعی، افزایش سطح انتظارات اقتصادی، بالا رفتن سطح اشتغال زنان، افزایش هزینه پرورش فرزندان و فشارهای اقتصادی و مهاجرت در کاهش باروری تأثیر بسزایی داشته است. آمارها نشان می دهد که در سال ۱۳۹۰ در بیشتر استان های کشور، میزان باروری کل در حد زیر سطح جانشینی بوده است؛ حال آنکه سیاست های جمعیتی در صدد ثابت نگه داشتن جمعیت بود، می بایست به طور متوسط هر زن ۲/۱ فرزند می داشت تا پس از مرگ پدر و مادر، حداقل دو فرزند جانشین آنها گردد. با توجه به کاهش نرخ باروری کنونی، در چهار دهه آینده، ایران به کشوری سالخورده تبدیل شده و از درون دچار فروپاشی جمعیتی می گردد. بی شک تداوم نرخ باروری با سیر کنونی باعث کاهش جمعیت فعال و بالا رفتن هزینه های سالمندی می شود. لازم به ذکر است در مقایسه با سایر کشورها، نرخ باروری در ایران در سال ۲۰۱۰، از بیشتر کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکای لاتین کمتر بوده است.

جمعیت و توسعه پایدار:

جمعیت و توسعه ارتباط دو جانبه ای با هم دارند. متغیر های جمعیتی بر متغیر های توسعه تأثیر می گذارند و از آنها تأثیر می پذیرند. جهت بهبود هر چه بیشتر کیفیت زندگی مردم در مناطق پر جمعیت، اتخاذ روش ها و برنامه های متوازن یکپارچه در ارتباط با جمعیت، منابع و توسعه ضروری می نماید.

چالش های اساسی در جمعیت کشور ما، به قرار زیر است:

۱. کاهش بسیار سریع باروری و افزایش امید به زندگی ممکن است ساختار سنی جمعیت را در جهت سالخوردگی تغییر دهد و به این ترتیب علاوه بر کاستن از نسبت جمعیت فعال و مولد، جامعه را با هزینه های مالی و بهداشتی و اجتماعی یک جمعیت سریعاً رو به سالخوردگی مواجه سازد.
۲. کاهش باروری و قدرت تجدید نسل: طی سال های اخیر، در برخی استان ها شیوع تک فرزندی و عدم جانشینی (حداقل دو فرزند) رو به افزایش بوده است.
۳. کاهش حجم جمعیت: که بایستی مانند کشورهای با رشد منفی جمعیت، سیاست های مدبرانه ای در این خصوص اعمال شود.
۴. افزایش روزافزون مهاجران خارجی: که می تواند بر هویت فرهنگی، اجتماعی و ترکیب قومی-نژادی کشور تأثیر گذار باشد.

سیاست های جمعیتی

مجموعه اصول، تدابیر و تصمیمات مدون جمعیتی است که از سوی دولت ها اتخاذ می شود و حدود فعالیت های دولت را در رابطه با مسائل جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی به دنبال دارند تعیین می کند. به بیان دیگر برنامه های مدون و منطقی را که در یک جامعه برای پرورش نیروهای انسانی و استفاده بهینه از توان جسمی و روحی آنها وضع می شود، سیاست های جمعیتی می گویند. این سیاست ها می کوشد، بسترهای ایجاد تعادل بین جمعیت و عوامل اقتصادی- اجتماعی را هموار نموده و امکانات هر چه بیشتر برای رفاه افراد جامعه را فراهم نماید.

اساسی ترین هدف سیاست های جمعیتی، بهروزی جمعیت و حل مسائل جمعیتی است. مسائل جمعیتی بر آن دسته از امور جمعیتی گفته می شوند که از حالت تعادل و هماهنگی با سایر امور مجموعه خود، خارج شده اند، لذا برای حل آنها باید تدابیری اتخاذ گردد که این تدابیر، همان سیاست های جمعیتی هستند. مثلا کشورهایی مانند آمریکا، انگلیس و فرانسه، با حمایت های مالی و غیر مالی، خانواده ها را تشویق به فرزندآوری می کنند.

انواع سیاست های جمعیتی

دولت ها می توانند به دو طریق بر تحولات جمعیتی یک کشور مؤثر واقع شوند. نخست از طریق اجرای یک سیاست مستقیم و آشکار، دوم از راه اتخاذ سیاست غیر مستقیم و با واسطه. سیاست های مستقیم به صورت بی واسطه، به منظور تغییر ساختار جمعیت انجام می گیرد مانند تشویق موالید، مبارزه با مرگ و میر، پیشگیری از باروری، پذیرش کارگران خارجی، تسهیل مهاجرت به خارج از کشور و ... در حالی که سیاست های غیر مستقیم، همان سیاست های عمومی اجتماعی - اقتصادی و سوق کشور در جهت تحولاتی در ساخت و حرکات جمعیت می باشد که در سطح کشور اتخاذ و اجرا می شود.

اضافه می شود سیاست های جمعیتی در دو سطح کلان و خرد می توانند اتخاذ و به مورد اجرا گذارده شوند. سیاست های جمعیتی کلان، سیاست هایی است که در سطح بسیار وسیع و گسترده آغاز گردیده و کل جامعه را در بر می گیرد؛ در حالی که سیاست های جمعیتی خرد، در سطح محدود تری اجرا شده و به جای کل جامعه، بخشی از آن را هدف قرار می دهد. سیاست های جمعیتی عمدتاً از دو جنبه کمی و کیفی برخوردارند.

اهداف کلان سیاست های جمعیتی

۱. کمک به خانواده ها در جهت افزایش فرزند: دولت ها بر اساس اهداف متنوع خود و در چارچوب ساختار اقتصادی - اجتماعی کشورشان، تدابیر معینی را به کار می بندند، تا ساخت و حرکات جمعیت را نیز در حد امکان با این اهداف هماهنگ و متعادل سازند و اگرچه در در سیاست های جمعیتی، ماهیت این اهداف می تواند عمدتاً در قالب اهداف کمی و یا کیفی برنامه ریزی و اجرا گردد، لیکن نتایج حاصل از آن به طرز چشمگیری بر

دیگری اثر خواهد گذاشت. در کشورهای توسعه یافته که نرخ رشد جمعیت منفی شده است سیاست های مبتنی بر افزایش جمعیت در پیش گرفته شده است. در کشور ما نیز به دلیل واگیری تک فرزندی و افزایش نسبت سرباری در سال های آتی، که می تواند بر اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشور تأثیر منفی بگذارد، سیاست های افزایش جمعیت در پیش گرفته شده است.

۲. نظارت بر مهاجرت: در ۲ بخش مهاجرت برون مرزی و درون مرزی

نظارت بر افزایش جمعیت شهر نشین

کنترل مهاجرت از روستا به شهر

کنترل خروج نیروهای نخبه و مستعد به خارج از کشور

هدایت جمعیت به قطب های صنعتیو کشاورزی

نظارت بر مهاجرت های داخلی

۳. بهبود نسل:

علم بهبود نسل به روش ها و اصولی گفته می شود که هدف آن بهبود و اصلاح کیفی جمعیت های انسانی است این علم توسط فرانسیس گالتون پایه گذاری شد که به نقش توارث در کیفیت جمعیت های انسانی توجه دارد. برای مثال بعد از جنگ جهانی دوم بازماندگان بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی دچار عارضه های شدیدی شدند که سبب جهش های ژنی و مشکلاتی در نسل های بعدی گردید لذا دولت ژاپن سیاست بهبود نسل را اتخاذ کرد تا از تولد نوزادان ناقص الخلقه جلوگیری کند. در سایر کشورها نیز به دلیل عدم تجانس های بیولوژیک میان همسران و یا در موارد ازدواج های خویشاوندی احتمال بروز مشکلات مادرزادی برای کودکان وجود دارد لذا دولت ها اقداماتی مانند: مشاوره ژنتیک قبل از ازدواج، مشاوره قبل از بارداری، آزمایش های جهت تشخیص جنین های مشکل دار در طی بارداری تا از تولد نوزاد معلول ممانعت بعمل آید مثلاً عمل آمنیوسنتز در اواسط بارداری در حاملگی های بالای ۳۵ یا ۴۰ سال و یا در موارد احتمال وقوع بیماری مادرزادی، انجام می شود

۴. حمایت از کودکان: حمایت از دوران قبل از تولد و پس از آن، در همه کشورهای توسعه یافته و رو به توسعه مد نظر است. به عنوان مثال با مشاوره قبل از ازدواج و مراقبت های دوران بارداری در جهت سلامت جنین و کودک، قدم های مثبتی برداشته می شود. همچنین دولت ها می توانند کانون هایی را جهت حمایت از اطفال بی سرپرست و معلولین ذهنی و جسمی تأسیس نمایند و با کمک های مادی و معنوی، مشکلات این قبیل کودکان را کاهش دهند.

۵. حمایت از سالخوردگان: به موازات ارتقای سطح بهداشت و پزشکی، متوسط طول عمر، رو به افزایش است و این افزایش بارز در متوسط طول عمر، جمعیت سالخورده دنیا را هر روز افزایش می دهد.

ایجاد وسایل گذراندن اوقات فراغت سالمندان

تأسیس خانه سالمندان

برقراری سیستم تأمین اجتماعی

در جوامع در حال توسعه به علت بالا بودن جمعیت جوان سیاست ها معطوف به جوانان است.

۶. **کنترل موالید:** توزیع امکانات تنظیم خانواده به طور رایگان در مراکز بهداشتی درمانی در برخی کشورها که در پی کاهش جمعیت هستند. در برخی کشورها با افزایش تعداد فرزندان تسهیلات مالی برای والدین در نظر گرفته نمی شود.

در حال حاضر (۱۳۹۲) سیاست جمعیتی کشور ما، به دلیل شیوع تک فرزندی و عدم تمایل زوجین به باروری، در جهت افزایش جمعیت می باشد.

دیدگاه های جمعیتی:

۱- طرفداران افزایش جمعیت

این گروه بر این باورند که افزایش جمعیت منشأ قدرت بوده و در نهایت به توسعه اقتصادی می انجامد. تاریخ این نظریه ها مربوط به دوران گذشته خصوصاً یونان قدیم بوده که جمعیت را منشأ قدرت و پیروزی در جنگ ها می دانستند. ادیان الهی نیز بر افزایش جمعیت تأکید می ورزند. از منظر این دیدگاه، امکانات طبیعت برای تأمین نیازهای جمعیت بسیار نامحدود است و با تغییر در تکنولوژی و ارتقاء آن می توان امکانات را برای رفاه جمعیت فراهم ساخت. از دیدگاه این نظریه پردازان برای به کار افتادن سرمایه، ایجاد توسعه اقتصادی لازم است و فشار جمعیت اضافی سبب می شود که توده مردم در جهت تغییر و ایجاد سازمان اقتصادی اقدام کنند و در نتیجه همین باعث توسعه اقتصادی می شود.

۲- طرفداران جمعیت متناسب

جمعیت متناسب بر اساس مطالعه رابطه تعداد جمعیت و منابع یک جامعه تعیین و تدوین می گردد. جمعیت بهینه یا مطلوب هر کشوری، با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی آن کشور در مقطع خاصی از زمان قابل تصور است. به طور کلی می توان گفت، هر کشور باید کوشش کند با توجه به امکانات اجتماعی و اقتصادی کوتاه مدت و دراز مدت خود نرخ باروری و رشد جمعیت خود را به سطح متناسب با تضمین سلامت و رفاه کودکان، مادران و خانواده ها و توسعه اقتصادی کشور برساند.

۳- طرفداران جمعیت ثابت

این گروه هیچ حرکتی در جمعیت را مجاز نمی‌شمردند، خواه این حرکت افزایش باشد و یا کاهش جمعیت. وقتی جمعیت به حد کمال خود رسید، هیچ گونه تغییری در آن مجاز نمی‌باشد و با این تدبیر سهم افراد از زمین و سرمایه بیشتر خواهد بود.

۴- مخالفان افزایش جمعیت

افرادی چون مالتوس مخالف افزایش جمعیت بودند و بر این عقیده بودند که بر اساس نظریه وی، در حالی که رشد جمعیت بر مبنای تضاد هندسی صورت می‌گیرد، عرضه مواد غذایی به صورت تضاد حسابی گسترش پیدا می‌کند. لذا در صورت تداوم رشد جمعیت گرسنگی و قحطی اجتناب ناپذیر خواهد بود. در حال حاضر دو قرن پس از نظریه مالتوس علاوه بر غذا و غلات دسته ای دیگر از نیازها شکل گرفته اند که در زمان او موضوعیت نداشت و این نیازها در رابطه با جمعیت و توسعه ابعاد پیچیده تری پیدا می‌کند نیاز هایی همچون: آموزش و بهره گیری از دستاورد های تکنولوژی در زمینه هایی چون مسکن و اشتغال و سایر جنبه های زیستی که در یک قالب کلی می توان به عنوان نیاز های مرتبط با توسعه از آنها یاد کرد.

شاخص های جمعیتی

برای پی بردن به وضع بهداشتی یک جامعه و مقایسه آن با سطح مطلوب، تنها جمع آوری اطلاعات آماری و نمایش آن کافی نیست بلکه باید ابزاری را مانند شاخص در دست داشت تا بتوان نتایج را اندازه گیری، تفسیر و توجیه کرد. شاخص ها اعداد یا نسبت هایی هستند که از مشاهده اوضاع و وقایع استخراج می شوند. و به عنوان مشخص کننده آن اوضاع یا وقایع در زمان معین یا برای مقایسه آن در زمان های مختلف به کار می روند. شاخص ها غالبا به صورت نسبت و میزان بیان می شوند.

نسبت: کسری است که صورت و مخرج آن از یک مقوله واحد نیستند و ممکن است صورت و مخرج کسر دارای فاصله زمانی باشند و در دو زمان مختلف رخ داده باشند.

میزان: رایج ترین ابزار آماری است و کسری است که صورت کسر زیر مجموعه مخرج کسر است و عامل زمان نیز در آن دخالت داده شده است.

مهمترین شاخص های جمعیتی که برای ارزشیابی وضعیت بهداشت هر جامعه کاربرد دارد عبارتند از: شاخص های کلی جمعیت، شاخص های باروری، شاخص های مرگ و میر، شاخص های مهاجرت و شاخص های ازدواج و طلاق.

شاخص های کلی جمعیت

۱- میزان رشد طبیعی جمعیت

این میزان افزایش یا کاهش جمعیت را در طول یک سال و در یک منطقه بدون در نظر گرفتن مهاجرت نشان می دهد.

$$\text{میزان رشد طبیعی جمعیت} = \frac{\text{تعداد مرگ ها} - \text{تعداد موالید}}{\text{جمعیت وسط سال}} \times 1000$$

۲- میزان افزایش مطلق جمعیت

اگر عامل مهاجرت در رشد جمعیت لحاظ شود میزان افزایش مطلق جمعیت در طول یک سال و در یک منطقه محاسبه می شود.

$$\text{میزان افزایش مطلق جمعیت} = \frac{(\text{مرگ ها} - \text{موالید}) + (\text{مهاجرت به} - \text{مهاجرت از})}{\text{جمعیت وسط سال}} \times 1000$$

بر طبق یک تقسیم بندی کلی می توان رشد جمعیت را به صورت زیر طبقه بندی کرد:

- ۱- رشد جمعیت ۰/۱ درصد = جمعیت ثابت
- ۲- رشد جمعیت ۰/۱ - ۰/۵ درصد = رشد ضعیف
- ۳- رشد جمعیت ۰/۵ - ۱ درصد = رشد متوسط
- ۴- رشد جمعیت ۱ - ۱/۵ درصد = رشد سریع
- ۵- رشد جمعیت ۱/۵ - ۲ درصد = رشد بسیار سریع
- ۶- رشد جمعیت بیش از ۲ درصد = رشد انفجاری

شاخص های باروری

میزان تولد خام (Crude Birth rate)

این میزان نمایندهٔ تکثیر طبیعی جمعیت از راه تولد است و بیان کنندهٔ تعداد کودکان زنده به دنیا آمده به ازای هر هزار نفر جمعیت در وسط یک سال معین است.

$$\text{میزان موالید خام} = \frac{\text{تعداد موالید زنده یک سال}}{\text{تعداد جمعیت وسط سال}} \times 1000$$

میزان باروری عمومی (General Fertility Rate)

تعداد موالید یک جامعه بستگی به تعداد زنان آن جامعه در سن باروری دارد. بنابر این اگر در تعیین میزان باروری، زنان این گروه دخالت داده شوند میزان دقیق تری به دست خواهد آمد.

میزان باروری عمومی نشان می دهد به ازای هر هزار زن در سن باروری چند تولد زنده وجود داشته است.

$$\text{میزان باروری عمومی} = \frac{\text{تعداد متولدین زنده در طی یک سال}}{\text{تعداد زنان (15-49) ساله در وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان باروری نکاحی (Marital Fertility Rate)

این میزان تعداد کودکان زنده به دنیا آمده به ازای هر زن ازدواج کرده در سنین باروری را نشان می دهد. این شاخص نشان دهنده دقیق تری برای باروری است. زیرا در مخرج کسر فقط زنان همسر دار محاسبه می گردد در حالی که در میزان باروری عمومی زنان مجردی هم که در سنین باروری بودند محاسبه می شد.

$$\text{میزان باروری نکاحی} = \frac{\text{تعداد متولدین زنده در طی یک سال}}{\text{تعداد زنان متاهل (15-49) ساله در وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان باروری اختصاصی سنی (Age Specific Fertility Rate)

چون شدت باروری در سنین مختلف یکسان نیست لذا از شاخص میزان باروری ویژه سنی برای اندازه گیری استفاده می شود. برای محاسبه این شاخص، زنان ۱۵-۴۹ ساله را در هفت گروه سنی پنج ساله یعنی (۱۵-۱۹) و ... (۴۵-۴۹) ساله تقسیم بندی می کنند و از تقسیم موالید زنده متولد شده هر گروه سنی به جمعیت زنان همان گروه سنی در میانه سال، میزان باروری ویژه سنی مربوطه به آن را محاسبه می کنند.

$$\text{میزان باروری اختصاصی سنی} = \frac{\text{تعداد موالید زنده یک سال در هر گروه سنی مورد نظر}}{\text{جمعیت زنان همان گروه سنی در وسط سال}} \times 1000$$

میزان باروری اختصاصی سنی، کودکان زنده به دنیا آمده به ازای هزار زن در هر یک از گروه های سنی ذکر شده را در طی یکسال مشخص می کند.

میزان باروری کلی (Total Fertility Rate)

این شاخص متوسط تعداد فرزندان را که یک زن در طول دوره باروری خود به شرط تداوم الگوی باروری می تواند به دنیا آورد را محاسبه می کند. برای محاسبه میزان باروری کل، مجموع باروری ویژه گروه های سنی پنج ساله، در عدد ۵ که فاصله گروههای سنی است ضرب و حاصل بر هزار تقسیم می شود.

$$\text{میزان باروری کلی} = \frac{\text{مجموع میزان های باروری ویژه گروه های سنی پنج ساله}}{1000}$$

میزان تجدید نسل ناخالص (Gross Reproduction Rate)

این شاخص تعداد دخترانی که از یک زن ازدواج کرده به دنیا خواهد آمد را محاسبه می کند. علت محاسبه تعداد دختران، نقش اصلی آنها در تعیین الگوی باروری در نسل آینده می باشد. در محاسبه این شاخص فرض بر این است که مرگ و میر در نسل این زنان برابر صفر است.

$$\text{نسبت دختر زایی} \times \text{میزان باروری کلی} = \text{میزان تجدید نسل ناخالص}$$

$$\text{نسبت دخترزایی} = \frac{\text{تعداد متولدین دختر در یک سال}}{\text{تعداد کل متولدین در همان سال}}$$

میزان تجدید نسل خالص (Net Reproduction Rate)

این شاخص همانند تجدید نسل ناخالص محاسبه می شود با این تفاوت که مرگ و میر زنان را در دوره باروری به حساب می آورند.

$$\text{احتمال بقاء زنان} \times \text{نسبت دختر زایی} \times \text{میزان باروری کلی} = \text{میزان تجدید نسل خالص}$$

میزان بارداری (Pregnancy Rate)

این شاخص نسبت بین تعداد زنان باردار در یک سال را به تعداد زنان متأهل در سنین باروری نشان می دهد.

$$\text{میزان بارداری} = \frac{\text{تعداد زنان باردار در یک سال}}{\text{تعداد زنان متأهل در گروه سنی باروری}}$$

شاخص های مرگ و میر

میزان مرگ و میر خام (Crude Death Rate)

این شاخص احتمال مرگ را در یک جامعه در مدت یک سال در هر هزار نفر جمعیت نشان می دهد.

$$1000 \times \frac{\text{تعداد مرگ و میر در یک سال در یک منطقه}}{\text{کل جمعیت آن منطقه در وسط همان سال}} = \text{میزان مرگ و میر خام}$$

میزان های مرگ و میر اختصاصی (Specific Death Rate)

برای بررسی بهتر مرگ و میر در هر جامعه استفاده از شاخص های اختصاصی می تواند کمک زیادی کند.

میزان مرگ و میر اختصاصی سنی

$$\text{میزان مرگ و میر اختصاصی سنی} = \frac{\text{تعداد مرگ در یک گروه سنی خاص در یک سال}}{\text{جمعیت همان گروه سنی در وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان مرگ و میر اختصاصی جنسی

$$\text{میزان مرگ و میر اختصاصی جنسی} = \frac{\text{تعداد مرگ (مؤنث یا مذکر) در یک سال}}{\text{جمعیت (مؤنث یا مذکر) در وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان مرگ و میر اختصاصی عللی

$$\text{میزان مرگ و میر اختصاصی عللی} = \frac{\text{تعداد مرگ به یک علت خاص در یک سال}}{\text{جمعیت در وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان مرگ و میر کودکان کمتر از یک سال (Infant Mortality Rate)

این میزان یکی از مهمترین شاخص ها در ارزیابی وضعیت بهداشت یک منطقه است نسبت به اقدامات بهداشتی مانند واکسیناسیون، آب آشامیدنی سالم و مراقبت از بیماری هایی مانند اسهال در این سن، بسیار حساس است و پایین بودن آن معرف اجرای موفق برنامه های بهداشتی است.

$$\text{میزان مرگ و میر کودکان کمتر از یک سال} = \frac{\text{تعداد مرگ کودکان کمتر از یک سال در سال مشخص}}{\text{تعداد متولدین زنده در همان سال}} \times 1000$$

میزان مرگ و میر نوزادان (Neonatal Mortality Rate)

مرگ و میر نوزادان برخلاف شاخص قبلی که تحت تأثیر اقدامات بهداشتی بود بیشتر ناشی از مراقبت های ضعیف دوران بارداری، حین زایمان و کنترل نامناسب نوزادان است.

سن نوزادان صفر تا ۲۸ روز در نظر گرفته می شود.

$$\text{میزان مرگ و میر نوزادان} = \frac{\text{تعداد مرگ نوزادان در طی یک سال}}{\text{تعداد موالید زنده در همان سال}} \times 1000$$

میزان مرگ و میر زنان باردار (Maternal Mortality Rate)

زنان در طول بارداری در معرض خطرات گوناگون می باشند و مراقبت های دوران بارداری می تواند سلامت مادران را تضمین کند. در صورتی که مادری در دوران بارداری به خوبی مراقبت نشده باشد، گرچه در زمان

زایمان از تسهیلات خوبی بر خوردار باشد، خطر مرگ او را تهدید می کند. لذا اطلاع از این شاخص کمک مؤثری به برنامه ریزان بهداشتی در فراهم آوردن تسهیلات به منظور کاهش مرگ و میر زنان باردار خواهد کرد.

میزان مرگ و میر زنان باردار نشان می دهد که به ازای صد هزار تولد زنده، چند مادر در طول دوران بارداری یا حین زایمان به دلیل عوارض بارداری و زایمان از دست می روند.

$$\text{میزان مرگ و میر زنان باردار} = \frac{\text{تعداد مرگ مادران به علت بارداری یا زایمان در یک سال}}{\text{تعداد موالید زنده در همان سال}} \times 100000$$

امید به زندگی (Life Expectancy)

عبارت است از تعداد سال هایی که امید می رود یک کودک تازه به دنیا آمده در زمان و مکان معینی زنده بماند. میزان های مرگ و میر اختصاصی یا خام به تنهایی نمی تواند معرف خوبی از سطح مرگ و میر یک جامعه باشند و شاخص مناسبی که می تواند سطح مرگ و میر را نشان دهد امید به زندگی در بدو تولد است.

معمولاً این شاخص برای نسلی از مردان یا زنان یک جامعه به صورت جداگانه محاسبه می کنند زیرا مرگ و میر هر جنس تحت تأثیر عوامل متفاوتی قرار دارد. امید به زندگی در زنان در اغلب کشورهای جهان بیشتر از مردان است.

افزایش امید به زندگی نشانه ای از بهبود وضع بهداشت است و نشانگر خوبی از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی یک جامعه است.

شاخص های مهاجرت

شاخص های مهاجرت در کشورهایی با جمعیت باز از اهمیت فراوانی برخوردار است. برخی مهاجرت ها به دلیل سیاست های منع مهاجرت ممکن است به صورت غیر قانونی انجام شود که اندازه گیری و ثبت این شاخص را با مشکل روبرو می سازد.

میزان مهاجرت خالص

$$\text{میزان مهاجرت خالص} = \frac{\text{مهاجران به خارج در همان سال} - \text{مهاجران به داخل در همان سال}}{\text{جمعیت وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان مهاجر پذیری

$$\text{میزان مهاجر پذیری} = \frac{\text{تعداد مهاجران به داخل در یک سال}}{\text{جمعیت وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان مهاجر فرستی

$$\text{میزان مهاجر فرستی} = \frac{\text{تعداد مهاجران به خارج در یک سال}}{\text{جمعیت وسط همان سال}} \times 1000$$

شاخص های ازدواج و طلاق

این عوامل از عواملی هستند که می توانند منبع و منشأ افزایش یا کاهش و نهایتاً تغییر در ساختار جمعیت باشند.

میزان ناخالص ازدواج

$$\text{میزان ناخالص ازدواج} = \frac{\text{تعداد ازدواج های انجام شده در یک سال}}{\text{جمعیت وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان خالص ازدواج

$$\text{میزان خالص ازدواج} = \frac{\text{تعداد ازدواج های انجام شده در یک سال}}{\text{جمعیت مجردین واقع در سن ازدواج در وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان ناخالص طلاق

$$\text{میزان ناخالص طلاق} = \frac{\text{تعداد طلاق های انجام شده در یک سال}}{\text{جمعیت وسط همان سال}} \times 1000$$

میزان خالص طلاق

$$\text{میزان خالص طلاق} = \frac{\text{تعداد طلاق های انجام شده در یک سال}}{\text{جمعیت همسر دار در وسط همان سال}} \times 1000$$

ناباروری و راههای درمان آن



تقریباً ۱۰-۱۵ درصد زوجین از این مشکل رنج می‌برند. ناباروری به شرایطی اطلاق می‌شود که یک زوج پس از یکسال مقاربت طبیعی، فراوان و بدون استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری صاحب فرزند نشوند. در صورتی که هیچ نوع حاملگی رخ نداده باشد ناباروری را اولیه و در صورتی که حداقل یک بار زن حامله شده باشد ناباروری را ثانویه می‌گویند.

ناباروری می‌تواند بر کیفیت زندگی زوجین تأثیر منفی بگذارد و حتی ممکن است زندگی آنها را با مخاطره مواجه سازد، اما با پیشرفت علم پزشکی، بسیاری از مشکلات ناباروری قابل درمان شده‌است.

قبل از پرداختن به بحث ناباروری بهتر است برای درک بهتر موضوع، خلاصه‌ای از عملکرد و آناتومی دستگاه تناسلی بیان شود.

دستگاه تولید مثل در انسان

هورمون‌ها و غدد مرتبط با تولید مثل: هورمون یک ماده شیمیایی است که از غدد به داخل مایعات بدن ترشح می‌شود و یک اثر کنترل‌کننده بر روی سایر سلولهای بدن اعمال می‌کند. تعداد کمی از هورمون‌ها بر کل بدن تأثیر می‌گذارند ولی اکثر آنها بر روی بافتهای اختصاصی اثر می‌کنند که به آنها بافت هدف گفته می‌شود. مثلاً هورمون‌های بیضه که بر روی اندامهای مردانه و نیز صفات ثانویه جنسی در مردان اثر می‌کنند.

نقش غده هیپوفیز در فیزیولوژی تولید مثل انسان

هورمون‌های مهمی از غده هیپوفیز ترشح می‌شود که دو تای آنها از اهمیت خاصی برخوردار است:

۱- هورمون محرک فولیکولی یا FSH:

در خانمها موجب رشد فولیکولها (تخمکها) و در آقایان موجب پیشبرد تشکیل اسپرم در بیضه ها می شود.

۲- هورمون لوتهینی یا LH:

در خانمها نقش مهمی در ایجاد مرحله تخمک گذاری دارد و نیز موجب ترشح هورمونهای جنسی زنانه از تخمدانها می شود و در آقایان هم موجب ترشح هورمون تستسترون (هورمون جنسی مردانه) از بیضه ها می شود.

هورمونهای جنسی تخمدانها:

۱- استروژن: تکامل و رشد اندامهای جنسی در زنان و صفات ثانویه جنسی در آنها به عهده این هورمون می باشد.

۲- پروژسترون: ترشح شیر و پیشبرد تکامل پستانها را به عهده دارد.

هورمونهای جنسی بیضه ها:

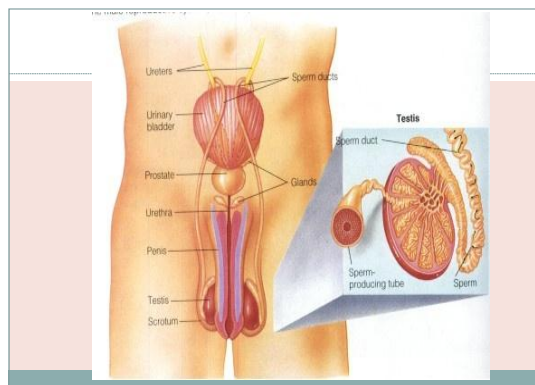
تستسترون: رشد اندامهای جنسی مردانه را تحریک می کند و همچنین موجب پیشبرد تکامل و رشد مشخصات ثانویه جنسی در مردان می شود.

آناتومی و فیزیولوژی دستگاه تناسلی مرد:

دستگاه تناسلی مرد به اندامهای خارجی و داخلی تقسیم بندی می شود.

اندام تناسلی خارجی: شامل بیضه ها (Testis)، کیسه بیضه (Scrotum) و آلت تناسلی (Penis) می باشد. اسکروتوم کیسه ای است که بیضه ها داخل آن قرار گرفته اند و مسئولیت نگهداری از بیضه را داشته و درجه حرارت آنرا پایین تر از بدن نگه می دارد.

اندامهای جنسی داخلی: لوله های منی ساز (Seminiferous tubule) اپیدیدیم (Epididim) مجرای منی بر (Vasa defrens) غده پروستات (Porostat gland) و کیسه منی (Seminal vesical) می باشد.



ساختار بیضه در مردان

اعمال بیضه ها:

- ۱- تولید اسپرم یا سلول های جنسی مردانه
- ۲- تولید هورمونهای جنسی مردانه که در داخل بیضه ساخته شده و توسط رگهای خونی جذب و به نقاط مختلف بدن می روند.

روند ساخت اسپرم: اسپرم در بیضه ساخته می شود. ساخت اسپرم از حدود ۱۳ سالگی شروع شده و تا پایان عمر ادامه می یابد. عمل اسپرم سازی از شروع تا خاتمه حدود ۷۵ روز طول می کشد که به آن اسپرماتوژنز می گویند.

بالغ شدن و نگهداری اسپرمها: بعد از ساخت اسپرم وارد یک کانال طولانی بنام اپیدیدیم (۶متر) می شود که وظیفه انتقال و آماده سازی اسپرم را به عهده دارد. این عمل حدود ۲ تا ۱۲ روز طول می کشد. بعد از این مرحله اسپرمها از طریق کانالی بنام مجرای وایران (منی بر) عبور کرده و وارد محلی بنام (Ampulla) می شوند. محتویات آمپول به همراه محتویات کیسه مایع منی و پروستات به مجرای انزال (Ejaculatory duct) وارد می شوند. لازم بذکر است روزانه حدود ۱۲۰ میلیون اسپرم تولید می شود.

انتقال اسپرمها به لوله های رحمی و عمل لقاح: در هنگام انزال ترشحات کیسه مایع منی و پروستات با اسپرم مخلوط می شوند. حجم متوسط منی در هر انزال حدود ۳/۵ میلی لیتر می باشد که از دو قسمت اسپرم و مایع منی تشکیل یافته است. در هر میلی لیتر از مایع منی حدود صد میلیون اسپرم وجود دارد که این صد میلیون فقط ۱-۲ درصد حجم مایع منی را تشکیل می دهند. اسپرم ها معمولاً ۱/۵ ساعت بعد از انزال به لوله های رحمی می رسند. (سرعت حرکت ۱ تا ۴ میلیمتر در دقیقه) و در این مکان تا ۷۲ ساعت قابلیت باروری تخمک را دارند و در صورت حضور همزمان تخمک لقاح صورت می گیرد و جنین تشکیل می شود. با وجود اینکه فقط یک اسپرم برای بارور کردن تخمک کافی است ولی کسانی که تعداد اسپرم هایشان در هر میلی لیتر

کمتر از ۴۰ میلیون باشد ۵۰٪ احتمال عقیمی وجود دارد و اگر این مقدار کمتر از ۲۰ میلیون باشد معمولاً فرد عقیم می‌شود.

توضیحات بیشتر در مورد تستسترون:

۱- اثر به رشد اندامهای جنسی و پیدایش صفات ثانویه جنسی

۲- اثر بر رویش مو در نقاط مختلف بدن

۳- اثر بر طاسی مردانه

۴- اثر بر صدا

۵- اثر بر پوست و پیدایش آکنه

۶- اثر بر تشکیل پروتئینها و رشد عضلات.

کیسه بیضه: با عضلات خاصی که در آن قرار دارد باعث متعادل نگه داشتن دمای بیضه ها می شود به طوری که در هوای سرد بیضه ها را به حفره شکمی نزدیک می کنند (برای گرمای بیشتر) و در هوای سرد، بیضه ها را از حفره شکمی دور می کنند.

اپیدیدیم: لوله ای طویل و پیچ خورده است که در قسمت پشتی هر بیضه قرار دارد. تا زمانی که اسپرم به بلوغ برسد و قابلیت باروری را پیدا کند در این قسمت باقی می ماند.

وازدفرانس: لوله ای است ماهیچه ای که از اپیدیدیم به حفره لگنی می رسد و از عقب مثانه می گذرد. وازدفرانس اسپرم های بالغ را به مجرای انزالی می رساند و همین قسمت است که در وازکتومی یا بستن لوله در مردان قطع می شود.

سمینال وزیکل: این قسمت کیسه مانند به وازدفرانس متصل است و ماده ای قندی بنام فروکتوز در خود دارد که انرژی اسپرم برای حرکت را فراهم می سازد. بیشترین سهم مایع منی در این کیسه قرار دارد.

غده پروستات: عضوی از دستگاه تناسلی مردانه است و به اندازه یک گردوی کوچک، در ابتدا مجرای ادراری در لگن قرار دارد. غده پروستات در موقع انزال منقبض می شود و ماده شیری رنگ قلیایی به منی اضافه می کند. حالت ژلاتینی منی به دلیل همین ماده است. مایع تولید شده بوسیله پروستات به همراه اسپرم در کیسه های منی ذخیره می شود. مایع ترشح شده بوسیله پروستات یک سوم مایع منی را تشکیل می دهد. این مایع در آمیزش کار حمل و تغذیه اسپرم را بعهده دارد. حالت قلیایی این مایع، اسپرم را در محیط اسیدی واژن حفاظت می کند. از مواد تشکیل دهنده ترشحات پروستات می توان به کلسیم، روی، ویتامین ث (اسید سیتریک)، اسید فسفاتاز، آلبومین و آنتی ژن اختصاصی پروستات (PSA) اشاره کرد.

بولبواورترال یا گدد کوپر: غددی به اندازه یک نخود هستند که در کناره های مجرای انزالی قرار دارند. این غدد مایعی شفاف و لغزنده (لزج) را ترشح می کنند این ترشحات مجرا را روغن کاری کرده و هرگونه حالت اسیدی که به خاطر باقیمانده های ادرار در مجرا است را خنثی می کند.

آلت تناسلی: در آلت تناسلی مردان رگهای خونی و اعصاب فراوانی وجود دارد. دارای اجسام غاری و بافتی اسفنجی است که با سرازیر شدن جریان خون به هنگام تحریک، دچار نعوظ می شود. هر چه سن بالاتر می رود به دلیل گرفتگی عروق خونی نعوظ آلت تناسلی با شدت کمتری صورت می گیرد. ورزش راهکاری اساسی در مورد این مسئله است. علاوه بر این ورزش تصور فرد نسبت به بدن خود را ارتقاء داده و فرد موقع نزدیکی جنسی اعتماد بنفس بیشتری داشته و لذت بیشتری خواهد برد.

ختنه کردن مردان بخشی از فرهنگ اسلامی ما است که دانشمندان اخیرا به این نتیجه رسیدن که برداشتن پوست اضافی روی آلت تناسلی باعث کاهش بروز عفونت در مردان می شود و در مطالعه ای ثابت شده که مردانی که ختنه شده اند (تا حدودی کمتر) به بیماری ایدز مبتلا می شوند.

دستگاه تناسلی زنان:

شامل دو قسمت خارجی و داخلی است:

دستگاه تناسلی خارجی شامل: لبهای بزرگ و کوچک، کلیتوریس، پوبیس، غدد، واژن و پرده بکارت می باشد.

اندام تناسلی داخلی شامل: دهانه رحم، لوله های رحمی (Fallopia tube)، تخمدانها (Ovary)، عروق، اعصاب می باشد.

لب های بزرگ: این قسمت دو لب است و دارای غدد عرق و غدد چربی است که بعد از سن بلوغ با مو پوشانده می شود.

لب های کوچک: مجاور لب های بزرگ قرار دارند و واژن و مجرای ادراری را احاطه می کنند.

کلیتوریس: با به هم پیوستن دو لب کوچک در بالای مجرای ادراری این عضو کوچک شکل می گیرد که پایانه های عصبی زیادی دارد و معادل آلت تناسلی در مردان است که در برخی خانم ها با تحریک (معمولا با انگشت لغزنده) می تواند بدون این که حتی دخول آلت تناسلی صورت گیرد، باعث ارگاسم شود که البته بعد از تحریک زن بزرگتر شده و پوسته روی آن کنار می رود.

غدد بارتولین: که در کناره های واژن قرار دارند و مادهٔ موکوسی لغزنده ای را ترشح می کنند.

واژن: از انتهای رحم یا دهانهٔ رحم شروع و تا دستگاه تناسلی خارجی ادامه می یابد و گاهی به عنوان کانال زایمان معروف است.

رحم: قسمتی است که جنین را در خود جای می دهد و با فرو ریختن دیوارهٔ آن قاعدگی شکل می گیرد که اگر سلول تخم در آن لانه گزینی کند این دیواره ضخیم تر شده و دیگر قاعدگی صورت نمی پذیرد.

تخمندان ها: در دوطرف رحم قرار دارند که تخمک و هورمون های خاصی را تولید می کنند.

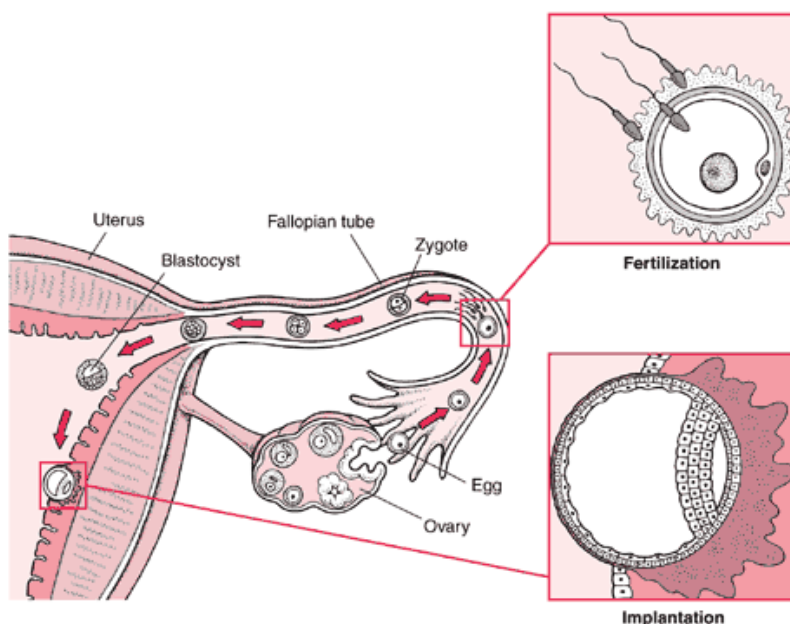
لوله های فالوپ: لوله های باریکی که در طرفین بالای رحم قرار دارند و به عنوان تونلی برای گذر تخمک در نظر گرفته شده اند. شایان ذکر است که عمل لقاح تخمک و اسپرم در همین محل انجام می شود.



دستگاه تناسلی زنان

تولید مثل با تکامل تخمدانها شروع می شود. در زمان تولد یک نوزاد دختر در دو تخمدان حدود یک میلیون و در هنگام بلوغ حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تخمک وجود دارد. در سراسر سالهای تولید مثل یک زن فقط حدود ۴۰۰ عدد از این تخمکها تکامل پیدا کرده و باقیماندهٔ آنها از بین می روند.

یک تخمک در وسط هر دورهٔ جنسی ماهانه از یک فولیکول تخمدانی به داخل حفرهٔ شکمی رها می شود و توسط یکی از لوله های رحمی وارد رحم شده و در صورتی که به وسیلهٔ اسپرم بارور شود، تخم تشکیل و در رحم لانه گزینی می کند. در صورتی که دو تخمک در یک سیکل رها شود و با دو اسپرم لقاح پیدا کند، دوقلوی غیر همسان شکل می گیرد اما در صورتی که یک سلول تخم در طی تقسیم سلولی به دو سلول تخم یا بیشتر تبدیل شده و شروع به تقسیم کند، دوقلوهایی همسان شکل می گیرند.



مکانیسم باروری در دستگاه تولید مثل زنان

دوره جنسی در زنان: این دوره با عادت ماهیانه شروع می شود و به طور متوسط ۲۸ روز می باشد. ولی حتی در افراد سالم این دوره از ۲۱ تا ۳۵ روز می تواند متغیر باشد. ۶ روز از سیکل قاعدگی در زنان بیشترین احتمال باروری وجود دارد؛ اما این تخمین این شش روز مشکل است زیرا تخمک گذاری به عوامل متعددی بستگی دارد ولی می توان با ارزیابی علائم تخمک گذاری که در ادامه خواهیم گفت، حدود تخمک گذاری را مشخص کرد.

این دوره معمولاً در ابتدا نامنظم است ولی کم کم منظم می شود و در زنهای سالم بین ۴۵ تا ۵۰ ساله متوقف و دوره یائسگی شروع می شود. پس دوره باروری زن حدود ۳۰ تا ۳۵ سال می باشد. تغذیه بد، کار زیاد و پر مشقت، فشار زندگی و رنج روحی به طور چشمگیری از طول این دوره می کاهد.

مرحله باروری در هر دوره جنسی ماهانه: تخمک بعد از خروج از تخمدان معمولاً تا ۲۴ ساعت قابلیت باروری دارد. تخمک با سرعت یک میلیمتر در ساعت در لوله رحم و به طرف رحم حرکت می کند. در چند ساعتی که تخمک در ابتدای لوله رحمی است بهترین شرایط برای لقاح را دارد و هر چه به رحم نزدیکتر می شود قدرت باروری خود را از دست می دهد.

توانایی باروری: احتمال باردار شدن در یک چرخه منفرد ۲۰-۲۵٪ است.

باروری: به احتمال به دست آوردن یک تولد زنده در یک چرخه منفرد اطلاق می شود.

عوامل مؤثر در نازایی: افزایش سن، وضعیت اجتماعی پایین، توانایی باروری تا اواخر دهه چهارم و اوایل دهه پنجم زندگی ادامه دارد. اوج قدرت باروری در ۲۵ سالگی و افت سریع آن پس از ۳۵ سالگی می باشد.

نکته: بیماری ها و عواملی که سبب ایجاد اشکال در بارداری می شوند یا همراه با آن هستند عبارتند از: آندومتریوز (التهاب مخاط رحم)، عوامل رحمی، عوامل سرویکال (دهانه رحم) و عوامل ایمنولوژیکی.

بررسی زوج نابارور

ویزیت اولیه:

- ② حضور زن و مرد هر دو الزامی است.
- ② شرح حال طبی، جراحی، بیماری های دستگاه تناسلی، درد لگنی و
- ② بررسی ریسک فاکتورها، عفونت لگنی، IUD، جراحی لگن، عملکرد (هیپوفیز، آدرنال، تیروئید)
- ② شرح حال از شریک جنسی مرد (سابقه جراحی، عفونت، اوریون و ...)

علل ناباروری:

۱- اختلالات ناشی از فاکتور های مردانه (۲۵٪)

۲- فاکتورهای زنانه:

- فاکتورهای تخمک گذاری (۲۷٪)
- آسیب لوله، انسداد لوله (۲۲٪)
- فاکتور سرویکال
- اختلالات روحی، ایمنولوژیک، عفونت ها
- آندومتریوز (التهاب مخاط رحمی)

عوامل مؤثر در ناباروری زنان و درمان آنها

عامل تخمدانی

۳۰ تا ۴۰ درصد از موارد ناباروری زنانه را تشکیل می دهند. سیکل های منظم قاعدگی که در فواصل ۲۵ تا ۳۵ روز اتفاق می افتند، بخصوص هنگامی که با علائم میانه سیکل همراه باشند نشانه ای از تخمک گذاری به شمار می روند. فاکتورهای تأیید کننده تخمک گذاری شامل:

۱- افزایش درجه حرارت پایه بدن: آسان ترین و ساده ترین روش برای تعیین زمان تخمک گذاری زن است که هر روز صبح قبل از بلند شدن از خواب درجه حرارت ثبت شود، پروژسترون یک هورمون حرارت زا است. تخمک گذاری یک روز قبل از صعود درجه حرارت، اتفاق می افتد.

۲- افزایش غلظت پروژسترون موجود در سرم خون غلظت بالای سه نانو گرم در میلی لیتر (تأیید تخمک گذاری) که در روز ۲۱-۲۳ از یک چرخه ایده آل ۲۸ روزه باید سنجش شود.

۳- پایش LH: تخمک گذاری ۳۴-۳۶ ساعت بعد از شروع ترشح LH انجام می شود و یا ۱۰-۱۲ ساعت بعد از اوج LH صورت می گیرد. کیت های ادراری نیز برای اندازه گیری میزان LH وجود دارند.

۴- افزایش خروج ترشحات از واژن (ترشحات آندومتر)

مهمترین مشکلات همراه با عدم تخمک گذاری و ناباروری عبارتند از: کیست های تخمدانی، نارسایی زودرس تخمدان، بیماری تیروئید، اختلالات هیپوتالاموس-هیپوفیز، اختلالات غدد فوق کلیه و ... هستند.

درمان:

استفاده از کلومیفن سیترات که در القای تخمک گذاری نقش دارد.

درمان با گنادوتروپین: در این روش تزریق LH و FSH برای القای تخمک گذاری در زنان انجام می شود.

برموکریپتین: درمان اولیه در زنانی که مبتلا به افزایش هورمون پرولاکتین (بویژه در این اختلال مورد استفاده قرار می گیرد)، عدم یا کاهش تخمک گذاری است.

تجویز GnRH: هورمون آزاد کننده گنادوتروپین که از هیپوتالاموس ترشح می شود و باعث آزاد شدن LH و FSH می شود.

در برخی موارد نیز عمل جراحی انجام می گیرد.

ناباروری با عامل لوله ای و صفاقی

بیماری های لوله ای تقریباً در ۳۰ درصد زوج های نابارور شناخته شده است. عواملی که منجر به بیماری های لوله ای می شوند عبارتند از: عفونت های حاد لگنی، آپاندیسیت، التهاب مخاط رحم، چسبندگی های لگنی، جراحی بر روی لوله ها، استفاده از IUD و عفونت ها خصوصاً عفونت ناشی از کلامیدیا علت اصلی ناباروری با عامل لوله ای هستند.

درمان:

🔴 در صورت اختلالات آناتومیک درمان جراحی صورت می گیرد. عموماً می توان همزمان با لاپاروسکوپی جهت تشخیص گرفتگی، عمل بازسازی لوله را نیز انجام داد.

☞ هیستروسالپنگوگرافی (متداول ترین آزمون غربالگری برای باز بودن لوله است که با استفاده از یک دستگاه که در محدوده کار رادیولوژی است انجام می گیرد).

☞ در صورت عفونت بخصوص سل، درمان کلاسیک صورت می گیرد.

☞ آندومتریوز یا التهاب رحم را می توان با درمان بیماری برطرف کرد.

چه عواملی خطر ناباروری در زنان را افزایش می دهد؟

افزایش سن، مصرف دخانیات، مصرف بیش از حد الکل، استرس، تغذیه ضعیف، اضافه وزن و کمبود وزن، عفونت های تناسلی، مشکلات هورمونی که می تواند باعث تغییرات هورمونی شود.

افزایش سن به علل زیر می تواند باعث کاهش باروری در زنان شود:

- تخمدان های زن توانایی کمتری برای آزاد کردن تخمک پیدا می کنند.
- در سنین بالا تعداد کمی تخمک وجود خواهد داشت.
- تخمک ها آنچنان که در جوانی سالم هستند، سالم نیستند.
- به احتمال بیشتر می توانند دچار مشکلات باروری شوند.
- به احتمال بیشتر دچار سقط می شوند.

عوامل مؤثر در ناباروری مردان و درمان آنها

ارزیابی عامل مردانه کار دشواری است؛ زیرا علاوه بر مشابه بودن برخی پارامترهای مایع منی بین افراد سالم و افراد مبتلا به کاهش باروری، تغییرات بسیاری نیز در نمونه هایی که به دنبال هم از یک فرد به دست می آیند، وجود دارد. این تفاوت ها ممکن است ناشی از عوامل محیطی باشد (فصل، بیماری و استرس).

معاینه فیزیکی کامل اهمیت فراوانی دارد. شایع ترین بیماری هایی که علت ناباروری هستند یا به همراه آن دیده می شوند عبارتند از:

واریکوسل (۳۷٪)، نارسایی بیضه (۹٪)، انسداد (۶٪)، کریپتورکیدیسم (عدو نزول بیضه ها در کودکی) (۶٪)، حجم کم مایع منی (۵٪)، آگلوتیناسیون اسپرم (۳٪) و چسبندگی بالای مایع منی (۲٪) است.

همچنین باید مطالعات آندوکراین با اندازه گیری تستوسترون، LH، FSH، TSH و پرولاکتین خون انجام گیرد.

آزمون های تشخیصی برای ارزیابی مرد

تجزیه مایع منی: در بین پارامتر های غیر طبیعی منی و احتمال نسبی ناباروری، هنوز هم اولین آزمون غربالگری برای ناباروری با عامل مردانه است.

در تجزیه مایع منی این عوامل سنجیده می شوند: حجم، PH، فروکتوز، تبدیل شدن به مایع، سلول های گرد، غلظت اسپرم، تحرک و شکل اسپرم ها. حداقل ۴۸ ساعت و حداکثر ۷ روز قبل از نمونه گیری باید از نزدیکی خودداری شود. در انزال مکرر تعداد اسپرم ها کاهش می یابد، در حالی که در انزال گهگاه اشکال طبیعی اسپرم کاهش می یابد.

حجم طبیعی مایع منی ۲ الی ۶ میلی لیتر است. حجم کم ممکن است با انزال پس گرد همراه باشد. فقدان فروکتوز و PH اسیدی، اختلال عملکرد وزیکول سمینال یا انسداد مجرای انزال را مطرح می کند. نبودن خاصیت مایع شدن، احتمالاً سبب کم تحرک شدن نسبی اسپرم ها می شود. تعداد غیر عادی سلول های گرد (بیش از یک میلیون در میلی لیتر) ممکن است نشان دهنده سلول های نابالغ باشد. تعداد اسپرم های طبیعی کمتر از ۲۰ میلیون با میزان باروری کمتر همراه است.

آزمون عملکرد اسپرم: سنجش قدرت نفوذ اسپرم آزمونی است که برای بررسی ظرفیت گیری و واکنش آکروزوم، اتصال و نفوذ به غشای تخمک انجام می پذیرد.

واریکوسل: واریکوسل یا گشاد شدن عروق کیسه بیضه، شایع ترین عامل قابل اصلاح ناباروری در مردان است. به نظر می رسد که واریکوسل با افزایش دمای بیضه، کیفیت مایع منی را تحت تأثیر قرار می دهد. واریکوسل باعث اختلال در اسپرماتوژنز (رشد ساخت اسپرم) می شود.

نارسایی غدد جنسی (گوناها): شایع ترین علت نارسایی غدد جنسی در مردان سندروم کلاین فلتر (۴۷، XXY) است. این سندروم یک بیماری زنتیکی است که بیضه سفت و کوچک، مشکل در مجرای منی بر، عدم وجود اسپرم در مایع منی، بزرگی پستان ها، قد بلند و رشد کم مو در صورت از علائم آن می باشند. دیگر بیماری ها نظیر تورم بیضه ها در اثر اوریون، شیمی درمانی و کریپتورکیدیسم نیز می توانند در نارسایی غدد جنسی نقش داشته باشد.

کمبود منفرد گنادوتروپین: که ممکن است ناشی از اختلالات ژنتیکی باشد و باعث فقدان ترشح کافی هورمون GnRH از هیپوتالاموس گردد.

ناهنجاری های انسدادی: فقدان مادرزادی وازودفران با نبود فروکتوز در مایع منی مشخص می شود و با وازوگرافی تأیید می شود. انسداد ممکن است در اپیدیدیم هم وجود داشته باشد. درمان این نوع انسدادها با عمل جراحی ممکن می شود.

انزال پس گرد: آسیب های عصبی در تروما ها و یا در بیماری هایی نظیر دیابت می تواند باعث این عارضه شوند. حجم کم مایع منی و وجود مایع منی پس از انزال نشان دهنده این عارضه است. در این اختلال مایع منی بجای این که از مجرای انزالی خارج شود به درون مثانه بازگشت داده می شود.

صدمه به طناب نخاعی: این مردان ممکن است با مشکلاتی چون ناتوانی جنسی، اشکال در انزال، کاهش تولید تستسترون و کاهش اسپرماتوژنز روبرو می شوند.

علل ایدیوپاتیک یا نامشخص: در این موارد از درمانهای تجربی با رژیم هورمونی استفاده شده است.

چه عواملی خطر ناباروری در مردان را افزایش می دهد؟

عواملی که باعث باعث کاهش تعداد اسپرم می شود شامل:

مصرف بیش از حد الکل، داروها، مصرف دخانیات، بالا رفتن سن، سموم محیطی شامل حشره کش ها و سرب، بیماریهایی مانند اوریون، مشکلات جدی مانند بیملری های کلیه یا مشکلات هورمونی، رادیو تراپی، شیمی درمانی برای سرطان، گرما (تب، حمام های بسیار گرم و شغل هایی مانند رانندگی و نانوایی) و برخی داروها.

درمان نازایی مردانه: در بیشتر موارد رفع علت زمینه ای و درمان جراحی می تواند کمک کننده باشد. درمان عفونت، هورمون درمانی و دارو درمانی می تواند کمک کننده باشد.

نکته: کلومیفن سیترات تعداد اسپرم را افزایش می دهد ولی در میزان باروری اثری ندارد.

بیماری های جنسی

مهمترین بیماری های میکروبی منتقله از راه تماس جنسی (STD):

● سوزاک

● سیفیلیس

● هپاتیت B&C

● ایدز

● ویروس پاپیلومای انسانی HPV

سوزاک

سوزاک (به انگلیسی: Gonorrhea) یکی از بیماری‌های آمیزشی شایع است که از طریق آمیزش جنسی منتقل می‌شود. عامل آن *نیسریا گونورآ* می‌باشد. علایم معمول در مردان شامل سوزش ادرار و خروج ترشحات چرکی از آلت است. اما در زنان معمولاً بی‌علامت است و یا ممکن است خود را به صورت ترشحات واژنی یا دردهای لگنی نشان دهد. برای پیشگیری از بروز عوارض و جلوگیری از گسترش بیماری درمان آنتی‌بیوتیکی ضروری است.

علایم

مردان: ترشحات چرکی از آلت.

علایم مردان معمولاً ناشی از التهاب پیشابراه است.

• سوزش ادرار

• ترشحات چرکی از آلت



زنان: ترشحات واژنی در سوزاک

بیش از نیمی از زنان آلوده بدون علامت هستند و موارد علامت دار معمولاً ناشی از التهاب واژن و رحم و دهانه رحم، به صورت‌های زیر بروز می‌کند:

■ به صورت ترشحات واژنی

■ دردهای لگنی

تشخیص: تشخیص بیماری از طریق آزمایش میکروسکوپی گسترش ترشحات دستگاه تناسلی رنگ آمیزی شده با روش گرم یا کشت این ترشحات در محیطهای اختصاصی کشت صورت می گیرد. حداکثر شیوع این بیماری در طبقات اقتصادی پائین جامعه وجود دارد.

سیر طبیعی

در مردان ۲-۷ روز پس از تماس جنسی با فرد آلوده ترشحات چرکی از مجرای ادرار خارج شده و میزان دفع ادرار نیز افزایش و همچنین در هنگام ادرار مقدار کمی خون از مجاری ادرار خارج شده و مقدار باقی مانده در مجاری به صورت خون لخته شده از مجاری ادرار خارج می گردد. درصد کمی از مردان بدون نشانه بالینی هستند. در خانمها پس از آلودگی، التهاب دهانه رَحِم بوجود آمده که در بیشتر موارد بدون نشانه است ولی در برخی از خانم ها پس از نزدیکی ترشحات غیرعادی یا خونریزی وجود دارد.

عوارض

در صورت عدم درمان در ۲۸ درصد موارد نوزادان حاصل از مادران مبتلا دچار التهاب چشمی ناشی از گنوکوک می شوند.

یکی از عوارض بیماری گسترش بیماری به همه بافت های بدن است که ممکن است به پتشی یا التهاب مفاصل یا تورم قلب منجر شود. شیوع این حالت بین ۰,۶ تا ۳ درصد در زنان و ۰,۴ تا ۰,۷ درصد در مردان است. در بیست درصد از موارد، عفونت در مراحل عادت ماهانه به رَحِم رسیده و باعث التهاب رحم، لوله های زهدان و برخی نواحی لگن می شود که گاهی چنین حالتی منجر به نازایی و یا حاملگی خارج از رحم می شود.

دختران در سنین قبل از بلوغ ممکن است در اثر تماس جنسی مستقیم با ترشحات بالغین آلوده، دچار التهاب گنوکوکی مهبل و رحم شوند. نوزادان و ندرتاً بالغین ممکن است مبتلا به عفونت گنوکوکی ملتحمه چشم شوند که اگر به سرعت و به مقدار کافی درمان نشوند ممکن است منجر به نابینایی گردد. در صورتی که آلودگی به صورت سیستمیک در بدن پخش شود منجر به درگیری مفاصل و پوست و گاهی بندرت قلب و پرده های مغزی می شود. در صورتیکه درمان آلودگی و التهاب مفصلی به تأخیر افتد منجر به ضایعات دائمی مفصلی می شود. التهاب های غیرگنوکوکی مجاری ادراری - تناسلی و التهاب چرکی مخاطی رحم که ممکن است با عوامل دیگر غیر از گنوکوک ایجاد شده باشند، در اغلب موارد با عفونت گنوکوکی همراه بوده و تشخیص بالینی سوزاک را دچار اشکال می کند.

- * مخزن: انسان تنها مخزن شناخته شده این عامل عفونی است.
- * دورهٔ واگیری: این زمان نزد موارد درمان نشده بیماری ممکن است برای ماه‌ها ادامه داشته باشد.
- چند ساعت بعد از شروع درمان مؤثر، واگیری خاتمه می‌یابد.

پیشگیری

مبتنی بر رابطه جنسی سالم می‌باشد. جهت جلوگیری از ابتلا در اشخاصی که مشکوک به آلودگی به این بیماری می‌باشند حتماً بایستی از کاندوم استفاده شود. اقدامات دیگری که خاص پیشگیری از ابتلا به سوزاک است مثل پیشگیری دارویی در چشم نوزادان و توجه به تماسهای بیماران مبتلا به سایر بیماریهای عفونی نیز اجرا می‌گردد. ترشحات بیمار و اشیایی که به آنها آلوده شده‌اند بایستی گندزدایی شود.

سیفیلیس

سیفیلیس یک بیماری باکتریایی است و در دو شکل جنسی (بیماری‌های آمیزشی) و غیرجنسی انتشار می‌یابد. این بیماری در اثر تماس مستقیم با پوست عفونی منتقل می‌شود. همچنین از مادر به نوزاد و از طریق خون آلوده منتقل می‌شود. این بیماری در صورت درمان نشدن می‌تواند سبب زمین گیر شدن افراد یا مرگ آنها شود. باکتری عامل این بیماری باکتری پیچشی شکل بنام (ترپونما پالیدوم) است.



روش تشخیص این بیماری آزمایش خون (VDRL) و کشت میکروب است. توصیه می‌شود تمام زنان باردار این آزمایش خون را بدهند.

روش‌های انتقال

آمیزش جنسی با فرد بیمار (آمیزش دهانی، مقعدی و واژنی)، استفاده از سرنگ و سوزن مشترک، از مادر به نوزاد، و از طریق انتقال خون آلوده.

پیشگیری

- استفاده از کاندوم لاتکس در تمام مدت آمیزش جنسی لازم است. ابتلای شریک جنسی به سیفیلیس همیشه واضح نیست.

مراحل سه‌گانه

۱- مرحله اولیه (شانکر)

دوره مخفی سیفیلیس به طور متوسط ۲۱ روز است. ۱۰ تا ۹۰ روز پس از ورود باکتری به بدن، زخم کوچک نرم، گرد و بدون دردی ایجاد می‌شود. به این زخم جلدی شانکرمی گویند. شانکر تناسلی معمولاً یکی است و شانکرهای غیر تناسلی روی لبها و حفره دهان دیده می‌شود. شانکر به صورت یک جوش ظاهر می‌شود که زخمی می‌گردد. این زخم از سه دهم سانتی متر تا ۲ سانتی متر اندازه دارد بدون درد بوده و سفت می‌باشد. قاعده آن دارای ترشح خفیف است. لبه‌های زخم برجسته، صاف و کاملاً واضح می‌باشد. تورم غدد لنفاوی آن بدون درد، سفت و متمایز بوده هرگز به هم نچسبیده و چرک نمی‌کند و در عرض یک یا دو هفته ایجاد می‌شود. شانکر بدون درمان در عرض سه تا ۶ هفته با به جا گذاشتن اثر زخم بهبود می‌یابد. بیماری در سه چهارم موارد بهبود می‌یابد و در یک چهارم موارد، ۶ هفته بعد از ظهور شانکر علایم بالینی مرحله دوم ایجاد می‌شود. یک هفته بعد از ظهور شانکر، تست‌های VDRL و RPR مثبت می‌شوند.



شانکر پدیدآمده از سیفیلیس روی دست

۲-مرحله ثانویه (پدید آمدن جوش های پوستی)

در صورت درمان نشدن، ۴ تا ۱۰ هفته پس از ظهور شانکر بیماری به شکل جوش های پوستی در یک یا چند منطقه از پوست نمایان می شود. ممکن است لکه های خشن کف دست یا پا پدید آید، یا به شکل نقاط برجسته و ترکیدنی، یا لکه های بزرگ نامنظم، و یا آکنه های بدشکل، یا جوش های پر چرک و ترکیدنی (مانند آبله مرغان) روی پوست ظاهر شود. سیفلیس مرحله دوم با ضایعات جلدی مخاطی، سندرم شبه انفلوانزا و بدون درد مشخص می شود که دو تا ده هفته باقی می ماند. راش جلدی آن معمولا دوطرفه و متقارن است. در هنگام شروع ضایعات تب مختصر هست یا نیست. جوش های پوستی آن غیر التهابی و با شروع تدریجی بوده و تا مدت ها باقی می ماند. بدون درد یا خارش است. رنگ ضایعات مشابه گوشت تازه بریده یا یک ته رنگ مسی می باشد که بیشتر در کف دست یا پا ظاهر می شوند. ممکن است همراه کچلی ریش، موی سرو مژه ها بوده و یا روی سطوح مخاطی ظاهر شود. تمام ضایعات جلدی سیفلیس مرحله دوم، عفونی هستند. بنابراین در صورتی که نوع ضایعات را نمی دانید از لمس کردن آنها پرهیز کنید.

جوش های پوستی در صورت درمان نشدن پس از ۲ یا ۶ هفته خود به خود از بین می رود و بیماری وارد مرحله سوم می شود.

۳-مرحله نهفته (سیفلیس درمان نشده)

در این مرحله علائم مرحله قبل ناپدید شده است ولی باکتری فعال است (قابل سرایت نیست) و به اندام های داخلی صدمه می زند. از جمله مغز، اعصاب، چشم، قلب و رگ های خونی، کبد، استخوان ها و مفاصل. طول مدت سیفلیس نهفته زودرس کمتر از یک سال و سیفلیس نهفته دیررس بیشتر از ۴ سال می باشد.

در موارد نادری عوارض بیماری پس از سال ها ظاهر می شود که می تواند عدم هماهنگی در حرکت عضله ها، فلج شدن، کوری پیش رونده، فراموشی یا سایر تغییرات روانی، دردهای مبهم، تهوع مکرر تومورهای در پوست، استخوان، کبد و ... باشد.

عوارض

* ابتلا به سیفلیس خطر بروز ایدز را تا ۵ برابر افزایش می دهد.

خطر به دنیا آمدن نوزاد مرده یا مرگ نوزاد پس از تولد در مادران بارداری که سیفلیس درمان نشده دارند وجود دارد. سیفلیس مادرزادی هم ممکن است در این حال اتفاق بیفتد. میکرب سیفلیس هر زمانی از

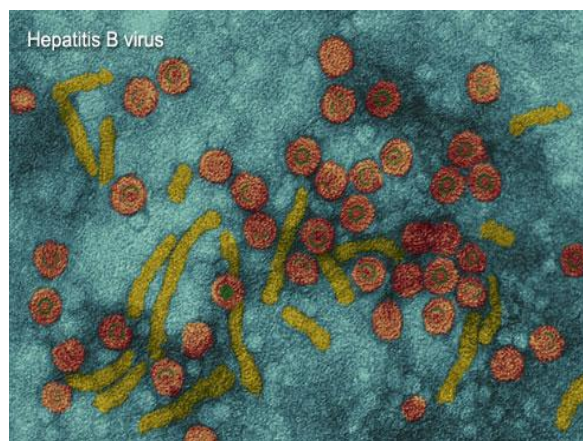
حاملگی می‌تواند از جفت رد شود. درمان کافی مادر قبل از هفته شانزده حاملگی معمولاً مانع عفونت جنین می‌شود. درمان بعد از هفته ۱۸ ممکن است مادر را معالجه کند ولی مانع ایجاد عوارض در جنین نمی‌شود. علائم سه گانه هوچینسون یعنی دندان‌های هوچینسون، التهاب قرنیه بینابینی، و کری عصب ۸، عوارض سیفلیس مادرزادی دیررس می‌باشد.

هپاتیت نوع B:

هپاتیت B بوسیله ویروس HBV بوجود می‌آید. می‌توان افراد را علیه این بیماری واکسینه کرد. میزان HBV در خون نسبت ویروس هپاتیت A بسشتر است و همین باعث انتقال راحت‌تر آن می‌شود. هپاتیت B منتقل شده از مادر به نوزاد در موقع تولد می‌تواند به دو شکل مزمن و حاد دیده شود. مزمن یعنی دستگاه ایمنی بدن تا ۶ ماه نمی‌تواند ویروس را شناسایی و نابود کند، در حالی که ویروس برای ماه‌ها و سال‌ها در کبد باقی مانده و به فعالیت و تکثیر ادامه می‌دهد. کمتر از ۱۰ درصد بزرگسالان بیماری را به شکل مزمن نشان می‌دهند، در حالی که این رقم در کودکانی که در موقع تولد آلوده شده‌اند به ۹۰ درصد و در نوجوانان به ۳۰ - ۲۵ درصد می‌رسد. خطر ابتلا به ویروس در بزرگسالان بستگی به سلامتی دستگاه ایمنی دارد. برای مثال افرادی که دستگاه ایمنی آنها به دلایلی مانند پیوند عضو، دیالیز و مشکلات کلیوی، شیمیوتراپی و ایدز تضعیف شده است بیشتر از افراد سالم مبتلا می‌شوند. گزارشها نشان داده است که ۹۰ درصد افراد مبتلا به ایدز به هپاتیت آلوده شده‌اند.

ابتلا به این نوع هپاتیت عوارض بی شماری دارد. از این رو اهمیت شناخت آن بسیار بالاست.

بعد از آلوده شدن به ویروس هپاتیت B سه مشکل بالینی رخ می‌دهد. اولاً علائم دیده نمی‌شود. ثانیاً مانند هپاتیت A علائم به صورت حاد یعنی ضعف، بی‌اشتهایی و زردی پیش رونده بروز می‌کند. ثالثاً آنتی ژن ویروس در بدن باقی می‌ماند و اشکال مزمن بیماری اتفاق می‌افتد و بعداً با فعالیت مجدد ویروس علائم هپاتیت بروز می‌کند. گاهی باعث ایجاد سرطان در کبد می‌شود. گاهی با بروز علائم هپاتیت حاد، زردی آنقدر زیاد می‌شود که روی عملکرد طبیعی مغز تاثیر گذاشته و باعث علائم خواب‌آلودگی و عدم هوشیاری می‌شود و به علت تخریب سلولهای کبدی زمان انعقاد خون به شدت طولانی می‌شود و خونریزی‌های مختلف در نواحی متفاوت بدن مثل خونریزی لثه، مخاطها و پوست اتفاق می‌افتد که وضعیت بیمار بسیار خطرناک و مرگبار می‌شود.



نکته مهم آن است که درمان خاصی برای این بیماری هنوز کشف نشده است و ابتلا به این نوع از بیماری ویروسی مرگبار است.

راههای انتقال این ویروس عبارتند از:

- ♦ مادر به جنین : به ویژه اگر مادر در ماه سوم بارداری آلوده شده باشد احتمال انتقال بیماری به جنین بسیار بالا است.
- ♦ تماس جنسی حفاظت نشده : از راه خون، استفاده از سرنگ مشترک در معتادان تزریقی و یا فرو رفتن سوزن آلوده به ویروس به طور اتفاقی در پوست افراد سالم و استفاده از تیغ های آلوده است.
- ♦ ترشحات بدن : از جمله بزاق، مدفوع، صفرا، اشک و مایع منی به عنوان یکی از منابع انتقال ویروس مطرح هستند
- ♦ تزریق خون و فرآورده های خونی آلوده
- ♦ اقداماتی مانند خالکوبی، حجامت، سوراخ کردن گوش، خدمات پزشکی و دندانپزشکی در مکان های نامطمئن و با وسایل آلوده و غیر استریل.

روشهای پیشگیری و کنترل وجود دارند که عبارتند از: ۱- انجام واکسیناسیون ۲- کنترل و جدا کردن خون های آلوده ۳- تزریق ایمنوگلوبین به نوزدان که از مادر مبتلا متولد شده و افرادی که با بیماران تماس داشته ۴- عدم مصرف خون کسانی که هرگونه ناراحتی کبدی دارند ۵- استفاده از وسایل مانند دستکش هنگام معاینه بیمار و غیره ۶- حذف سریع وسایل آلوده و ضد عفونی وسایل مورد استفاده ۷- اجتناب از رفتارهای اجتماعی پر خطر و خطر ساز که انتشار ویروس را تسهیل می کند.

هپاتیت C:



علائم بالینی در شکل حاد بیماری شبیه هپاتیت A و B است ولی خفیفتر. هپاتیت مزمن پایدار حاصله از ویروس هپاتیت C شایعتر از نوع B می باشد که حدود ۲۰ درصد آن به سیروز و نارسایی کبد منجر می شود.

دوره مخفی بیماری ۴ تا ۳ روز در موارد طولانی ۴ تا ۳ ماه است. معمولاً هپاتیت C از لحاظ بالینی خفیف بوده و نیاز به بستری شدن ندارد و اکثر بیماران بدون علائم بالینی هستند .

راه انتقال این نوع ویروس به وسیله تزریق است. این بیماری غالباً در گیرندگان خون و فراورده های خونی و معتادان تزریقی بروز می کند. البته در کشور ما انتقال این نوع از هپاتیت از طریق فراورده های خونی بسیار کم شده است زیرا کنترل می شوند. پیشگیری از این نوع از هپاتیت این است که معتادان تزریقی یا اعتیاد خود را ترک کنند و یا از روش دیگری برای استفاده از مواد مخدر استفاده کنند. قانونمندی و عدم تجاوز به حریم خانواده و فعالیتهای جنسی سالم نیز از راههای پیشگیری است.

هپاتیت D:

فقط در بیمارانی که به صورت طولانی ناقل ویروس هپاتیت B هستند بروز می کند. ویروس هپاتیت D برای همانند سازی خود از ویروس هپاتیت B و امکانات سلول میزبان استفاده می کند علائم این بیماری مشابه سایر هپاتیت های ویروسی است؛ با این تفاوت که سیر شدیدی دارد و گاهی سبب تخریب کامل کبد و مرگ می شود.

از آنجایی که در قرن حاضر ایدز و هپاتیت B دو بیماری لاعلاج هستند باید به آنها توجه بیشتری کرد. زیرا ویروس ایدز در خارج از بدن تنها ۳۰ ثانیه زنده می ماند اما ویروس هپاتیت B در خارج از بدن ۲ الی ۳ ساعت زنده است. از این رو احتمال آلودگی به این ویروس بیشتر خواهد بود. اما نکته مهم اینجاست که اگر درمانی برای این دو بیماری نیست اما برای بیماری هپاتیت B واکسنهایی در سه نوبت وجود دارد که انسان را از این بیماری خطرناک مصون می سازد.

ویروس پاپیلومای انسانی (HPV):

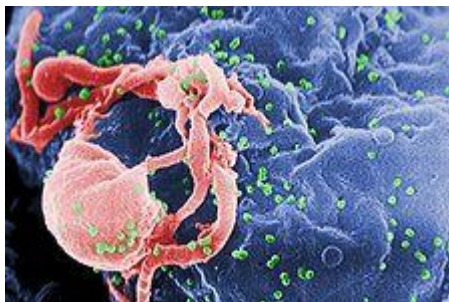


این ویروس باعث زگیل در منطقه تناسلی می شود. ۳۰ نوع از ۱۰۰ نوع این ویروس می توانند سرطانزا باشند. در اثر تماس جنسی با شریک آلوده می تواند اندام تناسلی را گرفتار کند نوع کم خطر این ویروس باعث زگیل های تناسلی و نوع پرخطر آن باعث سرطان های دهانه رحم، واژن و مقعد در خانم ها می شود. در مردها نیز باعث مقعد و آلت تناسلی می شود. در بعضی از افراد نشانه و علامت خاصی ندارد اما می توان با انجام تست پاپ اسمیر تغییرات دهانه رحم را کشف، و از سرطان های احتمالی پیشگیری کرد. استفاده از کاندوم در پیشگیری از آن مؤثر است اما از طریق سکس دهانی نیز می تواند منجر به سرطان های دهان و گلو در افراد شود. واکسن بعضی از انواع خطرناک آن موجود می باشد.

ایدز

AIDS یا (Acquired immune deficiency syndrome) به معنی نشانگان نقص ایمنی اکتسابی است. ایدز یک بیماری پیش رونده و قابل پیشگیری است، این بیماری حاصل تکثیر ویروسی به نام اچ آی وی در بدن میزبان است که باعث تخریب جدی دستگاه ایمنی بدن (معروف به نقص ایمنی یا کمبود ایمنی) انسان می گردد، که خود زمینه ساز بروز عفونت های موسوم به «فرصت طلب» است که یک بدن سالم معمولاً قادر به مبارزه با آنهاست ولی بدن بیمار مبتلا به ایدز در برابر آنها مقاومتی ندارد. در نهایت پیشرفت همین عفونت ها منجر به مرگ بیمار می گردد. بیماری های سینه پهلوی و سل عامل اصلی مرگ و میر در میان مبتلایان به ایدز در سراسر جهان است. بیش از ۹۰ درصد موارد ابتلاء مربوط به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه است. ایدز در حال حاضر ششمین علت مرگ و میر بشر است.

ایدز تنها یک مشکل پزشکی نیست، بلکه یک مشکل اجتماعی و فرهنگی نیز هست، این بیماری تابو تلقی می‌شود و با هاله‌ای از شرم و منع‌های اخلاقی و فرهنگی همراه است که این موضوع مانع از اعلام بیماری از سوی افراد شده و همین مساله منجر به پنهان ماندن بیماری، طی نشدن پروسه درمان و در نتیجه شیوع سریع آن می‌شود.



ویروس HIV

یک ویروس به نام اچ‌آی‌وی (HIV) عامل بروز بیماری ایدز است. HIV حروف نخست نام «ویروس نقص ایمنی انسانی» به زبان انگلیسی است. هر فرد «اچ‌آی‌وی مثبت» (دچار ویروس اچ‌آی‌وی) الزاماً مبتلا به ایدز نیست، بلکه اگر برخی تظاهرات بالینی را بروز دهد مشخص می‌شود به ایدز مبتلا شده‌است (اما می‌تواند این ویروس را به دیگران منتقل کند). تنها نیمی از افراد مبتلا به اچ‌آی‌وی در طی ۱۰ سال به مرحله ایدز مبتلا می‌شوند. این زمان در افراد مختلف متفاوت است و به وضعیت سلامتی و عادات فردی افراد بستگی دارد، امروزه برخی داروها نیز به کنترل این روند کمک می‌کنند.

نشانه‌ها و عوارض

پس از ورود اچ. آی. وی به بدن اولین علائم به صورت یک سندرم شبه سرماخوردگی به همراه بزرگ شدن غدد لنفاوی پدید می‌آید که معمولاً این علائم بهبود یافته و ویروس به حالت نهفته در بدن باقی می‌ماند. این مرحله که در آن فرد حامل بیماری تلقی شده ولی علائمی نشان نمی‌دهد ممکن است تا ده سال و بیشتر به طول بیانجامد. در مرحله آخر این بیماری با نقص سیستم ایمنی به علت فعالیت بالای ویروی و کاهش لنفوسیت‌های نوع تی در خون مشخص می‌شود که ایدز نامیده می‌شود. در این مرحله بدن در معرض عفونتهای فرصت‌طلب ناشی از باکتری، ویروس، قارچ و انگل‌هایی قرار می‌گیرد که در افراد سالم معمولاً به آسانی مهار می‌شوند. این بیماری تقریباً همهٔ دستگاه‌های بدن را درگیر می‌کند. همچنین افراد مبتلا ریسک بالایی برای ابتلا به سرطان‌های مختلف نظیر سارکوم کاپوزی، سرطان گردن رحم و غدد لنفاوی

دارند. بعلاوه، علائم سیستمیک عفونت نظیر تب، تعریق (خصوصاً شب هنگام)، تورم غدد لنفاوی، لرز، ضعف و کاهش وزن را دارند.

هنگام رو در رویی با عفونت، دستگاه ایمنی بدن پادتن‌هایی فرآوری می‌کند که در جریان خون گردش کرده و به عوامل بیماری‌زا حمله می‌کنند. پادتن‌ها بر بسیاری از عوامل بیماری‌زا غلبه می‌کنند ولی دربارهٔ اچ. آی. وی با این که پادتن فرآوری می‌شود ولی نمی‌تواند از تکثیر ویروس جلوگیری کند. و تنها وجود این پادتن‌ها در خون برای تشخیص ابتلا به کار می‌رود.

■ در عمومی‌ترین آزمایش‌ها برای تشخیص اچ‌آی‌وی، یک نوع خاص از پادتن‌ها یا همان پروتئین‌های ضدبیماری ردیابی می‌شود.

■ در چند هفته‌ای که ردیابی آلودگی بی‌ثمر و جواب آزمایش منفی است، فرد آلوده می‌تواند ویروس را به سایرین منتقل کند.

آزمایش ایدز

ابتدا تست الایزا انجام می‌شود. اگر تست الایزا برای ایدز مثبت شد، باید الایزا با کیت دیگری دوباره تکرار شود. اگر باز هم مثبت شد، تست تاییدی با وسترن بلات گرفته می‌شود. اگر تست وسترن بلات منفی بود ممکن است فرد در دوره پنجره به سر ببرد یا آلوده نباشد.

مواردی هست که تست الایزا مثبت است ولی فرد ایدز ندارد مثلاً خطای آزمایشگاه، همودیالیز، دریافت خون و فراورده‌های آن، تست RPR مثبت، مشکلات همراه از قبیل اختلالات خودایمنی (اتوایمون)، مالتیپل میلوما، هموفیلی، هپاتیت الکلی، اعتیاد تزریقی، موارد افزایش IgG مانند کسی که واکسن آنفلوانزا دریافت کرده‌است.

مواردی که تست الایزا به اشتباه منفی می‌شود (منفی کاذب) عبارتند از: عفونت تازه و اولیه، بیماران با سیستم ایمنی سرکوب شده، و خطای آزمایشگاه.

مرحلهٔ بروز ایدز

فرد مبتلا به اچ-آی-وی هنگامی به مرحلهٔ ایدز می‌رسد که شمار گویچه‌های سفید $T4CD +$ آنقدر کم شود که نتوانند از پس انجام وظیفهٔ معمولی خود برآیند. $T4CD +$ یاخته‌های سفید خون هستند که واکنش‌های ایمنی بدن را موزون و مهار می‌کنند. این دشواری اندک اندک، پیشرفت می‌کند که ممکن است

یک تا ۱۵ سال به درازا بکشد. البته افراد در درازای این مدت خوب و تندرست به نظر می‌رسند ولی در این مدت شمار ویروس چند برابر می‌شود.

پیشگیری

از آنجا که تاکنون واکسن و یا علاج قطعی برای این بیماری کشف نشده‌است و در آینده نزدیک نیز امکان پذیر به نظر نمی‌رسد. مهم‌ترین راه مبارزه با این بیماری، پیشگیری و آموزش است.

برای پیشگیری از انتقال اچ‌آی‌وی، بهترین راه خودداری از آمیزش جنسی با فرد بیمار (یا ناقل ویروس HIV) و استفاده از کاندوم‌های جنس لاتکس (نوعی پلاستیک) است. ذراتی با ابعاد ویروس اچ‌آی‌وی نمی‌توانند از کاندوم لاتکس عبور کنند و اگر به درستی و به طور منظم استفاده شوند شیوه کاملاً موثری در کاهش خطر انتقال بیماری محسوب می‌شوند. هرچند تنها شیوهٔ صد در صد موثر، خودداری کامل از آمیزش جنسی با افراد مشکوک به داشتن رفتارهای پرخطر است.

معتادان تزریقی می‌توانند با خودداری از مصرف سرنگ‌های مشترک خطر ابتلا به اچ‌آی‌وی را کاهش دهند.

راه‌هایی که HIV منتقل می‌شود

هرچند اچ‌آی‌وی در تمام ترشحات بدن فرد مبتلا (بجز عرق) وجود دارد ولی برای سرایت سه راه زیر اثبات شده‌است:

■ آمیزش جنسی: شایع‌ترین راه سرایت ویروس در جهان تماس جنسی است.

تماس جنسی هنگامی ممکن است منجر به سرایت اچ‌آی‌وی شود که یک طرف دچار اچ‌آی‌وی/ایدز باشد و تبادل یا تماس مایعات بدن طرفین رخ دهد. بنابراین تماس جنسی مرد با مرد، مرد با زن، زن با زن در این شرایط ممکن است موجب سرایت شود. لازم به ذکر است در مقاربت حتی اگر انزال (خروج منی از آلت مرد) هم رخ ندهد امکان سرایت وجود دارد. چون مایعات مترشحهٔ قبل از آن هم حاوی ویروس هستند.

■ تبادل خون یا فرآورده‌های آن: ویروس می‌تواند از راه مصرف خون و یا فاکتورهای انعقادی آلوده

هم منتقل شود. ویروس می‌تواند از راه یک ورید (مثلاً در حین تزریق وریدی)، مقعد، واژن، آلت مردانه، و سایر غشاهای مخاطی (نظیر چشم) و یا بریدگی‌ها و زخم‌ها (از جمله در دهان) وارد بدن میزبان شود.

بیماران هموفیلی و تالاسمی به دلیل دریافت مکرر خون و یا فراورده‌های آن (نوع انسانی) و معتادان تزریقی که از سرنگ و سوزن بطور مشترک استفاده می‌کنند از گروه‌های پر خطر در ابتلا به اچ‌آی‌وی و ایدز به حساب می‌آیند.

■ **هر وسیلهٔ تیز و بُرنده** که احتمال آغشته شدن به خون آلوده را داشته باشد، در صورت ضد عفونی نشدن و ایجاد زخم، می‌تواند فرد سالم را مبتلا کند. پس ابزار پزشکی، دندان پزشکی، لوازم خال کوبی، سوراخ کردن گوش، حجامت و قمه زنی ممکن است باعث انتقال ویروس شود. سرایت از طریق پیوند عضو (کلیه، کبد، قرنیه، لوزالمعده و ...) هم ممکن است. هرچند در کشورهای پیشرفته به دلیل رعایت کامل احتیاط‌های لازم در استریلیزاسیون مواردی از انتقال از راه اقدامات پزشکی به ثبت نرسیده‌است.

■ **از مادر مبتلا، به جنین:** ویروس می‌تواند از طریق مادر مبتلا به اچ‌آی‌وی به جنین در داخل رحم، و یا حین زایمان و یا در طی دوران شیردهی (که می‌توان به وسیله جایگزینی شیر خشک با شیر مادر از آن جلوگیری کرد) به جنین یا نوزاد منتقل شود. هرچند مصرف داروهای ضدویروسی در حین بارداری در کاهش احتمال این انتقال بسیار موثرند.

راه‌هایی که اچ‌آی‌وی نمی‌تواند منتقل شود

- ☞ از طریق تنفس، سرفه و عطسه.
- ☞ از طریق بوسیدن، تماس پوستی یا دست دادن.
- ☞ از طریق استفاده مشترک از لوازم آشپزی مانند بشقاب، قاشق و چاقو.
- ☞ از طریق تماس با صندلی توالت یا سایر اشیاء عمومی مانند دستگیرهٔ در یا میلهٔ اتوبوس
- ☞ از طریق حشرات، نیش یا گاز حیوانات.
- ☞ از طریق شنا در استخرهای عمومی یا حمام و حولهٔ مشترک.
- ☞ از طریق خوردن غذایی که توسط فرد مبتلا به اچ‌آی‌وی تهیه شده باشد.

بیماری‌های مرتبط با ایدز



ضایعات پوستی یک مبتلا به ایدز، این ضایعات پوستی نشان دهنده کاپوسی سارکوما هستند.

سیستم دفاعی بدن که از حمله ویروس صدمه دیده‌است، قوای خود را برای مبارزه با بیماری‌ها از دست می‌دهد و هر نوع عفونتی می‌تواند جان بیمار را تهدید کند. کسانی که به اچ‌آی‌وی دچار هستند در مقابل بیماری‌هایی مانند سل، مالاریا، ذات‌الریه، برفک، زونا، زخم‌های بدخیم، سرطان، عفونت‌های مغزی، عفونت شکم و خطر نابینایی آسیب پذیرتر می‌شوند. بیماران مبتلا به ایدز همچنین در مقابل آنچه به نام عفونت‌های فرصت طلب معروف است آسیب پذیر هستند. این نوع از عفونت‌ها از باکتری‌های شایع، قارچ‌ها و انگل‌هایی نشأت می‌گیرد که یک بدن سالم قادر به مبارزه با آنهاست، اما می‌توانند در افرادی که سیستم دفاعی بدن آنها آسیب دیده ایجاد بیماری کند و گاه آنها را از پا در آورند. همچنین در این گونه بیماران، فرد دچار کم‌خونی می‌شود.

آیا تا به حال به این مسئله اندیشیده اید که با ایجاد رابطه نا مشروع و خارج از چارچوب خانواده ممکن است همسر خود را به کام مرگ و یا سرطان بکشانید؟؟؟

منابع:

- حق شناس، سید جعفر، آسیب شناسی خانواده (مجموعه مقالات) به کوشش: دفتر مطالعات تحقیقات زنان (به سفارش مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۸۸)
- افروز، غلامعلی، روان شناسی ازدواج و شکوه همسری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹
- آیت اللهی، زهرا و همکاران، اخلاق خانواده، نشر معارف، ۱۳۹۱
- محمودیان، حسین و همکاران، دانش خانواده، انتشارات پیام نور، ۱۳۸۸
- مظاهری، حسین، اخلاق در خانواده، نشر معارف، ۱۳۹۱
- بانکی پورفرد، امیرحسین با همکاری محققان مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه، مطلع مهر، راهکارهای جامع و کاربردی برای انتخاب همسر، نشر حدیث راه عشق، چاپ چهارم، ۱۳۸۶
- ویلیامز، نواک، کیستتر، لانگمن، نلسون، پارک، زبان، گردآوری: زیبا تقی زاده درسنامه جامع مامایی، چاپ چهارم، انتشارات اندیشه رفیع، ۱۳۸۹
- کیستتر، ترجمه دکتر بهرام قاضی جهانی و همکاران اصول بیماری ها و بهداشت زنان کیستتر؛ انتشارات گلبان، ۱۳۸۰
- حلم سرشت، پروین، دل پیشه، اسماعیل، جمعیت و تنظیم خانواده، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم، ۱۳۸۹
- سبکتکین ریزی، قربانعلی، درآمدی بر جامعه شناسی جمعیت، انتشارات آثار معاصر، ۱۳۸۶
- اسماعیل بگی، زهره، غلامرضائی، حمیدرضا، معجزه صمیمیت، جلد ۱ (همدلی)، نشر نسل نو اندیش، ۱۳۸۹
- اسماعیل بگی، زهره، غلامرضائی، حمیدرضا، معجزه صمیمیت، جلد ۳ (همبستگی)، نشر نسل نو اندیش، ۱۳۸۹
- کیهان نیا، اصغر، زن دیروز، مرد امروز (تحلیلی بر اختلافات زناشویی)، نشر مادرچاپ دوازدهم ۱۳۸۶
- قاسم پور، وحید، آسیب های اجتماعی و راهکارهای برون رفت از آن، نشر هیمه، ۱۳۸۸
- زیبایی نژاد، محمدرضا، هویت و نقش های جنسیتی، انتشارات مرکز امر زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۸۸
- محدثی، جواد، الفبای زندگی (آشنایی با اصول و عوامل تحکیم خانواده)، انتشارات: مرکز امور زنان و خانواده ۱۳۸۸
- پسندیده، عباس، کانون جوانمردی، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری ۱۳۸۹
- امام خمینی، تحریر الوسیله، جلد دوم

■ شمس الدین، محمد مهدی، حقوق الزوجه، ج ۳ - ۴.

■ انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، انتشارات ام ابیها، ۱۳۸۵

■ BOOK: Allen J. Wilcox, Fertility and Pregnancy- An Epidemiologic Perspective, 2010